

حجاب و عفاف در قرآن، عفت در پوشش، حجاب محبوبیت و مصونیت

تبعیض یا تفاوت؟ زنان زهرایی، چشم حرانی، نهاد خانواده

در این کتاب می خوانیم

حجاب و عفاف در قرآن، عفت در پوشش، حجاب محبوبیت نه محدودیت
زن و سیاست بیعت با زنان، نگاه حرام، نهاد خانواده ازدواج

مؤلف: محمود زارع پور

سرشناسه: زارع پور، محمود، ۱۳۳۶ طرح جلد: بهار حیدری آرام

شمارگان: ۵۰۰۰ قیمت: ۷۰.۰۰۰ تومان نوبت چاپ: ۱۴۰۱

آدرس نویسنده: m5736z.blog.ir لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: zarepoorketab.blog.ir

چاپ و صحافی: فراز اندیش سبز

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است



نگارستان نشر و تبلیغات فرهنگی



فهرست مطالب

- بخش ۱ : نافرمانی خدا و عریان شدن
- بخش ۲ : حجاب و عفاف در قرآن، عفت در پوشش
- بخش ۳ : پوشش کامل از دیدگاه اسلام
- بخش ۴ : مسئله حجاب از منظر فقه
- بخش ۵ : تفاوت یا تساوی زن و مرد
- بخش ۶ : زن و سیاست، دخالت زن در سیاست
- بخش ۷ : حجاب حضرت فاطمه زهرا علیها سلام
- بخش ۸ : الگوهای مدیریتی زنان در قرآن
- بخش ۹ : جایگاه والای زن در مکتب اسلام
- بخش ۱۰ : تاریخچه بی حجابی و اسرار حجاب
- بخش ۱۱ : بنیاد های خانواده در مکتب اسلام
- بخش ۱۲ : خانواده و ازدواج در اسلام
- بخش ۱۳ : مسئولیت انسان در قبال اعضا و جوارح

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است. اما میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد. حجاب در اسلام برای زن به عنوان حمایت از زن مطرح شده. زنان مسلمان دوست ندارند وقتی درون جامعه می آیند مردان نگاهی به آنان بکنند که جنبه جنسی داشته باشد. زنان مسلمان معتقدند که مسائل جنسی، از آن خانواده و حریم خصوصی است نه محیط پارک و دانشگاه.

دو نفر وقتی صحبت می کنند توجهشان به جنسیت فرد مقابل نیز هست حالا زن مسلمان دوست دارد وقتی با کسی صحبت می کند بیشتر به انسانیتش توجه کنند نه جنسیتش. در اسلام ارزش انسان به خودش و روح اوست. این طور نیست که اگر زیبایی اش کم شد ارزشش نیز کم شود. برهنه شدن زن به نفع زن نیست به نفع مردان است. مردانی که می خواهند به صورت مجانی از این زیبایی ها استفاده کنند و تنها به دنبال لذت شان هستند.

زنان مسلمان با حجاب بیرون می آیند چون خودشان را کالایی برای مردان نمی دانند. از دلایل فروپاشی خانواده برهنگی و بدحجابی است. مردی که در بیرون با جاذبه های مختلف زنان بیرونی است ممکن است وفاداری نسبت به همسر خودش کمتر شود و از آن طرف آن همسر فکر می کند که شوهرش به او توجه نمی کند و در نتیجه زن هم می رود به سمتی که خودش را طور دیگری ارضا کند. در فرهنگ اسلام، زن به عنوان انسان محترم است. در خانواده ها زنان و مردان ما فقط به دنبال جاذبه های جنسی نیست همدیگر را دوست دارند و زنان و شوهران با هم دوست هستند و رابطه عاطفی دارند.

قرآن می فرماید زن و مرد باید به یکدیگر آرامش دهند و زن و مرد باید در مسائل درون خانواده مشورت کنند. رابطه شان بر اساس عشق و دوستی باشد. خانواده را با قانون نمی شود نگاه داشت با عشق می توان نگاه داشت پس حجاب تحمیل شده بر زنان نیست، انتخاب اوست برای اینکه احترام داشته باشد در جامعه. متأسفانه در غرب آزادی یعنی سکس. اگر این آزادی است بله اسلام با این آزادی مخالف است. این آزادی توهین به زن است. زن در اسلام، حرمت دارد. این توهین به زن نیست که این سرمایه داران وقتی جنس هایشان را می خواهند بفروشند زنی باید بیاید و عریان شود و با حالت عشوه و حالت های خاص زنانه خودش را نشان دهد؟ یعنی زن باید بیاید آن جا که سرمایه دار بتواند جنسش را بفروشد؟ زنان مسلمان اجازه نمی دهند که به خودشان اهانت شود.

حجاب از جمله ضروریات دین است که هر مسلمانی چه مرد و چه زن بایستی آن را رعایت نماید. حدود شرعی حجاب برای زنان و مردان متفاوت است. اگر ما از طریق مطالعات علوم اجتماعی و علوم تجربی به فواید حجاب برسیم، دیگر نیازی نیست کسی بگوید به خاطر رعایت ارزش های اسلامی حجاب را رعایت کنید که منّی هم سر دین گذاشته شود و برخی که قبول ندارند، عکس العمل های منفی نشان بدهند.

در این کتاب خواهیم خواند که نداشتن حجاب برخلاف تصور عام، آزادی نیست یک حق است (از حق الناس تا حق الله) و اگر دین آن را واجب دانسته جهت پیشگیری از یک بیماری اجتماعی است و بحث تساوی و تفاوت زن با مرد و اشتغال زن و دنیای غرب و استعمار و در انتها ازدواج و تحکیم خانواده و همچنین مسئولیت اعضای بدن مورد بحث قرار گرفته است.

مؤلف : محمود زارع پور

بخش ۱: نافرمانی خدا و عریان شدن

در کتاب مقدس می خوانیم: چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکو است و به نظر خوش نما و درختی دلپذیر، دانش افزا. پس از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند... و خداوند، رختها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید. (تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۶-۸ و ۲۰ و ۲۱)

نوع احساس حیا در زنان از مردان قوی تر است. با عنایت به تمایل فطری زن و نقش حیاتی پوشش زنان در کنترل و هدایت غرائز شهوانی در مسیر صحیح و جلوگیری از فساد و تباهی جامعه، پیامبران الهی، هماهنگ با فطرت انسانی زنان، آنان را به حجاب فراخواندند و بدین وسیله اشتیاق درونی شان را با قوانین تشریحی استحکام بخشیدند. آری، پروردگار جهانیان از یک سو گرایش به پوشش را در نهاد زنان به ودیعت گذارد؛ از سوی دیگر، پوشاک را در لابه لای نعمت های بیکرانش به بشر ارزانی داشت. و از سوی سوم حجاب را بر زنان واجب ساخت تا گوهر هستی زن در صدف پوشش صیانت گردد و جامعه از فرو افتادن به گرداب فساد نجات یابد. قرآن برهنگی و کنارگذاشتن لباس را دام شیطان معرفی می کند و انسان ها را از فرو افتادن در چنین دامی بر حذر می دارد

رابطه سلامت عقل و پوشش مناسب، شرم آدم و حوا

شرم آدم و حوا در نخستین لحظات آفرینش نسبت به برهنگی خودشان گواه صادقی بر فطری بودن حیا و عفت در انسان است. از همین آیات مربوط به آفرینش می توان به دست آورد که مهم ترین ابزار گمراهی بشر، برهنگی است؛ چرا که ابلیس در همان آغاز آفرینش انسان تلاش کرد تا با میوه ممنوع انسان را گرفتار برهنگی کند تا از این

طریق به اهداف پست و شیطانی خود برسد. خداوند در آیه ۲۷ سوره اعراف به انسان هشدار می دهد تا مواظب و مراقب خود باشند و اجازه ندهند تا ابلیس و شیاطین همراهش با برهنگی، ایشان را گمراه کنند، چنان که این کار را در حق والدین بشر انجام دادند و آنان را لخت و برهنه کردند. **يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا....**

<p>مبادا که مفتون شیطان شوید به نیرنگ خام و به تدبیر سست ز فردوس یزدان براندی بدر برون راند از باغ سبز خدا نمودند عصیان به پروردگار</p>	<p>الا ای بنی آدم این بشنوید همان سان که شیطان به روز نخست فریباند هم مادر و هم پدر به اغوا پدر مادر خلق را شد آنگاه عوراتشان آشکار</p>
---	---

از همین آیه می توان استنباط کرد که آدم و حوا از نوعی پوشش و لباس طبیعی برخوردار بودند که با خوردن از میوه درخت ممنوع، این پوشش از میان رفت . به این معنا که ابلیس تمام تلاش خود را مبذول این معنا کرد که لباس را از تن آدم و حوا برکند تا جسد و شرمگاهشان بر خود ایشان آشکار شود. بنابراین هدف اول ابلیس برهنه سازی است، چرا که با برهنگی و آشکار شدن بدن و زشتی های آن می توان بر آدم مسلط شد و او را به گمراهی کشاند. به نظر می رسد که هرچه عقل انسان و جوامع انسانی کامل تر باشد، پوشش بدن و تن، کامل تر خواهد بود و هرچه انسان از عقل و فطرت دورتر می رود، پوشش کاهش یافته و حجاب بدتر می شود.

از آموزه های اسلامی این معنا به دست می آید که ارتباط تنگاتنگ و معناداری میان سلامت عقل و پوشش مناسب وجود دارد.

فلسفه و هدف وجوب پوشش یکی از روش های تربیتی، تبیین فلسفه اهداف رفتارهای اخلاقی و منش ها و کنش های انسانی است. در روایتی از امیرمومنان علی (علیه السلام) آمده **الناس اعداء ما جهلوا** مردم دشمن مجهولات هستند. (نهج البلاغه حکمت ۴۳۸) البته از آنجایی که عقل به مسائل کلی می پردازد و جامع نگر و کلی نگر

است، تبیین این امور را به عهده **وحی** و شریعت گذاشته است تا به عنوان اکمال و اتمام کننده احکام عقلانی وارد شده و مکارم و فضایل اخلاقی را در چارچوب شریعت تبیین و تکمیل نموده و به اتمام رساند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأموریت خود را این گونه تعریف کرده جز برای اتمام مکارم اخلاقی برانگیخته نشده‌ام.

با نگاهی به واکنش حضرت آدم (علیه السلام) پس از خوردن میوه درخت ممنوع و آشکار شدن بدن به ویژه عورت‌ها، می‌توان دریافت که واکنش پوشاندن بدن و عورت‌ها با برگ‌های درختان، یک واکنش عقلانی برخاسته از حیاست **فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَ طِفْفَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى** آنگاه (طه ۱۲۱) و (اعراف ۲۲)

بخوردند از میوه های جنان **که ممنوع گردیده بودند از آن**

چو خوردند ز آن میوه ها در کنار **بشد زشت اندامشان آشکار**

همی خواستندی به برگ شجر **پوشند اندام خود را دگر**

چو آدم به یزدان خود کرد پشت **ز دست ضلالت بر او خورد مشت**

بنابراین فلسفه پوشش و هدف از تشریح حرمت نگاه به نامحرمان و لزوم پوشیدن شرمگاه، دست یابی به طهارت و پاکی است؛ چرا که انسانها در حالت برهنگی به شدت در معرض خطر تعرضات جنسی قرار می گیرند

خداوند در آیه ۵۹ احزاب (آیه حجاب)، بر این معنا تاکید می کند که اصولاً فلسفه وجوب حجاب به ویژه برای زنان، حفظ آنان از تعرضات جنسی است؛ حکم اسلام بر پوشش زنان، در حقیقت جنبه پیشگیری داشته و تلاش شده تا از طریق زنان از خشونت ها و تعرضات مردان در امان مانند.

آیات ۲۰ تا ۲۲ اعراف تبیین می کند که چگونه برهنگی و بدپوششی برای ابلیس به عنوان یکی از مهم ترین ابزارها و راهکارهای تسلط بر آدمی در آمده است؛

چرا که شیطان نقطه ضعف بشر را دانسته و از آن به خوبی بهره می برد. ابلیس آگاه است که برهنگی و بد پوششی انسان ها به معنای نابودی خلافت الهی ایشان و سقوط در چاه بدبختی ها و ناکامی هاست. فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا وَ قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

چو بودند در خوردنش ناشکیب	دو تن را همی داد شیطان فریب
که اندام زشتی که بودی نهان	به ناگه شود فاش و گردد عیان
به آنها بگفتا، خدای بشر	شما را بکردست نهی از شجر
مبادا که همچون ملک در جهان	شود زندگانیتان جاودان
وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ	

پس آنگاه سوگندها یاد کرد	برانگیخت از جان آن هر دو گرد
شما را کنون سوی خیر و صلاح	هدایت نمایم به سوی فلاح
فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِحُهُمَا وَ طَفِيفًا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَقْبَلْ لَكُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ	

که شیطان خائن به فکری غریب	بداد آن دو تن را به مکرش فریب
که آن دو، تمرد نمودند سخت	بخوردند از میوه آن درخت
چو شد زشتی آن دو تن آشکار	هراسان دویدند از هر کنار
که از برگ اشجار باغ بهشت	پوشند آن گونه اندام زشت
به آنها بفرمود رب بشر	نکردم مگر منعتان زین شجر
نگفتم مگر هست شیطان عدو	که خود دشمنی آشکار است او

انسان؛ معجونی از عقل و غریزه : انسانها، بر خلاف حیوانات، محکوم غریزه نیستند و می توانند با ظرفیتی که خدای تعالی در وجود آنها قرار داده است، راه اعتدال

را انتخاب نمایند. امام علی (علیه السلام) در گفتاری می فرمایند : خداوند فرشتگان را به **عقل** اختصاص داد (و آنها تکویناً محکوم به اطاعت عقل هستند) و حیوانات را به **شهوت و غضب**، اختصاص داد. (و آنها به طور تکوینی محکوم به ارضای غرائز حیوانی هستند)؛ اما انسان را با اعطاء همه (**عقل و خشم و شهوت**) شرافت بخشید. پس هرگاه پیروی از عقل کند، مقامش برتر از فرشتگان خواهد شد؛ زیرا با بودن خشم و شهوت، اطاعت از عقل نموده است، و اگر اطاعت از شهوت و غضب کند، از حیوانات، پست تر است؛ زیرا با داشتن عقل، پیروی از خشم و شهوت نموده است .

قرآن در مورد کسانی که از عقل بی بهره اند و تنها از غرائز حیوانی پیروی می کنند، می فرماید: **لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ** (اعراف ۱۷۹)

همه لال و کورند و غرق و حل
که آن مردمان جملگی جاهلند
چو انعام باشند بل هم اضل
ز معنای انسانیت غافلند

لباس مورد علاقه شیطان : در آیه ۲۶ اعراف خداوند بیان می دارد که پوشش و پوشاندن کار اوست، ولی برهنگی و برهنه کردن کار شیطان است.

حجاب لباس در قرآن : **يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ** (اعراف ۲۶)

الا ای بنی آدم از لطف و مهر
لباسی فرستاد بر جان و تن
شما را ز تقوی لباسی سزااست
پس این نیک گفتار بی کم و کاست
یگانه خداوند ناهید و مهر
بپوشید تا عورت خویشتن
لباسی که نیکوترین جامه هاست
همه ز آیه های یگانه خداست
ره شکر او را به پایان برید
که شاید خدا را به یاد آورید

بخش ۲ : حجاب و عفاف در قرآن، عفت در پوشش

حجاب در قرآن : حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیشتر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. پوشش نشانه حجب و حیاء و امری فطری و در ذات انسانها نهفته و هر قلب سلیمی بر ضرورت وجود و اجتماعی بودن آن گواهی می دهد. **حجاب مصونیت و مانع از تعرض حرامیان و نفوذ شیطان و طغیان شهوات است و این رسالتی است که اولیای الهی جهت تبلیغ آن جان پاک خود را مخلصانه هدیه نموده اند**

حجاب به معنای پوشش مناسبی است که دو جنس مخالف را نسبت به هم در حالتی شبه عفت قرار می دهد و از سرکشی و چیرگی نفس شهوانی و جنسی باز می دارد در قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به صورت جدی به موضوع حجاب پرداخته شده و آن را از مسلمات و ضروریات دین برشمرده اند.

انواع حجاب قرآنی

۱. **حجاب چشم :** قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور ۳۰)

پوشند چشم از گناه و خطا	به مردان مؤمن بگو مصطفی
نمایند با زشتکاری ستیز	بمانند پاکیزه دامان و نیز
صلاح چو جویند پاکی نفس و فلاح	که این کار باشد برایشان
ز کل عملها و پندارشان	خدا هست آگاه از کارتان

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا (نور ۳۱)

به زنهای مؤمن بگو تا نگاه
حفاظت نمایند خود از بدن
نسازند آرایش خود عیان
مگر آنچه نگاه و بی اختیار
بپوشند از کارهای گناه
نسازند آلوده اندام و تن
ز نامحرمان نیز ماند نهان
به نامحرمان خود شود آشکار
یکی دیگر از رفتارهای پرخطر در بحث حجاب و عفاف، چشم چرانی است که قرآن
به زن و مرد مؤمن امر می کند که نگاه خود را کاهش دهند یعنی نگاه را به پایین انداخته
و چشمها را گشوده نگه ندارند و به یک نقطه‌ی معین خیره نشوند.

۲. حجاب در گفتار: **إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا** (احزاب ۳۲)

بترسید و باشید پرهیزکار
چو باب سخن با رجل گشت باز
مبادا نشیند طمع بر دلی
بگویند بلکه سخن را درست
بترسید همواره از کردگار
مرانید صحبت به نرمی و ناز
که دارد در آنجا هوس منزلی
متین پرصلابت، نه آرام و سست
در این آیه دستور وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن را بیان می کند تا چه رسد به
محتوای حرف و سخن. بنابراین از نظر اسلام هم باید حرف خوب زد (و نه حرف
تحریک کننده و مهیج) و هم باید خوب حرف زد (و نه با لحن محرک). شنیدن صدای
زن هم برای مرد حتی با رعایت موارد یاد شده از جانب زن تنها در صورتی جایز است
که تلذذ و ریبه در کار نباشد. به عبارتی همراه ناز کشیدن و کرشمه رفتن نباشد که
محرکی برای نامحرم است.

۳. حجاب رفتاری: به زنان دستور داده شده به گونه ای راه نروند که با نشان دادن

زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند ... **وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ...** (نور ۳۱)

مبادا که زندهای مؤمن به دین
که خلخال آنها بگردد عیان
چنان پا بکوبند روی زمین
طلایی که در پای باشد نهان

حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم، در خلال رفتارهای مختلف آنها، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. حرکات و سکنتات انسان گاهی زباندار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن و سخن گفتن زن معنادار است و به زبان بی‌زبانی می‌گوید دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی برعکس با بی‌زبانی می‌گوید دست تعرض از این حریم کوتاه است.

قرآن دستور اکید به زنان دارد که از جلوه‌گری و خودنمایی و حرکات و اعمال محرک و ناز در رفتار و حتی جلب توجه در نحوه‌ی راه رفتن خودداری کنند. اسلام زن و مرد را از خلوت با نامحرم به شدت پرهیز می‌دهد چرا که این رفتار جولانگاهی قوی برای شیطان فراهم می‌سازد هرچند نیت اولیه‌ی آنان چیز دیگری باشد.

واجب دیگری در قرآن که در رابطه با رعایت عفاف و حجاب است، **استیدان** می‌باشد. **استیدان** (اجاز خواستن) از نظر اسلام هیچ کس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه‌ی قبلی به خانه‌ی دیگری داخل شود البته فلسفه‌ی این حکم غیر از موضوع ناموس و پوشیده بودن زن این است که هر کس در محل سکونت خود اسراری دارد و مایل نیست دیگران حتی دوستان نزدیکش از آن مطلع گردند.

۴. حرمت خودآرایی و خودنمایی: این عمل زشت را جاهلان و همچون جاهلیت

قدیم قبل از اسلام می‌شمارد، **وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى**

بگیرید آرام در بیت خویش
چنان دوره‌ی جاهلیت دگر
از آن کس که در بیوت خود
خودآرا نباشید و بس عشوہ گر

تبرج بمعنای ظاهرشدن در برابر مردم است؛. مقصود از «جاهلیت اولی» جاهلیت قبل از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که در آن عصر، وضعیت پوشش زنان، عفیفانه نبوده است.

آیه خطاب به زنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است؛ اما طبق نظر مفسرین عمومیت دارد و شامل همه زنان می شود. آن چه از مفاد آیه در مورد جاهلیت نخستین آمده نشان از آن دارد که جاهلیت دیگری همانند جاهلیت قبل از اسلام در پیش است که شاید بتوان آن را با عصر و زمان حاضر منطبق دانست.

در تفسیر قمی روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده که بعد از جاهلیت اول، جاهلیت دیگری نیز خواهد آمد. که حاکی از همین جاهلیت مدرن عصر جدید است که مع الاسف، مظاهر آن را در جوامع اسلامی نیز می توان دید. از این رو، زنان باید از هرگونه رفتار جلوه گرانه و تحریک کننده پرهیز کنند و با تاسی از آیه **تَمَشِي عَلٰی اسْتِحْيَاء** (قصص ۵۲) که شیوه راه رفتن زنان اسلامی را ترسیم می کند و با اقتدا کردن به بانوی دو عالم فاطمه زهرا (س) به شیوه آن حضرت عمل نمایند.

۵) حجاب در ظاهر؛ اسلام برای حجاب ظاهر حدود و شرایطی را قرار می دهد. شهید مطهری: بدون تردید پوشانیدن غیر وجه و کفین (گردی صورت و دست ها تا مچ) بر زن واجب است. عدم الزام در پوشاندن چهره و دست ها تا مچ نیز به شرط آن است که از هر نوع آرایش و عوامل جلب توجه و محرک و مهیج خالی باشد در غیر این صورت پوشاندن همان ها نیز لازم است و تذکر این نکته نیز به جاست که واجب نبودن پوشش وجه و کفین بر زن دلیل بر جواز نگاه مرد به آن ها نمی باشد؛ بلکه اگر نگاه مرد از روی لذت بردن یا با ترس از ایجاد لغزش باشد قطعاً حرام است حتی در مورد محارم .

حفظ حجاب تدبیر خالق هستی برای پاسداری و نگهبانی عفاف بوده و به رشد عواطف و عشق در وجود آدمی و در نتیجهی تحکیم روابط خانوادگی کمک می کند و

برای رسیدن به حجاب مورد نظر اسلام نمی‌توان تنها بعضی از دستورها را رعایت کرد و از برخی دیگر صرف‌نظر نمود؛ چرا که ثمرات حجاب در صورتی بطور کامل تحقق می‌یابد که تمامی دستورها رعایت گردد، هرچند عمل به بعضی از آن نیز فواید زیادی دارد.

رمز حجاب و پوشش: بر طبق آیات قرآن و روایات، سخن از ستر و پوشش زن است و بر اساس آنچه که در سنت است اصل بر این است زن به گونه ای مشی و حرکت داشته باشد که در عرصه اجتماعی جز به ضرورت، حضور چشمگیر نداشته باشد و از پوششی برخوردار باشد که حجم بدن و زیبایی او پیدا نشود و این همان مسئله ای است که در جامعه تحت عنوان حجاب مطرح است

حجاب برای زنان بر خلاف تصور عده ای، عامل مصونیت زن از نگاههای ناروا و پیشگیری از تبدیل شخصیت و ارزش وجودی او به کالای قابل مبادله است، ممکن است آن را از دیدی محدودیت به حساب آورند ولی این محدودیت برای حفظ مصالح عالیه‌تری است که در سایه آن شرافت و شخصیت زن محفوظ می‌ماند.

ساختمان وجودی مرد و زن بویژه در بعد طلب و تسلیم و در جنبه پذیرش و رد و یا در تصرف و انعطاف به گونه ای است که این ستر و پوشش مصلحتاً باید توسط زنان اعمال گردد و شوق طلب و دعوت مرد را به همراه داشته باشد.

عفت در پوشش: مسئله حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم در چند جای قرآن به این موضوع با تعابیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی و بی حجابی و خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است. **وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا** (نور ۳۱) زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه ها و زینت های ظاهری و باطنی خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

کلمه «ابداء» به معنای اظهار و آشکار کردن است و مراد از زینت زنان محل و موضع زینت است؛ چرا که آشکار کردن خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، بلکه منظور محل زینت است. اما آنچه از زینت های ظاهری، پوشاندنش استثنا شده، صورت و دو کف دست و قدم ها است.

بنابراین، مقتضای آیه نهی از خودنمایی و آشکار نمودن زینت های شهوت انگیز و جلوه نمایی اندام های نهان زنان است **وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ** (نور ۳۱)

بَر و سینه و دوش را با حجاب **بپوشند چون هست کاری صواب**

... **يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ ذَلِكْ اَدْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ** ۵۹ احزاب

به چادر بپوشند خود را فرو **که این کار باشد بر آنان نکو**

کز آزار و ایذاء اهل هوس **همی دور مانند با این عسس**

خمر جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می پوشانند. و جیوب جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.

سبب نزول این آیه آن بود که شب هنگام که زنان مسلمان به قصد رفتن به مسجد و شرکت در نماز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از خانه بیرون می رفتند، جوانان سرراه آنان می نشستند و با سخنان ناروا متعرض آنان می گشتند.

جلابیب جمع جلاباب، به معنای لباسی است سرتاسری که تمام بدن را بپوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر شود.

این پوشش باید به گونه ای باید که زیر گلو و سینه ها را محفوظ بدارد. مراد از **ذَلِكْ اَدْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ** این است که با پوشاندن بدن به صورت کامل به عفاف و حرمت و حریت شناخت می شوند و مورد تعرض افراد مریض و مغرض و هوسران قرار نمی گیرند. و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی کنند متعرض آنها شوند.

محارم در قرآن وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ... لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ نور ۳۱

به زنهاى مؤمن بگو تا نگاه	بپوشند از کارهاى گناه
حفاظت نمایند خود از بدن	نسازند آلوده اندام و تن
نسازند آرایش خود عیان	ز نامحرمان نیز ماند نهان
مگر آنچه نگاه و بی اختیار	به نامحرمان خود شود آشکار
بر و سینه و دوش را با حجاب	بپوشند چون هست کارى صواب
نباید ببیند کسی روی وی	بجز این کسانی که آید ز بی
پدر شوهر و شوهرست و پسر	که هستند محرم همه سریه سر
پسرهای شوهر و اخوان خویش	گناهی ندارد که آیند پیش
نیوشاند او روی را از پدر	گنه نیست او را نگاه و نظر
پسرهای خواهر همه محرمند	پسرهای اخوان همه همدمند
ز مسلم زنان و کنیزان خود	گنه نیست گر صورتش دیده شد
ز اتباع خانه چه مرد و چه زن	بود خانواده به دیگر سخن
ز طفلی که او خُرد باشد چنان	که تشخیص نَدهد همین از همان
(پرده و پوشش) همسران پیامبر	

قرآن کریم در یک مورد کلمه حجاب را که در خصوص حفظ حریم زن و مرد به کار گرفته است، به معنای پرده بیان کرده نه به معنای پوششی که زنان بر بدن خودشان می‌آویزند؛ آن هم در مورد زنان پیامبر است که به خاطر رعایت شأن همسر پیامبر بودن این دستورات از جانب خداوند فرمان داده شد. و تأکید می‌کند که شما وقتی که می‌خواهید چیزی از همسران پیامبر بپرسید و چیزی از آنها بگیرید ما بین شما و آنها

پرده‌ای حائل باشد، این به خاطر ویژگی خاص زنان پیامبر است. اما در مورد سایر زن‌ها این دستور به این کیفیت وارد نشده، پس حجاب یکی از زیر مجموعه‌های بحث عفت است که طبیعتاً به سهم خودش می‌تواند در عفت اجتماعی نقش بازی کند.

ارکان عفاف عفت و پاکدامنی ارکانی دارد که حجاب و پوشش کامل و ازدواج آسان یکی از ارکان است اما گاهی دیده می‌شود که با رعایت حجاب باز ارتباط دختر و پسر رایج است حتی در میان دختران عفیف. چرا؟ چون از رکن اساسی عفت غفلت شده. ز دست دیده و دل هر دو فریاد / که هر چه دیده بیند دل کند یاد **فرو بستن دیده از حرام** چه دختران پاک و معصوم و چه پسران پاک و معصوم باید نگاه خود را کنترل کنند و چه بسا جوانان که فقط به خاطر عدم کنترل نگاه در دام شهوت خودشان یا مسائل این‌چنینی افتادند. پس حفظ نظریکی از موارد خیلی خیلی اساسی است که واقعاً جای بحث مفصل دارد.

غیرت رکن سوم عفت؛ غیرت است. خانواده‌ها همان‌طور که به دختران عفت و حجاب آموزش می‌دهند؛ (که خیلی کار درستی است) باید به پسران هم یاد دهند که نگاهشان را حفظ کنند و به دختران نیز نحوه راه رفتن، چگونه صحبت کردن با نامحرم، نگاه نکردن و... را خاطر نشان کنند. تعلیم عفت به دخترها حیاتی‌تر است چون دختران با عدم رعایت حریم عفت گرفتار مشکلات عدیده‌ای در زندگی‌شان می‌شوند چرا که اولین بی‌عفتی نه (بدحجابی) دختران کلید ورودشان به فحشاء و روسپی‌گری است. البته زن‌ها به لحاظ کرامت انسانی یک میل و کشش درونی برای حفظ عفت دارند که آموزش و یادآوری عفت را راحت‌تر می‌کند.

پاسداری به نام غیرت

وقتی به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خبر رسید که برخی از زنان در خیابان‌ها و بازارگردی‌های خود، تنه به تنه مردان می‌زنند و آنها را کنار زده تا راه خود را باز کنند، حضرت

مردان را مورد خطاب قرار داده **يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ... أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ قَالَ لعن الله من لا يغار** ای مردم عراق! به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد کرده و آنان را کنار می زنند، آیا شرم نمی کنید؟! خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد. نمونه ای دیگر، در جریان تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار (در جنگ صفین در سال ۳۸ هجری)، وقتی به امیر المؤمنین علی علیه السلام گزارش دادند که مردی از لشکر شام، زیورآلات زنی غیرمسلمان را که در پناه حکومت اسلام بوده به غارت برده، اینجا نیز حضرت مردان را مخاطب قرار داد که **فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٖ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهٖ عِنْدِي جَدِيرًا**. اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است! (نهج البلاغه خ ۲۷)

براساس تعالیم قرآنی، غیرت ریشه در فطرت انسان دارد، لذا قرآن کریم برای برانگیختن مومنان (حتی کسانی که ایمانی مستعار دارند برای دفاع از دین و ناموس، غیرت آنان را به هیجان می آورد: **وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ ...** (نساء ۷۵) چرا در راه خدا و نجات بیچارگان از مردان و زنان و کودکان پیکار نمی کنند؟ (تحریک غیرت)

نسازید هرگز جهاد و قتال

کنون پس چرا در ره ذوالجلال

ز مرد و زن و کودکان صغیر

اگرچه که هستند جمعی اسیر

پس باید به همه مردان یادآوری کرد که آفرینش، پاسداری به نام غیرت در وجود آنها به ودیعه نهاده تا سلامتی نسب را در نسل های آینده حفظ کنند؛ اگر به هر دلیلی حس غیرت در مردان به فراموشی سپرده شود، رابطه نسل ها با یکدیگر به کلی قطع گشته، هیچ پدری فرزند خود را نمی شناسد و هیچ فرزندی پدر خود را نخواهد شناخت، قطع این رابطه اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می سازد. **مَا زَنِي غَيُورٌ قَطُّ؛** (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۵) انسان غیرتمند هرگز دامن خود را آلوده نمی کند. برای این که غیرت، یک شرافت انسانی و یک حساسیت انسانی نسبت به پاکی و

طهارت جامعه است، انسان غیور همان گونه که راضی نمی شود دامن ناموس خودش آلوده گردد، راضی نمی شود دامن ناموس اجتماع هم آلوده شود. (مطهری مجموعه آثار ج ۱۹ ص ۴۱۵)

جمله دیگری از علی (علیه السلام) وارد شده که فرموده اند: پاکدامنی مرد به اندازه غیرت اوست. (نهج البلاغه حکمت ۴۷)، جالب اینجاست که دشمنان انسانیت این فرمایش امیرالمؤمنین را بهتر از ما آموخته اند، لذا برای رسیدن به اهداف شیطانی و شوم خود، از طریق انواع هجمه های رسانه ای و ناتوی فرهنگی، تلاش می کنند تا مردان! هر چه بیشتر در گرداب شهوات شخصی فرو روند، تا عفاف و تقوا و اراده اخلاقی را از کف بدهند، که اینها منجر به این می شود که احساس غیرت در وجود مردان ناتوان گشته یا به کلی به فراموشی سپرده شود، آن وقت کار به جایی می رسد که شهوت پرستان از این که نوامیس آنها مورد استفاده های دیگران قرار بگیرند رنج نمی برند و شاید هم لذت ببرند،

اما در مقابل افرادی که با شهوات نفسانی مبارزه می کنند، غیورتر و نسبت به ناموس خود حساس تر می گردند، این گونه افراد حتی نسبت به ناموس دیگران نیز حساس می گردند، یعنی وجدانشان اجازه نمی دهد که ناموس اجتماع مورد تجاوز قرار گیرد، ناموس اجتماع ناموس خودشان می شود. شهید مطهری

حجاب، احترام به حقوق دیگران

حجاب نه تنها موجب نظام مند شدن چارچوب روابط افراد جامعه می شود بلکه ستونی برای حفظ و پایداری کانون خانواده است. اگر هوش و هواس مرد یا زنی در پی جلوه‌گری های جنس مخالف باشد دیگر ارزشی در خانواده وجود نخواهد داشت تا حفظ شود همه جوارح بدن مسئولند و باید حجابشان را حفظ کنند و در روز قیامت شهادت می دهند. رعایت نکردن حجاب به آزادی دیگران لطمه می زند و آزادی آنها را ضایع می کند و آنها را به خفقان و تنگنا می برد. حفظ حجاب در

خدمت کردن به مردم هم هست. باید در حین قدرت داشتن جوانمرد باشیم یعنی با مردم با شفقت برخورد کنیم. حقوق یکدیگر را پاس بداریم و به آنها احترام بگذاریم. این فقط با حفظ حجاب تمام اعضا و جوارح بدن شدنی است. حجاب باعث حفظ کرامت زن نیز می شود و به او در جامعه عزت می دهد. حجاب با توجه به اینکه یک دستور دینی است از چند جهت می تواند نتایج فردی و اجتماعی داشته باشد

اول اینکه یک دیندار با رعایت حجاب علاقه و تقید خودش را به یک دین نشان می دهد از این جهت که دین یک انتخاب برای تعالی اوست امری است که می تواند آن را رعایت کند.

دوم برای اینکه دین بعضی از مسائل درونی و باطنی روابط اجتماعی را مورد توجه قرار داده، رعایت حجاب به رعایت حرمت ها و برخی از ارزش هایی که ادیان بیشتر از ارزش های اجتماعی آنها را مورد توجه قرار می دهند منجر می شود.

عفاف و حجاب همچون صدف، مروارید: اسلام حجاب را برای زن قرار داد تا از این گوهر ناب و گران بها در مقابل چشمان آلوده و نامحرم محافظت کند. حجاب باعث می شود که زن، به ارزش والای خود پی ببرد و خود را رایگان به کسی عرضه نکند. این مرد است که گیرنده و دنبال کننده و مظهر طلب و عشق ورزی آفریده شده است و باید به دنبال زن برود. لذا وقتی که زن را در حجاب می بیند، کنجکاو می شود و تخیلاتش شروع به فعالیت می کند که زیر این حجاب چیست؟

درون این صدف، چه مرواریدی قرار دارد؟ زیر این پوشش و حیا، چه مقام با ارزش و والایی وجود دارد؟ این گونه است که زن، محبوبیت و جایگاه بلند و قدرتمندی در نظر مرد پیدا می کند و قادر است که قلب او را تسخیر خود کرده و آتش عشق مرد را شعله ور و سوزان کند.

این تأثیر وجود حریم و حائل میان زن و مرد است که باعث می شود وصال به زن، دشوار شود. وقتی این وصال، دشوار شد و زن، مرد را به تکاپو انداخت تا برای کشف ماهیت او، به زحمت بیفتد و دچار تخیلات فراوان شود، آن وقت است که ارزش زن، گران تر و عزیزتر خواهد شد. لذا این کشش و جاذبه زن، نهایتاً به ازدواج می انجامد و وصال رخ می دهد. اینجاست که دیگر مرد، از دنیای تخیلات خود آزاد می شود و همه چیز را کشف می کند و آرام می گیرد. علاوه بر آن نیز، در زندگی مشترک خود با همسرش، ارزش این گوهری را که به دست آورده، می داند و به تعبیر علی (علیه السلام) با او مثل گل رفتار می کند و قدر آن را می داند. زن نباید خود را رایگان عرضه کند.

اهمیت حجاب: دین مبین اسلام به طور جدی در خصوص مسئله عفاف و حجاب تأکیدات ویژه ای دارد. در اسلام خانواده به عنوان یک رکن اساسی به حساب می آید و سعی شده است تا افراد جامعه اعم از زن و مرد با بهره گیری از حجاب و پوشش مسائل جنسی را به داخل خانواده محدود کنند تا ضمن تقویت بنیان خانواده مانع از فساد و فحشا شوند.

در واقع حجاب تنها یک دستورالعمل دینی و وظیفه شرعی برای زنان مسلمان نیست، بلکه از ضرورت های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تاثیرات مثبت شگرفی در جامعه پدیدار شده و عدم رعایت آن، آثار مخربی در فرهنگ عمومی جامعه و حتی اقتصاد و سیاست بر جای می گذارد.

حجاب، عامل باز دارنده:

قرآن، پوشش را نشانه تقوا نیز برمی شمارد؛ زیرا تقوا به معنای مهار و کنترل در برابر بدی ها و زشتی ها و زیاده خواهی های نفس و قوای غریزی و نیز عمل به اصول اخلاقی و شرعی و قانونی است که موجبات جلب رحمت و دفع غضب الهی را فراهم می آورد.

نشانه تقوا بودن پوشش به این معناست که انسان برپایه اصول اخلاقی و قانونی و شرعی عمل می کند و در رفتار و کردار خویش نشانه های تمرد را بروز نمی دهد اگر کسی مسلمان است نشانه هائی خواهد داشت.

نشانه ظاهری اسلام آن است که در جامعه، پایبند قوانین آن باشد. کسی که پوشش را رعایت نمی کند در حقیقت می کوشد که نشان دهد بر دین اسلام نیست و قوانین آن را نمی پذیرد.

نهاد خانواده مهمترین نقش را در تعالی فرد و اجتماع ایفا می کند. تربیت فرد و جامعه از یکدیگر جدا نیست و آنچه در خانواده و در طول حیات فرد می گذرد تاثیر بسزایی در استحکام پایه های تربیتی اجتماع دارد.

حجاب محدودیت نیست، مصونیت است

حجاب نه تنها محدودیت نیست بلکه ابزاری بازدارنده برای مزاحمان است که فرصت حضور زن در عرصه های گوناگون را افزون می کند. دلیل آسیب پذیری زن، ظاهر جذاب اوست. از این رو زن برای ایفای نقش اجتماعی خود باید به گونه ای در جامعه ظاهر شود که دچار اضطراب درونی نشود.

خداوند پوشش زن را مایه ایمنی او از آزار مردان هوس باز دانسته است. برهنگی و خودنمایی در قالب پوشش، یکی از مسائل عصر حاضر است. از دارندگان چنین پوششی به **کاسیات عاریات** یعنی پوشیدگان برهنه تعبیر شده است

حجاب ، نشانه عظمت زن

حجاب نماد عفاف، تواضع و ارزش دهنده به شخصیت والای زن محسوب می شود. با اندکی تدبر در آیات قرآن فلسفه حجاب را به گونه ای صریح می بینیم و درمی یابیم که احترام و حرمت زن، فلسفه حقیقی و یا یکی از فلسفه های حجاب است.

به راستی اگر معرفت انسان به شریعت و تعالیم دینی بالا رفته و قرآن را که آیین نامه سعادت و کمال بشر است درک کند، به عظمت حجاب پی برده و می فهمد بدحجابی و بی حجابی ثمره عدم معرفت و شناخت حقیقی جایگاه زن در هستی است

حجاب و عفاف ضامن بقا و استمرار زندگی فردی و اجتماعی افراد است. جامعه ای که در آن حجاب به عنوان یک گوهر ارزشمند شناخته شود دیگر جامعه ای آسیب پذیر به لحاظ فرهنگی نیست و ضدفرهنگهای غربی نمی توانند در چنین جامعه ای مانور دهند.

حجاب، ارزش و کرامت

حجاب یک ارزش و بی حجابی یک ضد ارزش است. از اینرو بر تمامی انسان ها وظیفه است که از ارزش ها پاسداری کرده و ضد ارزش ها را از بین ببرند. قطعاً ارزش ها و محسنات برای فرد و خانواده و جامعه، مفید و ضد ارزش ها و زشتی ها، هم برای فرد مضر است و هم برای خانواده و جامعه و در واقع آفتی برای کلیه ابنای بشر به شمار می آید. پاره ای از مسئولیت های زنان، به حجاب آنها بستگی دارد و زن در صورتی که حجاب داشته باشد بهتر می تواند بار این گونه مسئولیت ها را بر دوش خود بگیرد. مسئولیت های زن و مرد یکی در بعد خانوادگی است و دیگری در بعد اجتماعی.

بی حجابی هم به مسئولیت های خانوادگی زن و مرد لطمه می زند و هم به مسئولیت های اجتماعی آنها. زن که با حجاب کامل در محیط کار و در میدان مسئولیت های اجتماعی ظاهر می شود مسئولیت خانوادگی و اجتماعی اش را به نحو احسن انجام می دهد و به این ترتیب پیوند خانوادگی محکم تر گشته و جامعه سالمتر و پربارتر میگردد. حجاب محدودیت نیست بلکه ضامن سلامت کار و شخصیت و استحکام ارزش های جامعه است .

امروزه در جوامعی که حجاب در آنها به عنوان یک ارزش مطرح نیست، اخلاق جامعه به شدت آسیب دیده و برای ترمیم و اصلاح اخلاق جامعه، چاره ای جز بازگشت به ارزش بنیادین حجاب وجود ندارد. به همان نسبتی که گرایش جامعه به حجاب شدت یافته از مفاسد اخلاقی و اجتماعی کاسته شده است و در واقع سلامت اخلاق جامعه از اهداف عالی اسلام است.

پیامبر اکرم: **إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ** دقت در این بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله) این نکته را روشن میکند که برای تمام کردن مکارم اخلاقی جامعه باید از همه زمینه ها استفاده شود. پاکی زن نشان پاکی پدر و مادر او و زمینه پاکی فرزندان او و افتخار و مباحثات جامعه اوست. حجاب زن در جامعه باعث حفظ ارزش ها و آرمان های جامعه می شود و زن با حجاب می تواند با حفظ این ارزش ها مسئولیت سنگین خود را در قبال اجتماع ایفا نماید. در یک جامعه با حجاب، سلامت اخلاق جامعه، چیزی که دیگر کشورها در پی آن هستند بالا می رود. در واقع رابطه متقابلی بین ارزش و شخصیت زن از یک طرف و حجاب وی وجود دارد. شخصیت زن در عدم دسترسی به آن و حفظ زیبایی های خود از چشم نامحرمان است

حجاب حق الله است

یکی از نکات اساسی که زمینه ای برای عمل به احکام است شناخت جایگاه هرچیز در نظام هستی است. برخی از اندیشه گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حق الله است و می گویند: حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد شد، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان **حق الله** مطرح است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از اینکه قرآن می گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود **عصمت زن حق الله است**. پر واضح است که آدمی نمی تواند حقوق الهی را کاملاً ادا کند ولی

با انجام برخی کارها می‌تواند رضایت الهی را به دست آورد. کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از اینکه قرآن کریم می‌گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن حق الله است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): **إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَقُومَ بِهَا الْعِبَادُ، وَإِنَّ نِعَمَ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعِبَادُ** (بحار ج ۷۷، ص ۷) حقوق خداوند متعال بزرگتر از آن است که توسط بندگان ادا شود و نعمتهای خداوند بیشتر از آن است که به شمارش آید. و حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: **وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ** (نهج البلاغه خ ۲۱) ولی خدا بر بندگان حقی قرار داده و آن این است که او را اطاعت کنند. اگر چه حق خدا بزرگ است و قابل ادا نیست ولی ادای وظایف و اطاعت از خداوند متعال به نوعی ادای حق محسوب می‌شود.

حجاب که امر خدا است و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین آن را واجب کرده است، باید حفظ شود. حفظ این واجب الهی اطاعت از او است و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده است.

و هر انسان باورمندی باید تعبدا و نه فقط به خاطر مصالح عمومی و ... این حد و حق الهی را ادا کند. پس حکمت حجاب، سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است. بانوان با حفظ حجاب میتوانند اطاعت را، که روح و پیام اصلی عبادات بشر است، اثبات کنند.

حجاب، تجلی عفاف

مفهوم و تعریف عفاف: در لغت خویشتن داری از کشش های نفسانی است، عفاف به بزرگی بشریت است. به عبارت دیگر عفاف یک مکتب خاص نیست بلکه یک فضیلت انسانی است که در درون انسان ها قرار گرفته و در رفتار و کردارها آشکار

می شود، هرگاه نفس انسانی به درجه ای برسد که شهوات نفسانی و تمایلات حیوانی و غیرشایسته بر او چیره نشود چنین نفس را عفاف گویند و صاحب آن را اهل عفت می نامند. و از طرف دیگر عفاف یک مسئله اخلاقی است. عفت فضیلتی است که انسان مؤمن باید آن را به دست آورد و آن را در وجود خود ایجاد و تقویت کند.

عَفَّت: خویشنداری از آنچه حلال و زیبا نیست. پارسایی و پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی. وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض آنها شوند. وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ نور ۶۰

ندانند بر ازدواجی جدید	زنان مسنی که هرگز امید
دُر و زینت و گوهر و گوشوار	گناهی نباشد کنند آشکار
حجابی که دارد به تن پیرزن	تواند کند دور از خویشان
بود بهتر از آن که سازد پدید	و گر همچنان راه عفت گزید
بداند همه کنه دلها و کار	سمیع و علیم است پروردگار

از جمله وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ می توان یک قانون کلی را استنباط کرد و آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر (پوشش) را مراعات کند پسندیده تر است و رخصتهای تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیره داده شده است.

این اصل کلی اخلاقی از یاد نبریم. عَفَّت و حیا، خصلتی انسانی است که تاریخ بر نمی تابد و مورد پذیرش تمامی انسانها بود و هست و انسانهای بزرگ و ادیان آسمانی نیز بدان توصیه کرده اند. همین خصلت انسانی یکی از فلسفه های اصلی پوشش آدمی بوده است.

در تعالیم اسلامی، مفهوم واژه عفت، برکنترل شهوات و جلوگیری آن در خروج از مرز اعتدال دلالت می‌کند. در قران کریم «حالت نفسانی که از غلبه شهوت باز دارد، آمده است. به بیان قران کریم عقیف به شخصی اطلاق می‌شود که خود نگهدار و با مناعت باشد.

عفت هرگز به معنای سرکوب قوای شهوانی و نفسانی نیست، بلکه مدیریت و مهار آن در چارچوب معقول و شایسته ای است که عقل بر آن حکم می‌کند. دایره عفت فراتر از دایره اموری است که حجاب به عنوان یک حکم و قانون به آن توجه دارد؛ زیرا حجاب یک عمل و رفتار در حوزه رفتار اجتماعی است که با انجام آن، از سرکشی نفس شهوانی در حوزه عمل جنسی جلوگیری به عمل می‌آید.

عفاف، ریشه در فطرت: فطرت امری است که خدای متعال آن را در وجود هر فرد قرار داده و انسان بدون اکتساب، به آن میل و رغبت دارد. عفاف نیز یکی از این باورهاست. روح عفت و پروا پیشگی از بدو خلقت آدمی تاکنون برانسان حاکم بوده است. البته ممکن است شکل، اندازه و کیفیت بروز آن در دوره های مختلف متفاوت باشد، اما این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است.

العِفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنْ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ یعنی **عَفَّتْ**، پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از فزون خواهی شهوت جلوگیری شود. **عَفَّ** **عن الشيء** ای امتنع عنه **فهو عقیفٌ** عفاف از چیزی ورزید یعنی از آن امتناع ورزید پس او عقیف است .

جایگاه عفاف و پاکدامنی: در آموزه های دینی عفاف یکی از ارزش و فضیلت های مطلوب و زیربنای قرار گرفته و ستوده شده است زیرا عفاف یک مسئله فطری است. و فطرت همه انسان ها پاک است مگر اینکه بعدا آلوده شود که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در این راستا فرمودند: هیچ نوزادی نیست جز آن که بر فطرت پاک توحید به

وجود می آید، این پدر و مادرانند که او را منحرف و آلوده نموده یهودی و نصرانی و مجوسی بار می آورند. و فطرت انسان ها همیشه آنان را زیبا، پاک، نورانی و با معنویت پیش می برد.

مطهری(ره) : وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض او شوند. از آیات قرآن این معنا به دست می آید که نیازی به پوشیدن از کودکانی نیست که قدرت تشخیص میان زن و مرد نداشته و هنوز به مسائل جنسی آگاهی نیافته اند. **وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** نور ۵۹

چو اطفال گشتند بالغ تمام	بدیدند در خواب خود احتلام
سزد تا نمایند رخصت طلب	به هنگام وارد شدن روز و شب
همان سان که پیشینیان شما	عمل می نمودند این نکته را
بیان کرده آیات خود کردگار	عظیم و حکیم است پروردگار

از این آیه می توان یک قانون کلی را استنباط نمود و آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر را مراعات کند پسندیده تر است و رخصت های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیره داده شده است. این اصل کلی اخلاقی را نباید از یاد برد. در نتیجه می توان گفت این خصلت انسانی یکی از دلایل اصلی پوشش انسان هاست. در غرب به خاطر این که مسئله عفت زنان، مورد اهتمام قرار نگرفت، کار به این پی بندوباری ها کشید.

نباید بگذارند عفت زن که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است مورد بی اعتنایی قرار بگیرد. داشتن عفاف انسان ها را از کارهای پست و بد و ناهنجاری جامعه حفظ می کند که علی(علیه السلام) فرمودند: **العفافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَ يَنْزَهُهَا عَنِ الدُّنْيَا.** عفاف باز دارنده نفس ها و پاک کننده از پلیدی ها و پستی هاست. بهترین

خصلت‌انسان‌های با شرافت و با دیانت همیشه در افق‌های بلند زندگی می‌کنند هم شجاعت و هم شهامت و کارهای عقلانی انجام داده و از کارهای پست دامن‌شان را دور نگاه می‌دارند و به بهترین خصلت‌ها آراسته می‌شوند.

امیر موحدان : **عَلَيْكَ بِالْعَفَافِ؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ شَيْمِ الْأَشْرَافِ** بر تو باد عفاف و پاکدامنی که همانا از بهترین و برترین خصلت‌انسان‌های شریف است. نیز فرمودند: **الْعَفَافُ أَفْضَلُ شَيْمِهِ** عفاف بهترین فضیلت است.

امام چهارم (علیه السلام) : **أَيُّ الْإِجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عَفِّهِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؟** کدام سعی و تلاش برتر از پاکی شکم و شرمگاه انسان است. بهترین عبادت عفاف به خاطر قداست و معنوی بودنش انسان را به خدا نزدیک می‌کند و هر انسانی و زنی که عفاف داشته باشد و به خدا نزدیک باشد ارزشش زیاد می‌شود. امام عابدان علی (علیه السلام) : **أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ** برترین عبادت عفاف است

و باقرالعلوم (علیه السلام) : **مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ عَفِّهِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ** خداوند عبادت نشده است به چیز برتر از عفت شکم و شرمگاه. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) : **عَفٌّ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ عَابِدًا**، هرکس از محرمات خدا دوری نماید عابد است.

رأس همه خوبیها برخی از کارها به اندازه ای مهم است که ریشه و اول و منشأ سایر کارهای بد یا خوب می‌باشد مانند حب دنیا که رأس همه بدیهاست و یا دروغ که رأس همه خطاها و انحرافات است درخوبی نیز این برنامه وجود دارد همانند: تقوی، راستی و... رأس خوبیهاست یکی از اینها عفاف است که درآموزه‌های دینی رأس هر کار خیر قرار گرفته که صدیق اکبر علی (علیه السلام) : **الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ** عفت رأس همه کارهای خوب است. این مسأله به اندازه ای اهمیت دارد که هرگاه خدا خواست به کسی خیر دهد او را عقیف می‌کند. این مسأله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگاه داشته شود.

اسلام به مساله عفاف زن اهميت می دهد. البته عفاف مرد هم مهم است عفاف مخصوص زنان نیست مردان هم باید عفيف باشند. منتهی چون در جامعه مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است. نبی مکرم: **العَفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ** عفاف زینت زن است. یکی از دانشمندان بنام ژرژهربرت در مورد تفاهم زن و مرد در خانواده گوید: برای شوهر دانش لازم است و برای زن نجابت. زن که پشتوانه خوبی برای منزل و شوهر و جامعه است زنی است که با نجابت و نیک سیرت باشد.

حجاب میوه عفاف است

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند. **العِفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنْ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ**؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می شود. عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می دارد.

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این گروه از حجاب، تنها پوسته ای و ظاهری بی معنا دارند و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف کرده و با تعابیری همچون؛ من قلب پاکی دارم، خدا با قلبها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و... خود را سرگرم کرده و مصداق **بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانَ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ** نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد (قیامت ۵) می شوند.

کند طی همه روزگارش خطا

بود میل انسان که روی هوا

اصول و پایه‌های عفاف و حجاب

در یک نگاه کلی اصول زیر را می‌توان به عنوان پایه های اساسی در فرهنگ عفاف و حجاب برشمرد:

الف) حجاب و به طریق بالاتر **عفاف** (که مقدمه حجاب است) از مصادیق حق الله و ادای این حق از واجبات است. باید به زن توجه داد که حجاب تنها مربوط به خود زن نیست تا بگوید از حق خودم صرف نظر کردم.

حق همسر او هم نیست تا بگوید من راضی‌ام، بلکه حق است الهی، از این رو اگر زن همسر داری آلوده شد، اگر خودش و شوهرش راضی باشند، پرونده مختومه نمی‌شود بلکه باید اجرای حد شود و کیفر گردد، زیرا به حق الله تجاوز شده است.

در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) حق خدا بر بندگانش با تعبیر **و اکبر حقوق الله علیک** آورده شده، ادای حق خداوند اصل حقوق شناخته شده که دیگر موارد از آن جدا می‌شود.

ب) عفاف و حجاب، حق نفس انسان بر او هم هست، پیش از آنکه تکلیفی شرعی و اجتماعی باشد. **وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيَهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ** ؛ حق نفس بر تو این است که آن را تمام در راه طاعت خداوند قرار دهی. قرار دادن نفس با تمام شئون آن برای پیروی از خدا به جز در سایه عفاف و نیروی درونی که انسان را از گناه و حرام دور کند، حاصل نخواهد شد. می‌توان از سخن معصوم این نتیجه را گرفت که **حق نفس انسان بر او حرکت بر اساس عفاف و حیا در زندگی است**

پ) پدیده حجاب تنها یک پوشش نیست بلکه نماد باورها و گرایش‌های افراد و برای معرفی ملیت و فرهنگ بومی می‌باشد. حجاب، ثمره حیا و عفاف، افزون بر حفظ تن و روان فرد، نماد هویت دینی و ملی است.

ت) حجاب مانع حضور اجتماعی زنان نمی‌شود بلکه حجاب و طرح آن در قرآن نوعی امضای حضور اجتماعی زن است اگر بنا باشد زنان در خانه بنشینند و با نامحرم روبه رو نشوند نیازی به حکم حجاب نخواهد بود.

ث) حجاب و عفاف موجب خودارزشمندی افراد و در نتیجه استواری شخصیت آنان می‌گردد و سطح عزت نفس را بالا می‌برد؛ البته در صورتی که برای این رفتار، دلایل محکمی آورده شود و آگاهانه گزینش گردد.

ج) عفاف و در پی آن حجاب بر اساس روایات مانع افسردگی و فرسودگی روحی و روانی می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: ... وَ ثَمَرَتَهَا قَلْبُهُ الْأَحْزَانِ؛ ثمره و محصول عفاف کم شدن اندوه‌ها است. بنابراین افراد عقیف دارای نشاط خواهند بود. شاید این نشاط (که امری درونی و باطنی است و نمود ظاهری آن به صورت لبخند و تبسم دیده می‌شود) به علت پاکی درونی یعنی عفاف باشد.

حجاب؛ هم فضیلت هم قانون

وجوب مراعات قانون حجاب به این معنا که اگر حتی شخص دارای عفت نباشد و در حوزه اخلاق جنسی، قوای شهوانی بر او چیره باشد، ولی به عنوان یک شهروند موظف است تا حجاب را مراعات کند تا زمینه و بستر ایجاد و یا تقویت اختلال شهوانی جنسی فراهم نیاید؛ زیرا حجاب به معنای پوشش مناسبی است که دو جنس مخالف را نسبت به هم در حالتی شبه عفت قرار می‌دهد و از سرکشی و چیرگی نفس شهوانی و جنسی باز می‌دارد. بنابراین، بر همه شهروندان امت اسلامی است تا قانون حجاب را به عنوان یک رفتار اجتماعی و هنجاری مراعات کنند؛

زیرا هدف اسلام ایجاد جامعه‌ای است که شرایط مناسب بروز فضایل اخلاقی و چیرگی رفتارهای هنجاری و عقلانی و عقلایی در آن فراهم آید. حجاب نیز شرایطی را فراهم می‌آورد تا عقل بتواند در جامعه، از چیرگی شهوات جنسی جلوگیری به عمل آورد

و از طغیان و سرکشی آن باز دارد. به نظر می رسد که کسانی که دارای عفت نفس هستند، از آمادگی بیشتری برای حجاب برخوردار هستند، زیرا نفس آنان تحت مدیریت عقل و فرمانفرمایی آن قرار دارد.

لذا حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) پس از آشکار شدن جسمشان، به سرعت اقدام به پوشیدن عورت های خویش با استفاده از برگ های درختان بهشت نمودند در حالی که تنها این زن و شوهر آن جا حضور داشتند، زیرا عفت وجودی شان به عنوان عاملی موثر در گرایش ایشان به حجاب بوده .

حجاب، قانون اجتماعی

هماهنگی احکام اسلام با مستقلات عقلانی: احکام و قوانین اسلامی، با مستقلات عقلانی ارتباط تنگاتنگی دارد. از این رو، هر آنچه عقل آن را زشت و قبیح می شمارد و به عنوان نبایدهای اخلاقی از آن یاد می کند یا نیک و حسن می داند و به عنوان بایدهای اخلاقی بر آن تاکید می کند به عنوان قانون، امضا و تایید شده است.

حجاب به معنای پوشاندن ناپسندها و زشتی های ظاهری است. حجاب برای مرد و زن واجب است هر چند که به سبب تفاوت های فیزیکی و اندامی مرد و زن، تفاوت هایی نیز در حدود آن وجود دارد.

حجاب، اختیاری یا اجباری : اما اینکه گفته می شود نباید با اجبار مردم را به عملی وادار ساخت، این درباره عمل فردی و شخصی در محیط و حریم خصوصی است؛ اما عنوان شهروندی و پذیرش آن مقتضیاتی دارد که از جمله آنها عمل به قانون اجتماعی است. اگر در جامعه، قانونی مانند قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی وضع شده است، هیچ یک از شهروندان چه رانندگان و چه عابران پیاده که از خیابان می گذرند نمی توانند این قانون را نادیده بگیرند و بگویند که قانون برای رانندگان است و عابران پیاده می توانند تخطی کنند.

حجاب در حقیقت یک قانون اجتماعی است و همانند قانون و مقررات راهنمایی و رانندگی الزامی و تخطی از آن افزون بر گناه، مجازات هائی را در پی دارد

در هر جامعه ای اگر قانون زیر پا گذاشته شود، امنیت اجتماعی و اخلاقی جامعه از میان می رود و نمی توان به صرف اینکه من می خواهم تا خط عابر پیاده، خودروی خود را در سر چهارراه جلو ببرم، در حقیقت تجاوز به حقوق دیگران است؛

بدحجابی همانند تجاوز از خط عابر پیاده است که مجازات خاص خود را دارد، زیرا اطمینان و اعتماد عابران پیاده را سلب می کند و عابر همواره در هنگام عبور از چهار راه ها در هراس است. جامعه ای که افراد در آن احساس ناامنی می کنند، جامعه ای است که قانون را زیر پا می گذارد.

بنابراین، حتی اگر شهروندان، اعتقادی به حجاب نداشته باشند، می بایست به قوانین مصوب تمکین کنند و آن را اجرا نمایند. از این رو حجاب حتی بر شهروندان اقلیت در کشور اسلامی واجب است؛ زیرا قانون فراگیر است و همگان باید آن را مراعات کنند.

حجاب؛ حریم خصوصی یا عمومی؟ آیا بهتر نیست تصمیم در این مورد، به خود افراد محول شود و همان گونه که «نماز خواندن» و «روزه گرفتن» به انتخاب و اختیار اشخاص است و اگر کسی نماز نخواند یا روزه نگرفت، مورد سوال و تعرض قرار نمی گیرد، مسئله حجاب نیز چنین باشد؟

سه نکته اساسی

نکته نخست: از روایات به روشنی استفاده می شود توصیه اسلام به پوشش بانوان، از مصادیق تکریم و ارج نهادن به کرامت انسانی و اسلامی آنان است و تکریم بودن حکم حجاب نیز بر این مبنا است که پوشش، با فطرت زن، هماهنگ است و به دیگر سخن جوهره زن، عفاف و حیا است و از مظاهر این عفاف و حیا، پوشش است و از

همین رو است که از قدیم در میان همه ملت‌های جهان به‌خصوص اقوام متمدن، حجاب برای زنان، کم و بیش وجود داشته است و نمی‌توان آن را از احکام ابداعی و تاسیسی اسلام دانست.

براساس همین مبنا می‌توان گفت: بدحجابی یا بی‌حجابی برخی افراد، به نوعی، تجاوز به حقوق دیگران و از باب حق‌الناس است زیرا هرگونه رفتار که حجب و حیا و عفاف جامعه را خدشه‌دار نماید، ضربه‌ای است که به آرامش، سلامت و امنیت اجتماعی فرود می‌آید و موجب می‌شود بسیاری از مردان و پسران به دام فساد و فحشا افتند و این‌گونه زنان نیز ممکن است به دام مردانی بیفتند که به تعبیر قرآن از مصادیق **الذی فی قلبه مرض هستند** (احزاب ۳۲)

نکته دوم: بحث حجاب و ضرورت پوشش مناسب، اختصاص به بانوان ندارد، بلکه گستره آن مردان را هم شامل می‌شود. تحقق ارزش حجاب خواسته اکثریت بانوان جامعه ما است و التزام عملی آن مستلزم عدم انفعال متولیان فرهنگی و برنامه‌ریزی و ایجاد ساز و کارهای اجرایی مناسب در این زمینه است.

نکته سوم: به‌طور کلی می‌توان زنان جامعه ایرانی را به لحاظ میزان التزام به پوشش، به سه دسته متمایز تقسیم کرد:

۱- بانوان متدین و مقید به حجاب. بسیاری از بانوان، در شمار این دسته‌اند که به علت نداشتن انگیزه خودنمایی و تبرج، نمود و بروز کمتری دارند.

۲- بانوان غافل و کم‌توجه به احکام و موازین اسلامی. می‌توان گفت بیشتر زنان و دخترانی که در معابر و اماکن عمومی با پوشش ناقص ظاهر می‌شوند و ما آنان را «بدحجاب» می‌دانیم، کسانی‌اند که از حدود و ثغور حجاب اسلامی و ارزش و اهمیت آن، آگاهی کافی ندارند یا تحت تاثیر جو قرار گرفته‌اند و قبح بدحجابی را فراموش کرده‌اند. این‌گونه افراد، هیچ‌گونه تعمد و غرض‌ورزی ندارند و با ارشاد و کار فرهنگی

مناسب، می‌توان رفتارشان را تغییر داد.

۳- زنان و دخترانی که باید آنان را تابلوهای بدحجابی و مانکن‌های متحرکی دانست که با رفتارهای نامأنوس و غیرمتعارف خود، در خدمت فرهنگ بیگانه قرار دارند و دانسته یا ندانسته به احکام و ارزش‌های اسلامی و ملی، دهن کجی می‌کنند. بی‌گمان این دسته، با ویژگی‌های یاد شده، در اقلیت قرار دارند و بدیهی است دستگاه‌های فرهنگی کشور، باید برای هر یک از این گروه‌ها، کارشناسانه و به نحوی خاص، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند.

آیا حجاب مسئله‌ای شخصی است؟ برخی به این پرسش، پاسخ مثبت می‌دهند و می‌گویند: حجاب امری خصوصی و شخصی است و ورود به حریم خصوصی افراد، نه تنها مطلوب نیست، بلکه جرم و گناه است و بدون اجازه جایز نیست.

و در استدلال بر سخن خود می‌گویند: در مورد حجاب، نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد بلکه مواردی در تاریخ شیعه وجود ندارد که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب مجازات شده باشد، هر جا امری مجازات داشته در کتب روایی جزء به جزء آن ذکر شده است.

اما در مورد حجاب، نه تنها روایتی در این زمینه نداریم بلکه احادیث زیادی وجود دارد که الزام زنان به رعایت حجاب و تقصیر آنان را به گردن شوهرانشان می‌گذارد نه حکومت، احکام مربوط به حجاب هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حقوقی، فاقد ضمانت اجرای اجتماعی است.

باید در پاسخ گفت: این واقعیت جای انکار نیست که پیامبرگرامی (صلی الله علیه و آله) و برخی از امامان معصوم علیهم السلام در این زمینه و حتی گاه در مورد وضعیت آقایان، رهنمودها و گاه برخوردها و توبیخ‌هایی داشته‌اند.

۱- نوشته‌اند در حجه‌الوداع، زنی جوان و زیبا از طایفه خثعم برای پرسیدن مسئله‌ای به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و در آن حال، فضل بن عباس، پسر عموی حضرت، پشت سر ایشان سوار بود. نگاه‌هایی میان آن زن و فضل رد و بدل شد، پیامبر متوجه شد که آن دو به هم خیره شده‌اند و زن جوان، به جای آنکه توجهش به جواب مسئله باشد، همه توجهش به فضل است که جوانی نارس و زیبا بود.

و از این رو رسول اکرم صلی الله علیه و آله با دست خود، صورت فضل را چرخانید و فرمود: زنی جوان و مردی جوان، می‌ترسم شیطان در میان ایشان پای نهد. (بخاری، الصحيح، ج ۷، ص ۱۲۶)

۲- در ذیل آیه **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...** (نور ۳۰) به نقل از ام سلمه آمده که وی گفت من و میمونه در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که ابن‌ام‌مکتوم [که مردی نابینا بود] آمد و این، پس از آن بود که ما دستور یافته بودیم حجاب را رعایت کنیم، پیامبر به ما فرمود: به حجاب درآیید؛ ما عرض کردیم: مگر نه اینکه او نابینا است و ما را نمی‌بیند؟ حضرت فرمود: آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی‌بینید؟

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حواء [که زنی عطر فروش بود] فرمود: حواء! زینت را برای غیرشوهرت آشکار مساز. حواء! برای هیچ زنی حلال نیست مچ و پایش را برای غیر همسرش آشکار نمایید (نوری، مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱)

۴- از امام صادق علیه السلام: درست نیست زن مسلمان روسری و پیراهنی به تن کند که بدنش را نپوشاند. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۸)

این روایات که تنها بخش اندکی از روایاتی است که در این زمینه وارد شده به خوبی نشان می‌دهد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام به عنوان حاکمان جامعه اسلامی، نسبت به مسئله حجاب اهتمام داشته و با بدحجابی برخورد نموده‌اند.

آثار و پیامدهای رعایت حجاب

الف- آثار فردی: - احترام به شخصیت زن، به واسطه ی رعایت حجاب. - حفظ اعتقادات مذهبی برای افراد. - مصونیت ارتباطات زن با مردان غریبه - حفظ عفت زن و جلوگیری از فساد و ناهنجاری.

ب آثار اجتماعی: - سلامت نسل جدید جامعه - پیشگیری از فساد اخلاقی - مبارزه با مظاهر بی دینی

پوشش زنان دارای چهار شرط اساسی :

۱- پوشش باید به گونه ای باشد که غیر از قرص صورت به اندازه ای که در وضو شسته می شود آنهم به شرط نداشتن آرایش غلیظ و دستها از مچ تا سر انگلستان بقیه بدن و موها را کامل بپوشاند

در پوشیده داشتن سر زنان و اینکه حتی تارهای موی زن نباید در معرض دید نامحرمان قرارگیرد در بین مراجع عظام کوچکترین اختلافی وجود ندارد.

۲- پوشش باید به اندازه ای نازک نباشد که بدن یا رنگ لباس یا زیور آلات زن از پشت آن معلوم شود و با این عمل خود حساسیت مردان هوسران را بیشتر نکرده و زمینه های گناه و فساد را فراهم نکنند

۳- پوشش باید به اندازه ای آزاد باشد که برجستگی بدن زنان و دختران برای نامحرمان معلوم نشود.

۴- لباس شهرت نباشد پوشش نباید از نظر رنگ یا مدل به گونه ای باشد که مردم به صورت غیر متعارف به او توجه کرده که زمینه های جلب نظر نامحرمان و مردان و پسران هوسران را فراهم و موجب گناه و آلودگی خواهد بود.

اصولش هم عدم جلوه گری و تبرج است.

بخش ۳ : پوشش کامل از دیدگاه اسلام

چادر کامل‌ترین حجاب اسلامی امتیازات چادر:

پیامبر اکرم چادر را به عنوان یکی از اقلام نوزده گانه ضروری جهیزیه برای دخترش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار داد.

چادر مشکی بهترین و سالم‌ترین پوشش زن مسلمان است که سراسر حجم بدن او را می‌پوشاند و به او وقار و متانتی خاص می‌بخشد.

۱. چادر یادگار زنان اهل بیت (سلام الله علیهم) بویژه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است.

۲. چادر بیش از هر لباسی حجم و شکل بدن را پوشش می‌دهد.

۳. چادر سمبل حجاب اسلامی است که بارزترین نمود عینی پوشش دینی را به خود اختصاص داده است.

۴. چادر با پوشش یکنواخت و یکپارچه بدن، جلب توجه نامحرم را به کمترین حدّ خود می‌رساند.

۵. چادر، پوشش دینی و ملی زنان ایران است که دیانت، ملیت و استقلال فرهنگی ملت مسلمان را در دنیا تجلی می‌بخشد.

۶. چادر، دارای بیشترین بار فرهنگی حیا و عفاف است که بیش از هر پوششی دست رد بر سینه نامحرم می‌زند.

۷. چادر، سمبل مبارزه با استعمار است.

۸. چادر زیبایی، وقار و متانتی معنوی برای زن به ارمغان دارد.

۹. چادر با اهدای کامل‌ترین پوشش به زن مسلمان، وسیله کمال و تقرّب بیشتر را در او مهیا می‌سازد و بالاترین تواضع در برابر فرامین حق را تجلی می‌کند.

فلسفه حجاب و عفاف

هدف از قانون حجاب در اسلام، دست یابی به عفاف و فضیلتی نفسانی و اخلاقی است که از طریق آن برای شخص و جامعه فراهم می آید. زیرا برای مصونیت از ایذا و اذیت و آزار از سوی دیگران به ویژه بیماردلان بر می شمارد؛ با مصونیت یابی شرایط برای دست یابی به فضایل بیشتر برای آدمی فراهم می شود. احزاب ۵۹

از آیاتی از جمله ۵ و ۷ مومنون و ۲۹ و ۳۱ معارج این معنا به دست می آید که عفت و پاکدامنی موجب می شود تا انسان در مسایل جنسی رو به اعتدال رود و از گرایش به اسراف در این حوزه خودداری ورزد. وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۵ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۶ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۶

کسانی که اندام و تن را مدام	بدارند باز، از امور حرام
بجز از برای کنیزان و زن	که عیبی نبودست در این سخن
هرآن کس که جز با زنان حلال	ز دیگر زنی بازجوید وصال
همانا شقی و ستم پیشه است	که بر این چنین کار آورده دست

همچنین عفت ورزی و ایجاد شرایط عفاف در انسان موجب می شود تا نفس از هر زشتی محافظت شود و امکان سوءاستفاده و نیز نسبت های ناروا به انسان برای دیگران فراهم نیاید. الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

هرآن زن که او هست بدکار و بد	به مردی بدین وصف باید رسد
هرآن مرد که هست ناپاک و زشت	بود لایق همسری بدسرشت
نکو زن به مرد نکو درخورست	نکومرد را نیک زن همسرست
چنین پاک اشخاص پاکیزه تن	همه پاک هستند از بد سخن
وز ایزد بیابند رزقی نکو	ببینند آمرزش از سوی او

هدف از حجاب واقعی، دست یابی به فضیلت اخلاقی عفت است که مدیریت عقل بر نفس و چیرگی بر آن در چارچوب های پذیرفته شده و فطری و طبیعی بشمار می رود. اما این بدان معنا نیست که حجاب به سبب وجود عفت باطنی مراعات نشود و شخص به این بهانه که قلب من پاک است و عقلم بر نفسم چیره است، از حجاب اجتناب ورزد؛ زیرا حجاب، یک قانون و حکم اجتماعی است تا دیگران به گناه آلوده نشوند و شرایط عمومی برای رشد و کمال فراهم آید.

اگر کسی خواهان عفت نیست نمی تواند از حجاب اجتناب ورزد، زیرا، قانونی در حوزه عمل اجتماعی و رفتاری است و بر همه شهر وندان است تا برای ایجاد جامعه سالم، آن را مراعات کنند و در صورت مخالفت و زیرپا گذاشتن قانون باید مجازات مناسب آن را تحمل کنند. حجاب یک قانون اسلامی و حکم شرعی است که مراعات آن از سوی همه شهروندان لازم است. این بدان معنا خواهد بود که مخالفان، افزون بر این که گناهی مرتکب شده و در آخرت مجازات شده و یا تبعات گناه بر ایشان بار می شود،

حجاب برای این وضع شده تا جامعه در سلامت جنسی باشد و ابزارهای تحریک قوای شهوانی تحدید شود. از این رو، حجاب به عنوان یک قانون کلی وضع شده است تا این سلامت فراهم آید.

از آموزه های قرآنی این معنا به دست می آید که عفت و پاکدامنی، به معنای چیرگی عقل و مدیریت مهار قوای شهوانی به دست آن است. این حالت اگر به شکل ملکه ای در نفس انسانی در آید، شخص در حالتی قرار می گیرد که به سادگی تهییج نمی شود و قوای شهوانی نمی تواند سرکشی کند و او را به سوی گناه سوق دهد.

اگر به انسان مؤمن گفته شده تا برای حفظ عفاف و یا تقویت آن در خود، چشم بر هر مست آفرینی فروهشته دارد، همینطور از وی خواسته شده تا برای حفظ عفت دیگران و یا ایجاد و تقویت آن، حجاب داشته باشد.

۱) سلامت و آرامش روحی و روانی فرد و جامعه (بهداشت روانی):

پر واضح است از جمله غرایز بشر که در طول تاریخ سبب فتنه ها، جنگ ها، تنش های عصبی، ناهنجاری های رفتاری و هزاران بلای دیگر شده و می شود و اکنون نیز ابزار تحمیل فرهنگ و سیاست و رشد مصرف گرایی و تسلط بیگانگان است، غریزه جنسی است، که عامل گسترش و تهییج آن طبق قانون خلقت در وجود زن بیشتر قرار داده شده. و حجاب روشی است برای جلوگیری از طغیان این غریزه و آرامش روحی و روانی افراد جامعه. با عفاف و خویشنداری می توان از هرز رفتن استعدادها، توان ها و امکانات جلوگیری کرده و برای بالندگی هنجارها و ارزشها یاری نمود. عفاف موجب مصونیت زن و مرد از آشفتگی های ذهنی، بزهکاری، آوارگی و بالاخره بیماری روحی و روانی می شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و از هم پاشیدگی خانواده ها جلوگیری می کند.

حجاب از جنبه روحی و روانی به بهداشت روانی فرد و اجتماع کمک می کند وقتی که حجاب زن، کامل باشد و زن، با وقار و متانت در جامعه ظاهر شود، مردان جامعه نیز آرامش روانی و فکری خواهند داشت و مُدام به این زن و آن زن که در کوچه و خیابان و فلان مکان دیده اند، فکر نمی کنند.

۲) بهداشت و سلامت جسمانی: ارتباط سلامت روحی و روانی با سلامت جسمی

مورد اذعان متخصصان است. از نظر پزشکان آثار سوء بی عفتی مانند چشم چرانی بر سلامت جسمانی محرز است. این آثار سوء جسمانی عبارتند از:

- ۱- دشواری در تنفس
- ۲- درد اطراف قلب
- ۳- تپش قلب
- ۴- ضعف و خستگی عمومی
- ۵- سر درد
- ۶- بی قراری
- ۷- بی خوابی و کم اشتهاپی
- ۸- خستگی فکری و دماغی

۳) رشد معنویت: بی تردید زنی که در دام بی‌حجابی افتد و تمام وقت خود را صرف آرایش و مدگرایی کند فرصتی برای ارتقای روحی و معنوی خود نمی‌یابد علاوه بر این بی‌حجابی سبب افول معنویت کلی در سطح جامعه می‌شود در مقابل، زن مومن با حجاب، هر رفتاری را بجا بروز می‌دهد و ضمن آنکه کانون خانواده را با مهر و زیبایی خویش، معطر می‌کند در جامعه نیز عنصری فعال، انسان ساز و مربی اخلاق و خوبی‌ها می‌شود

۴) درک لذت ایمان: "خویش‌تنداری" توانایی برجسته روحی به انسان می‌دهد تا وی در برابر هجوم هوی و هوس سرکش، پایداری کند و در فراز و فرود زندگی، به کمال برسد

۵) استحکام بنیان خانواده و استمرار نسل‌ها: خانواده اولین و بنیادی‌ترین شکل اجتماعی یک جامعه به شمار می‌آید. استحکام خانواده که مرکز عشق و امید و بستر شکفتن آرزوهای جوانان می‌باشد، توانایی‌های فردی را افزایش و جامعه را استوار و پویا خواهد ساخت. بی‌شک نهاد خانواده، تنها با پاسداری از عفاف و پاکدامنی، درخشش و بالندگی لازم را پیدا می‌کند، وقتی راه رسیدن به هوس‌ها برای جوانان در عرصه خیابان‌ها و پاساژها باز باشد،

روشن است کسی به فکر تشکیل خانواده و قبول مسئولیت استکمالی خانواده نمی‌افتد چنانکه آمارهای میدانی در غرب حکایت از این مهم دارد.

این در حالی است که با کنترل‌گریزه‌های جنسی با روش‌های معقول و کارآمد و سالم، بشریت، نسل به نسل ادامه می‌یابد و مادران فهیم، فرزندان برومند تحویل جامعه می‌دهند.

حجاب باعث اختصاص دادن کامیابی‌های جنسی به خانواده می‌شود و در نتیجه عامل تحکیم روابط خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد

۶) ترویج معروف: یک زن با حجاب، همچون مسجدی متحرک است که پشت نقاب حجاب بر حفظ باورهای دینی خود و فرهنگ دینی اسلام و جلوگیری از سوء استفاده قدرت های استعمارگر اصرار می ورزد

۷) حفظ عزت نفس و کرامت انسانی: انسان در سایه عفاف، عزت و اعتبار پیدا می کند و کسانی که هرچه می خواهند می خورند و آنچه می خواهند می گویند و پیوسته در پی هوسرانی اند، نزد دیگران اعتبار و ارزشی ندارند.

امام علی (علیه السلام): **من عفت اطرافه، حسنت اوصافه و من اتحف العفة و القناعه حالفه العز انسانیها** پاکدامن، نزد افراد جامعه اعم از خانواده دوستان و دیگران مورد احترام و اعتمادند.

زن ها با اختیار پوشش مناسب به عزت، حرمت، حریت و کرامت انسانی دست می یابند و در برابر تهدیدهای بازار جنسی نیز در امان می مانند.

از آنجا که در طبیعت، پیکر و روح زنان جاذبه های مختلف قرار داده شده است، زن نمی تواند با هر هیبت و هیئتی وارد اجتماع بشود.

مگر آنکه برای انسانیت خود ارزشی قائل نباشد و بخواهد با پوشش نامناسب، خود را در بازار جنسی عرضه کند.

۸) جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی کردن لذات نامشروع: پوشش مناسب موجب می شود که هم مردان در هنگامه برخورد با زنان گرفتار انحراف و پلیدی و فحشا نشوند و هم زنان در برابر مردانی که تن خود را می پوشانند از امنیت و طهارت قلبی سود برند. همه بازی های سیاسی و اقتصادی دست به دست هم داده که از زن ها یک اسباب بازی بسازد یا به آنها به عنوان کالای جنسی نگاه می کنند؟ **شهید مطهری:** نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضاهای سکس را به صورت

یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. نکته قابل توجه مردان نسبت به زنان به محرک‌های جنسی حساس‌ترند از این روی پوشش نامناسب زنان و جاذبه ناشی از آن مردان بخصوص جوانان را تحریک می‌کند. و علاوه بر ایجاد و شیوع فساد و فحشا موجب اختلال روانی، فروپاشی خانواده‌ها و... می‌شود.

۹) حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت: هنگامی که مردی پوشش مناسب داشته باشد زنی که با وی سخن می‌گوید و یا وی را می‌بیند تحت تأثیر اندام وی قرار نمی‌گیرد و قلب و دلش در گرو عشق او نمی‌رود. چنانکه پوشش مناسب زن نیز چنین فرصتی را برای مردان فراهم نمی‌آورد

۱۰) حفظ معنویت و ارزش‌های انسانی: حجاب از نظر موقعیت زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود و زن ابزار دست سوء استفاده‌گران نباشد. زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است.

حساسیت و ضربه‌پذیری زن به لحاظ جاذبه‌های طبیعی، ایجاب می‌کند که طبق یک سنت تکوینی همچون همه موجودات لطیف و آسیب‌پذیر در حصار و حجاب مطمئن، مأمن‌گزیند و گوهر جان خویش را از کانون توجه تمایلات طغیان طلب و حد ناشناس طبیعی محفوظ دارد. هم‌گامی با این تدبیر آفرینش و حریم‌داری زن می‌تواند محدوده مطمئن‌تری را پیرامون او فراهم آورد و این گوهر اصیل را از سهل‌الوصول بودن مصون دارد.

۱۱) مصونیت اخلاقی، سلامت و آرامش در محیط کار: قرآن برای حجاب و پوشش مناسب اسلامی آثار معنوی و نقش اجتماعی خاصی را بیان می‌کند که نمونه آن در مسأله امنیت و تقوا است. در حقیقت با بیان فلسفه و اهمیت حجاب به برخی از آثار معنوی و اجتماعی نیز اشاره شده است. غیر از مصونیت از تعرض هوسرانان و کسب امنیت می‌توان به برخی از آثار دیگر حجاب نیز اشاره کرد

از آن جمله طهارت قلبی و پاکی درون مردان و زنان است. حجاب و پوشش در آموزه های قرآنی از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است و برای آن آثار اجتماعی و معنوی چندی است. آثاری که نه تنها موجب می شود انسان را به خدا نزدیک کند بلکه شخص را در امنیت و آرامش روحی و روانی و اجتماعی قرار می دهد.

الگوی حیا

موسی (علیه السلام) کنار چاه آمد و دختران «شعیب» را برای آب کشیدن و سیراب نمودن گوسفندان یاری کرد، دختران او را جوانی شجاع و امین یافتند، بدین خاطر یکی از دختران به نام «صفورا» با مشاهده این خدمت و صداقت از سوی موسی (علیه السلام)، تصمیم گرفت او را برای کار و خدمت نزد پدر خود ببرد

وی تصمیم خود را با موسی (علیه السلام) در جریان گذاشت، و به پیشنهاد موسی (علیه السلام) قرار شد، هنگام رفتن به سوی شعیب، موسی (علیه السلام) از جلو حرکت کند، و صفورا از عقب سر او را راهنمایی نماید. با این اوصاف موسی (علیه السلام) و صفورا، راه را پیمودند و نزد شعیب رسیدند، و صفورا به پدر پیشنهاد کرد

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (قصص ۲۶)

بگفتا از آن دختران يك نفر
که این مرد را کن اجیر ای پدر
امین و تواناست باشد رشید
ببایست او را به خدمت گزید

حضرت شعیب گفت: دخترم، نیرومندی او را چگونه به دست آوردی؟! صفورا پاسخ داد: پدر جان! به هنگام آمدن به حضور شما، موسی (علیه السلام) پیشنهاد کرد، من از عقب سر او حرکت کنم. و هرگاه او خواست در مسیر اشتباهی حرکت کند، من با صدا کردن، یا سنگ پرتاب نمودن، او را به مسیر صحیح هدایت کنم. حرف او این بود اَنَا قَوْمٌ لَانْظُرَ إِلَى ادْبَارِ النِّسَاءِ مَا جَمَاعَتِي هَسْتِمِمْ كَمَا حَتَّى بِهٖ عَقِبَ سُرِّ زَنَانٍ نَامِحْرَمِ هَمْ نَگَاهِ نَمِی کَنِمِمْ. (وسایل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۴۵)

رعایت حجاب

الف) جایگاه رفیع زن در اسلام: بررسی تطبیقی جایگاه زن در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب فلسفی اثبات می کند که دین مبین اسلام برای زن ارزش و احترام خاصی قائل شده است.

ب) حجاب و عفاف در اسلام و سایر ادیان و مکاتب: در قرآن مجید بیش از ده آیه به رعایت حجاب و حرمت نگاه کردن به نامحرم اختصاص یافته است. در ادیان و مذاهب دیگر همچون زرتشت، یهود و مسیحیت نیز رعایت حجاب توسط زنان امری واجب شمرده شده است.

ج) پیامدهای بی بند و باری: پیامدهای نگران کننده بی بند و باری ها در غرب، موجب شده تعدادی از سازمان های زنان و نهادهای امنیتی در آمریکا و استرالیا و کانادا نیز به جمع طرفداران حجاب و عفاف پیوندند.

آنها پس از بررسی آمار وحشتناک تجاوز به زنان، سقط جنین ناشی از روابط نامشروع، کودکان حرام زاده، جدایی های منجر به طلاق و قتل دختران و زنان در کشورهای مذکور به زنان چنین توصیه کرده اند:

۱- همیشه جوراب و لباس های مناسب بپوشید

۲- از کفش های بی پاشنه به جای پاشنه دار استفاده کنید. زنان با کفش پاشنه دار بیش از حد در معرض خطر هستند

۳- پوشیدن دامن های کوتاه و لباس های جلب توجه کننده می تواند حمله را محتمل تر کند. بنابراین اگر شما برای امنیت و سلامتی خودتان ارزش قائل هستید این نوع لباس ها را در مجامع عمومی نپوشید.

دفاع عقلانی از گوهر حجاب

یکی از عوامل فرهنگ ساز در جامعه، دشمنان هستند. دشمن می داند که با تحریک شهوت و غریزه جنسی در جوانان مسلمان و کشاندن آنها به ورطه فساد و فحشا، می تواند آنها را به تدریج از اهداف و آرمان های متعالی جامعه اسلامی دور کند و سپس بر آنها مسلط شود؛ (شبهه همان قضایایی که در اندلس رخ داد)

لذا زمینه های این تحریک شهوت را فراهم و تقویت می کند؛ که یکی از این زمینه ها، ترویج بدحجابی و پوشش های غیر اسلامی و محرک می باشد. یکی از دلایل متقاعد نشدن برخی مخالفان به حجاب اسلامی این است که از حجاب دفاع عقلانی نمی شود، بلکه غالباً از ایمان و دین مردم برای دفاع از حجاب استفاده می گردد بسیاری از مبلغان و اساتید و معلمان دینی، در برخورد با شبهات مخالفان حجاب، بیشتر از آنی که معقولانه و منطقی، پاسخ مخاطب را بدهند، تنها به آیات و احادیث و روایات اکتفا می کنند؛ آن هم به شکل سنتی و با شیوه های کهن که جذابیتی برای مخاطب ایجاد نمی کند.

البته این بدان معنا نیست که در باب تبلیغ و دفاع از حجاب از مباحث شرعی و احکام دینی استفاده نشود و نیز منظور این نیست که احکام شرع با مباحث عقلی متباین است. بلکه مطلب مذکور ناظر به این نکته می باشد که قبل از طرح مباحث شرعی و احکام دینی، به مباحث عقلانی و محسوس و ملموس برای مخاطب پرداخته شود.

اگر این نکته با دقت و ظرافت رعایت شود، آن مخالف غافل نیز پی به این خواهد برد که: **كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ**

باید جوانان را با شیوه هایی جذاب و متناسب جامعه امروزی (البته با حفظ اصول و قواعد) نسبت به این گونه مسائل مثل حجاب توجیه ساخت.

باید به تدریج و با آهنگی نرم، مخالفان حجاب را جذب محافل مذهبی و مساجد نمود تا در محیط های سالم رشد نمایند.

در نتیجه به طور کلی باید در کیفیت عرضه دین، دقت زیادی به خرج داد. اسلام عزیز را باید همان گونه که هست، هنرمندانه و زیبا ارائه داد.

نه باید آن قدر افراط و تندروی کرد که احکام اسلام را سخت تر از آنی که هست ارائه داد یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** (حجرات ۱)

الا مؤمنان! زینهار از سبق

تقدم نجوئید بر پیک حق

خدا ترس باشید و پرهیزکار

سمیع و علیم است پروردگار

و نه باید آن قدر دچار تفریط و سستی شد که احکام اسلام به مزاج دشمن خوش آید و مورد پسند آنها واقع شود. باید با حفظ اعتدال و البته با قاطعیت در مقابل مخالفت دشمنان و مخالفان، این امر را انجام داد و ملاحظه آنها را نکرد.



چرا فقط چادر حجاب برتر و کامل محسوب می شود؟

باید توجه داشت حجاب دارای مراتب متوسط، خوب و خوب تر است و چادر حجاب برتر بانوان محسوب می شود.

برتری حجاب چادر را با توجه به فلسفه حجاب، بهتر می شود باور کرد.

حجاب حداقل دو فلسفه اساسی دارد:

- ۱- مساوات زن در برابر طمع و رزی های هوس بازان؛
- ۲- پیشگیری از تحریکات شهوانی خارج از هنجارهای الهی و تسامین سلامت و بهداشت معنوی خانواده و جامعه.

حجاب پیامی قاطع و کوبنده دارد و در برابر همه مردان اجنبی، نوعی هشدار و اعلام "دور بانی" است.

رسالة تخصصی فقه و احکام

آشنایی با دلایلی که می‌توان از نگاه فقه بر حکومتی بودن مسئله حجاب ارائه داد. در این زمینه دست کم، چهار دلیل ذیل قابل طرح است :

دلیل نخست: می‌توان در یک نگاه فراگیر، مجموعه احکام اسلام را به دو دسته زیر تقسیم نمود :

الف) احکام فردی مانند احکام مربوط به نماز، روزه، خوراک، پوشاک، مسکن و... این احکام، صرفاً با فرد و عملکرد او در ارتباط است. هر چند ممکن است آثار و پیامدهای اجتماعی نیز داشته باشند. برای مثال، در جامعه‌ای که نماز برپا داشته می‌شود، فحشا و بزه‌کاری کمتری به چشم می‌خورد که **ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر (عنکبوت ۴۵)**

ب) احکام اجتماعی مانند وجوب دفاع، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود و تعزیرات، ازدواج، طلاق، احکام مربوط به اداره جامعه و کشورداری و به طور کلی احکامی که در بستر جامعه و در تعامل افراد با یکدیگر، نمود پیدا می‌کنند و موضوعیت می‌یابند.

بی‌تردید احکام مربوط به دفاع، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، کشورداری و چگونگی تعامل دولت اسلامی با بیگانگان در این قسم جای می‌گیرد. البته ممکن است برخی احکام از مصادیق هر دو قسم باشند. برای مثال امر به معروف و نهی از منکر، هم در حیطه وظایف فردی قرار می‌گیرد و هم در ارتباط مستقیم با دولت و نظام اسلامی است. از این رو در اصل هشتم قانون اساسی آمده است: دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

با توجه به این توضیح و نیز با عنایت به دلایل بعدی، باید گفت بی‌تردید حکم حجاب

از احکام اجتماعی و از موضوعاتی است که پیوند وثیق و ارتباط مستقیم با جامعه و نظام حاکم بر جامعه اسلامی دارد. و بر همین اساس و به منظور جلوگیری از هرج و مرج و برخوردهای سلیقه‌ای و تنش‌زا، لازم است تنظیم مقررات جهت اجرای این حکم و نظارت بر حسن انجام آن و چگونگی برخورد با متخلفان، به دولت سپرده شود. هر چند این امر، نافی وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر زبانی نخواهد بود.

دلیل دوم: وظایف کلی دولت اسلامی بی‌تردید از وظایف دولت و حاکم اسلامی آن است که زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی مردم و فراهم آورنده بستر رشد و تعالی آنان باشد و این مهم بدون دفع و رفع زمینه‌های فساد و مبارزه با عوامل تباهی و اشاعه خوبی‌ها و ترویج نیکی‌ها میسر نیست. از وظایف حکومت اسلامی، جلوگیری از تعدی و تجاوز مردم به حقوق یکدیگر و ممانعت از ورود ایشان به کارهای حرام و مفسده‌انگیزه است. و بدیهی است انجام این وظیفه، نیازمند تنظیم مقررات و صدور احکام حکومتی است، چنان که علامه طباطبایی در بیان ماهیت احکام حکومتی می‌نویسد: احکام حکومت تصمیماتی است که ولی امر، در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها، به حسب مصلحت وقت می‌گیرد و طبق آنها، مقرراتی وضع می‌نماید و به اجرا در می‌آورد. این مقررات لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار است. (طباطبایی، ولایت و زعامت، ص ۸۳)

دلیل سوم: ضرورت امر به معروف و نهی از منکر از اهداف و وظایف تشکیل حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند در توصیف گروهی از مومنان می‌فرماید: **الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** (حج/۴۱)

کسانی نمایند یاری حق که باشند بر این عمل مستحق

کسانند ایشان که گر در زمین به آنها ببخشیم قدرت چنین

بدارند بر پای امر صلوات ببخشند بر بینوایان زکات

نمایند آن مردم خوش سرشت خود امر به معروف و هم منع زشت

همانا سرانجام اعمال و کار بود در یدِ قدرت کردگار

از امام صادق (علیه السلام) درباره امر به معروف و نهی از منکر پرسید که آیا بر همه امت واجب است؟ حضرت فرمود: خیر. گفته شد: چرا؟ فرمود: **انما هو علی القوی المطاع العالم با لمعروف من المنکر لا علی الضعیف الذی لا یهدی سبیلا.** این کار بر کسی واجب است که نیرومند باشد و از او اطاعت شود و نسبت به معروف آگاه باشد و آن را از منکر تشخیص دهد. نه بر کسی که ناتوان است و راه به جایی نمی برد (وسائل الشیعه، ج ۱۴) بی شک مصداق روشن «قوی مطاع» دولت اسلامی است.

اساسا یکی از ادله وجوب تشکیل حکومت اسلامی همین دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، با این بیان که حکومت اسلامی خود از مصادیق روشن «معروف» و حکومت طاغوت از مصادیق آشکار «منکر» است.

چنانکه فقیه برجسته صاحب جواهر می نویسد: **انه مع بسط یده الواجب علیه جمیع افراد الامر بالمعروف.** در صورتی که حاکم اسلامی، بسط ید داشته باشد، امر به همه مصادیق معروف بر او واجب است. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۶۱) از این رو، بر طبق اصل سوم قانون اساسی، از وظایف دولت جمهوری اسلامی، عبارت است از: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. و به خصوص مسئله پوشش و حجاب و کم و کیف آن باید مورد توجه باشد. زیرا گرچه این امر ممکن است در نگاه بدوی و فی نفسه، مساله ای جزئی و غیر مهم به نظر آید، ولی گاه همین مسئله، صبغه فرهنگی و ملی به خود می گیرد و در عرصه تهاجم فرهنگی، مورد سوء استفاده دشمنان واقع می شود تا جایی که ممکن است مسلمانان، ناخواسته در زمین دشمن بازی کنند. امام صادق (علیه

السلام) فرمود: خداوند عزوجل، به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: به مومنان بگو! پوشش دشمنان مرا نپوشند، از خوردنی‌های آنان نخورند و راههای ایشان را نپیمایند که در این صورت، همانند آنان، دشمنان من خواهند شد. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲)

و ضرورت دخالت دولت در این عرصه، بیشتر بدان جهت است که اگر این مهم، صرفاً به آحاد جامعه واگذار شود و از نقش قانون‌گذاری و نظارت و حتی جایگاه اجرایی دولت غافل شویم، تا شاهد هرج و مرج و برخوردهای سلیقه‌ای نشویم.

تشابه لباس

امام صادق (علیه السلام): درباره مردی که لباسش بر زمین کشیده می شد فرمود: در نظر ما شباهت مردان به زنان، پسندیده نیست (وسائل الشیعه ج ۵ ص ۴۲) در اجتماع، هر یک از زن و مرد با ویژگیهای ظاهری خاص خود شناخته می شوند. این ویژگیها برآیند حرکات و رفتار و نیز پوشش ظاهری آنهاست. جابجایی این ویژگی نه تنها در شرع که در عرف نیز پسندیده نیست و رفتاری خلاف عفت و حیا برشمرده می شود **لباس حیا** حیا حقیقی والاست که تنها ویژه جسم انسان نیست. روح انسان نیز به

پوشش شرم نیاز دارد و بلکه حیای برون، برخاسته از حیای درون است حیا ماهیتی معنوی دارد که حتی یکی از شیوه‌های کنترل و مدیریت در جامعه یاری جستن از حیا و عفاف زن و مرد است.

مهم اینست که مرد و زن نسبت به حیای دینی خانواده دغدغه داشته باشند و تنها تأمین نیازهای مادی، مسئولیت را تمام شده نپندارد. بدیهی است رفتار شایسته و کردار بایسته همراه با حیا و عفاف مرد و زن در خانواده، بهترین الگو و تأثیرگذارترین پیام راستی و درستی است و باید نتیجه را به خداوند واگذاریم.

امام صادق (علیه السلام): حیا از ایمان است و ایمان در بهشت (کافی ج ۲)

چگونگی ترویج فرهنگ حجاب

باید حجاب را همراه با شناختن و شناساندن مضرات عدم رعایت حجاب در جامعه ترویج کرد. یعنی بی حجابی چه مضراتی برای فرد و خانواده و جامعه به بار می‌آورد. این مضرات عاملی برای تحریک به حفظ حجاب می‌شود و به نوعی اشاره به فلسفه حجاب است. مسئله حجاب یک کار فرهنگی آموزشی است بایستی آموزش حجاب و رعایت آن از سنین پایین شروع شود و همه را هم فرا بگیرد.

بعد با تدوین قوانین مطلوب عمومی بحث عفاف را در جامعه جا بیندازیم. در مرحله آخر نظارت به اجرای قانون در قالب آموزش است. باید قوانین حجاب را در قالب آموزش به شهروندان تفهیم کرد.

وقتی آنها از حقوقشان آگاهی پیدا کنند و از آن بهره‌مند شوند اقبال عمومی به حجاب زیاد می‌شود. از نقش صدا و سیما نیز در راستای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب نمی‌توان غفلت کرد.

حجاب مهم ترین پرچم اسلام در قرن بیست و یکم است

پوشش افزون بر اینکه لباس انسانی است بلکه هویت ملی را نیز نشان می‌دهد، یعنی همه ملت‌های جهان ملیت خود را با نوع پوشش نشان می‌دهند و چادر از لباس‌های ملی ایران است که از زمان باستان و هخامنشیان وجود داشته و بانوان ایرانی از همان زمان برای پوشش خود از چادر استفاده می‌کردند.

امروز حجاب بانوان نشانگر اسلام و پرچم آن است به گونه‌ای که در هر جای دنیا مردم یک بانوی محجبه را می‌بینند به یاد اسلام افتاده و او را مسلمانان می‌دانند. شاید بتوان گفت قداست چادر هر زن در قرن بیست و یکم از عباى مراجع بیشتر است

امپریالیسم جهانسوز، برنامه ریزی‌های مختلفی برای از بین بردن حجاب بویژه چادر دارد که کار خود را از زمان رضا شاه با کشف حجاب در کشور ما آغاز کرد

دشمنان در کشورهای اسلامی با شیوه‌های گوناگون برای مبارزه با چادر که پرچم اسلام است قدم برمی‌دارند به گونه‌ای که در کشور ترکیه همانند اروپا استفاده از حجاب ممنوع است.

امروز زنان مسلمان ایرانی پا به پای مردان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حضوری جدی و فعال دارند و برخلاف ادعای غربی‌ها و برخی گروه‌های افراطی فمنیستی، زنان در نظام اسلامی می‌توانند با حفظ عفاف و دین و رعایت تقوا در راه تحصیل علم و دانش در مراکز آموزشی مراتب پیشرفت و صعود به قله‌های عالی را طی کنند.

و در سمت‌های مهم اجرایی نیز خدمتگزار جامعه اسلامی باشند. زنان امروز ایران اسلامی الگوهای بارزی هستند که به دنیا می‌فهمانند دستیابی به مدارج علمی و رسیدن به جایگاه‌های ارزشی به معنای پشت کردن به مفاهیم و ارزش‌های والای دینی و روی آوردن به مظاهر فریبنده تمدن غربی نیست. با این حال باید اذعان کرد که زن مسلمان امروز سنگربان ارزش‌های والای اسلامی در برابر وضعیت جاهلی و بی‌بند و باری دنیای غرب است و باید با تقویت روحیه اسلامی و پیشتاز شدن در میدان علم، فرهنگ، سیاست و تمامی مسائل اجتماعی از حصار مستحکم فرهنگ ناب اسلامی و ایرانی محافظت کنند

نقش زنان در اسلام آنقدر پررنگ و پرافتخار است که تفاوت‌های ماهوی فراوانی با مکاتب غیر دینی و غیرقابل دفاع غرب دارد. چراکه نگاه به زن از منظر مکاتب غربی از قبیل مارکسیست و لیبرالیسم به نوعی نگاهی ابزاری تلقی می‌شود که آزادی را در بی‌بند و باری زنان قرائت می‌کنند اما در مکتب الهی اسلامی زن به عنوان یکی از ارکان اصلی زندگی و حیات بشری به حساب می‌آید که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) الگوی بارزی برای زنان جامعه اسلامی هستند.

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه از هر نوع جهاد و مبارزه‌ای پیشقدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدّی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند؛ در محیط خانه، دلارام شوهر و فرزندانش باشد؛ مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد؛ در دامن پرمهر و پرعطوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان‌های بی‌عقده، انسان‌های خوش‌روحیه، انسان‌های سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را بوجود آورد.

مادر از هر سازنده‌ای، سازنده تر و باارزش تر است. بزرگترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ‌یک از اینها اهمیت آنرا ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد. و او مادر است. این، آن‌گویی زن اسلامی است. از نظر اسلام، محور اصلی خانه، زن است. زن، شمع جمع خانواده است که اعضای خانواده همچون پروانه‌هایی به دور او می‌گردند.

بایستی **خانواده** مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه، شما باید باشید؛ اصلاً محور این است

کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است نه نوازش مادر باید نوازش ببیند.

برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اسلام، زن را تا این حد والا و بلندمرتبه می‌داند

انسان، اگر پول و سرمایه کلانی دارد، آن را در گاو صندوق های ایمنی نگهداری می‌کند تا دست نامحرم و دزد و دشمن به او نرسد. آیا زن که ارزش والای او، با ارزش اندک پول و سرمایه قابل قیاس نیست، نیاز به حفاظت و مصونیت از گزند آسیب ها و خطرات را ندارد؟! چگونه باید موجبات حفظ حرمت و شأن و احترام زن در جامعه فراهم شود؟

جایگاه مادری البته باید گفت که شغل زن نباید با وظیفه اصلی زن یعنی مادری در تعارض باشد. اشتغال زن نباید مغایرت با وظیفه مادری داشته باشد. امروزه نه تنها در قوانین داخلی، بلکه در کنوانسیون های بین المللی نیز اموری چون مرخصی زایمان، نگهداری اطفال و ممنوعیت اخراج از کار به دلیل بارداری به رسمیت شناخته شده است. بنابراین وظیفه مادری قابل اغماض یا تقلیل نیست و باید شرایط شغلی زنان و مادران تعدیل و با وظایف مادری هماهنگ شود

از منظر اسلام وظیفه مادری جایگاه والایی دارد؛ لذا (دل مادر موسی از هرچیز جز فکر فرزند تهی گشته بود) **وَ أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۱۰** (قصص ۱۰-۱۳)

دل مادر موسی نیک دم

به وقت سحر شد پرانده و غم

که گر خود نبد لطف پروردگار

به حدی پرانده بودی و زار

بماند در ایمان خود استوار

که تا قلب او را کند پایدار

بینداخت پرده ز کار نهران

همی کرد راز خودش را عیان

وَ قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۱

چو مادر به خواهر بگفتا برو
 به دنبال آن طفل راهی بشو
 برفت و ز دورش بدید و شناخت
 به سویش دوید و دل خود بباخت
 بُد هیچ فرعونیان را خبر
 که این زن که باشد چه دارد نظر
 وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ
 لَهُ نَاصِحُونَ ۱۲

خدا کرده بودی به موسی حرام
 زهر دایه ای شیر خوردن به کام
 [بکردند فرعونیان جستجو
 مگر دایه یابند از بهر او]
 که آن خاله گفتا به بی دانشان
 که آیا شما را دهم ره نشان ؟
 شما را نشان می دهم يك نفر
 که او می شود دایه این پسر
 فَردَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَٰ
 يَعْلَمُونَ ۱۳

بدین گونه موسی بگردید باز
 در آغوش مادر، بخفتی به ناز
 که روشن شود دیده مادرش
 غم و حزن یکسو نهد از برش
 بداند که قول خدا هست راست
 به جا آورد وعده بی کم وکاست
 ولی اکثر خلق آگه نیند
 همه عمر خود را به غفلت زیند
 مادر حضرت مریم چنان دخترش را شایسته تربیت می کند: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ
 حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا (آل عمران ۳۷)

خدا مریمش را پذیرفت خوب
 پیرو او را بدور از عیوب
 که به نیکویی مورد پذیرش الهی قرار می گیرد و شایستگی مادری برای حضرت مسیح
 (علیه السلام) پیدا می کند وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ
 وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ۴۲ (آل عمران ۴۵-۴۲)

ملائک بدادند آنگه ندا
 که ای مریم اینک خدایت ترا
 گزیدست و کردست از بد بری
 به زنها بدادت بسی برتری

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): **الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ** (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۱۷)
در روایات افزون بر ترغیب به حق شناسی و قدردانی فرزندان نسبت به مادران، جایگاه
بلند مادری را توصیف می کند که بهشت از زیرپای مادران می روید و می بالد. همچنین
در آموزه های اسلام ارزشگذاری در مورد نقش و کارکردهای مادری چنان متعالی است
که برخلاف رویکرد فمینیست ها قابل جایگزینی نمی باشد.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: ام سلمه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت عرضه
داشت: ای رسول خدا! مردان همه نیکی ها را به چنگ آوردند پس برای زنان چه
سهمی است؟ حضرت فرمود: چنین نیست زن در هنگام بارداری به منزله کسی است
که روزها روزه دار و شب ها در حال عبادت است و با مال و جان خود در راه خدا
جهاد می کند، پس زمانی که وضع حمل می کند مستحق پاداشی می گردد که به سبب
بزرگی آن هیچ کس توان درکش را ندارد و آنگاه که فرزندش را شیر می دهد در ازای هر
مکیدنی پاداشی معادل آزادکردن یکی از نوادگان حضرت اسماعیل (علیه السلام) به وی تعلق
می گیرد، پس هنگامی که از شیردادن فارغ شد فرشته بزرگواری بر پهلوی او زده میگوید:
اعمال خود را از سر بگیر که تمامی گناهانت آمرزیده شدند. (وسایل الشیعه ج ۱۵).

بر خلاف بعضی از ادیان و مذاهب، اسلام در بحث خلقت زن و مرد، یکی را بر دیگری
برتری نداده است. همانطور که در بعضی ادیان معتقدند، زن از دنده چپ مرد آفریده
شده است. اما بیشتر مفسرین، گفته اند که معنای آیه این است که زنان از جنس
مردان هستند و شاهد بر این نظر، سه آیه می فرماید خداوند همسرانتان را از جنس
شما قرار داد **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا** (۱۲ روم)

وز آیات دیگر که بایست گفت **یکی اینکه خلقت نمودست جفت**

زیرا قطعاً معنای این تعبیر، این نیست که همسر هر مردی از آن مرد آفریده شده
است بلکه منظور وحدت طینت و سرشت آفرینش زن و مرد است.

قرآن بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه زنان کرد حریمی برای زن کشید که او را از دست مردان هرزه در امان نگه دارد، قرآن انسانیت زن را مقدم بر جنسیت او و علم، ایمان، اراده و انواع حقوق را برای نخستین بار در تاریخ بشر به رسمیت شناخت و از آن بحث کرد.

چند نمونه از خدمات قرآن به جامعه زنان و با ذکر چند آیه در این ارتباط :

کلمه حق و حقوق که در قرآن آمده بیش از نصفی از آن مربوط به حقوق زن و خانواده است، یعنی خداوند در یک سطح از این آیات از حق کشتن انبیاء، حقوق اقتصادی، حق قصاص، حق نفی ظلم، حق توحید و نبوت و معاد سخن گفته و در بخش دیگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله حقوق زنان پرداخته است. خداوند مسئله حقوق مطرح نشده و حذف شده زنان را از حاشیه به متن آورده است. **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ** حجرات ۱۳، خمیر مایه زن و مرد یکی است و رسیدن به مراتب کمالی برای هر دو میسر است.

الا مردمان از یکی مرد و زن **خدا خلقتان کرد بی شک و ظن**

زن، جلوه جمال الهی

زن در همه دوران زندگی اش، نمادهایی از لطافت و زیبایی است. در دختری نماد پاکی و عصمت و احساس و عواطف است و در دورانی که در نقش مادر ظاهر می شود نماد مهر و عشق و محبت است. و زمانی که کودک را در آغوش می گیرد و مادری را تجربه می کند نماد و اوج جلوه فداکاری و ایثار است همه زیبایی ها را می توان در زن یافت؛ از زیبایی ظاهری تا زیبایی باطنی در زن به اوج خود رسیده است. زن در صورت و سیرت جلوه جمال الهی است و هرچه زن به کمال نزدیک تر باشد این زیبایی و جمال الهی در او نمایان تر است. چنان که فاطمه زهرا (علیها السلام) در تمامیت کمال جمال الهی است و زیبایی اش بهشت را معنا و روشنایی خاص می بخشد به گونه ای که همه هستی شگفت زده می شود.

بخش ۵ : تفاوت یا تساوی زن و مرد

خطاب به مردان و در کنار آن زنان : إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ ... احزاب ۳۵،

به آن کس که تسلیم امر خداست
به آن کس که طاعت کند و دعا
به آنان که دارند صدق بیان
به آن کس که مؤمن برآن کبریاست
عبادت نمایند دور از ریا
نیارند جز راستی بر زبان

آرامش گرفتن در کنار زنان : وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ روم ۲۱

وز آیات دیگر که بایست گفت
که با هم بگیری انس و کنار
کسانی که هستند اهل خرد
یکی اینکه خلقت نمودست جفت
شود بینتان دوستی برقرار
بر این گفته نهند انگشت رد

انزال وحی به زن : وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاِذْ أَخْفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ قصص ۷

چو بر مادر موسی آمد ندا
کنون ده به طفلت تو از شیر خویش
تو خود کودکت را به دریا فکن
بر او وحی فرمود یکتا خدا
و گر هم گزندی بیامد به پیش
دگر وحشت و ترس از دل بکن
نباشی غمین و تأسف مبر
به تو بازش آریم بار دگر
بر او لطف ایزد بگردد تمام
بخشیم بر او نبوت مقام

مرد و زن مومن و حیات طیبه : مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ نحل ۹۷

هرآن کس که صالح شد و راستکار
بر او زندگانی نیکو رسید
فراتر از اعمال نیکو، خدا
بیاورد ایمان به پروردگار
چو محشور گردد، بگردد سعید
بر او نیک اجری نماید عطا

زن مقرب درگاه الهی : إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ آل عمران ۴۵

ملائك بگفتند با او سخن

بگفتند آنها بر آن نیک زن

ترا مژده دادست ایزد صریح

به عیسی ابن مریم به عیسی مسیح

به دنیا و عقباست با آبرو

ز خاصان پروردگارست او

اما تفاوت های جسمی، روانی و احساسی و از نظر تکوینی و تشریحی بین این دو موجود، منشاء تفاوت های حقوقی و اجتماعی شده هرچند در بسیاری از موارد حقوقی و اجتماعی بین این دو تساوی و بلکه ارجحیت زن حاکم است. در قرآن بیان شده که همه مردم از زن و مرد فروع اصل انسانی واحد و اجزای طبیعت یگانه بشری اند که برای تحقق جامعه به همه آنان نیاز است و این امر مخالفتی ندارد با اینکه هریک از این دو گروه را با ویژگی هایی اختصاص داده است،

مانند: اختصاص نوع مردان به شدت و قوت و اختصاص طبیعت زنان به نرمی و عواطف؛ زیرا طبیعت انسان در حیات تکوینی و اجتماعی اش همانگونه که نیازمند بروز شدت و قوت است، به جریان مهرورزی و رحمت نیز محتاج است... (المیزان ج ۴) یکی از تفاوت های قراردادی و اجتماعی زن و مرد، حجاب به معنای اصطلاحی و عرفی آن است که اسلام حضور اجتماعی زن را نسبت به مرد با پوشش بیشتری مقید کرده. نکته ظریف این که حجاب هرگز به معنای محدودیت زن نیست؛ فلسفه اصلی حکم حجاب، ورود به عرصه اجتماع است و این همان آزاد کردن زن است نه حصر و محدود کردن او، در این صورت نگاه مرد به زن دیگر نگاه جنسیتی نخواهد بود. و لذا حجاب یعنی تغییر نگاه مرد به زن، برای ورود زن به عرصه فعالیت های اجتماعی با پوشش مناسب و غیر تحریک کننده.

اما نقطه مقابل آن، حالتی است که زن برای رفتن به محیط کار، ساعت ها به آرایش می پردازد و در محیط کار نیز آرامش و آسایش فکری را از کارمندان مرد می گیرد،

هوس ها را متوجه و جذب خود می کند، شهوت ها را تحریک می نماید و اتفاقاً اینجاست که نیروی کار و فعالیت هدر می رود و به رکود و استهلاک ثروت می انجامد. از سوی دیگر نیز، از آنجا که چنین زنی در محیط کار، با مردان مختلف سر و کار دارد و آنها را به سوی خود جذب می کند و قلب آنها را می رباید، باعث فاسد کردن اخلاق اجتماع و از همه مهمتر، خراب کردن بنیان خانواده می شود.

لزوم نگاه متفاوت به زن و مرد

قرآن خدمت بزرگی به بشریت و به طور خاص به جامعه زنان کرد و این قرآن بود که انرژی زنان را در تاریخ آزاد کرد و آنان را بدون ظلم به مرد و بدون فرو پاشاندن خانواده و سلب عزت و کرامت زن از حاشیه به متن آورد و در نوع تقسیم کار مصلحت درجه اول را مصلحت زن قرار داد. اسلام تفاوت های جنسیتی زن و مرد را مد نظر قرار می دهد. بر این اساس ساز و کاری را برای تقویت نهاد خانواده ارائه می کند. نادیده انگاشتن تفاوت های میان زن و مرد در تمام حوزه ها ریشه ای ترین خشونت علیه زنان است. بی هویتی خانواده، انکار اقتدار پدر و فراموشی نقش مادری مصادیقی است که خشونت علیه زن و خانواده را ایجاد می کند که بستر آن نگاه فمینیست هاست. خانواده های معتقد به دین در کشورهای غربی امنیت روحی و روانی بالاتری دارند و ریشه اصلی خشونت اجتماعی علیه زنان در غرب نادیده گرفتن حق متفاوت بودن زن و مرد است. اسلام به زن را فوق العاده متعالی و در نگاه اساسی اسلام، زن از حیث انسان بودن هیچ فرقی با مرد ندارد و به استناد آیات قرآنی، زن و مرد در مسیر تعالی و قرب الهی، کاملاً یکسانند.

خیلی از مشکلات زنان مربوط به مسائل خانواده است مسئله جنسیت در کارکردهای زندگی معنا و مفهوم می یابد و در جایگاه زن و مرد در اسلام، هیچ تأثیری ندارد. همسر خوب می تواند مرد را در جامعه به عنصری مفید و مؤثر تبدیل کند.

مشترکات و تفاوت های مرد و زن را بر اساس آموزه های قرآنی

مشترکات براساس آموزه های قرآنی، حقیقت مرد و زن یکسان است و هر دو از یک **نفس**، آفریده شده اند **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً (نساء ۱)**

بترسید ای مردم از کردگار که خلق جهان راست پروردگار

همان کردگاری که چون آفرید ز يك شخص کردی شما را پدید

پس از او خدا جفت او کرد خلق که از آن دو تن خاست بسیار خلق

نفس در فرهنگ قرآنی دارای کاربردهای چندی است که از جمله آن ها، همان روان است؛ یعنی روح و جانی که در کالبدی قرار گرفته باشد. بنابراین، مرد و زن از نظر عنصر اصلی تشکیل دهنده انسانیت یعنی روان یکسان هستند. از روان آدمی، مرد و زن همه مردمان آفریده شده اند. و آنچه از تفاوت در مرد و زن یافت می شود، در خلقت ظاهری و فیزیکی است که البته در روان نیز تاثیراتی به جا می گذارد. مردان و زنان در اموری دیگر نیز یکسان هستند. (آل عمران ۱۹۵ نحل ۷۹ غافر ۴۰)

از جمله برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک. این همسانی به سبب یکسانی در ماهیت انسانی است مرد و زن، در کسب پاداش به واسطه انجام دادن اعمال نیک مساوی هستند و جنسیت هیچ تاثیری ندارد. **وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا نساء ۱۲۴**

بلی اهل ایمان چه زن یا که مرد که اعمال نیکو و شایسته کرد

بیاریم او را به باغ بهشت چه نیکوست آری چنین سرنوشت

به اندازه پوستی از رطب نبینند ظلمی ز درگاه رب

مرد و زن همچنین در مالکیت همسان هستند. همچنین مرد و زن در کسب زندگی پاک و طیب بر اثر انجام دادن اعمال نیک، همسان و متساوی هستند.

تفاوت های مرد و زن مرد و زن دارای تفاوت های فیزیکی و مادی هستند که آثار متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. تفاوت هایی در نقش ها و مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی و نیز در مسایل حقوقی میان مرد و زن قایل است. از جمله این تفاوت ها می توان به تفاوت در خدمت، تفاوت در سهم الارث **وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا** و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در حالی که هر کدام به حق خود رسیده اید و آن زنان (مهر را در مقابل عقد زوجیت و) عهد محکم از شما گرفته اند. (نساء ۲۱ و ۱۱ و ۱۷۶)،

چگونه بگیری مهری که بُد **چو هر دو رسیدید برحق خود**
که آن همسران از شما مهر را **گرفتند، تا عهد یابد بقا**

تفاوت در مناصب و اهلیت برای احراز برخی از مشاغل و مسئولیت ها **فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** (آل عمران ۵۳ و ۶۳)

چو فرزند را زاد گفت ای خدا **به من دختری را بکردی عطا**
خدا هست آگه تر از این سخن **چرا طفل دختر بزاییده زن**
بگفتا که بهر کمک بر حرم **نباشند دختر پسر همچو هم**
نهادم کنون نام مریم بر او **تو این نام را بهر او کن نکو**
وی و جمله اطفال او را پناه **بدادم به درگاه تو ای اله**
سپر دم به درگاه تو ای غفور **ز شیطان رانده شده از حضور**

و گواهی و شهادت ... **فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ** ... یک مرد و دوزن، از هر که (به عدالت) قبول دارید گواه گیرید (بقره ۲۸۲)

دو مرد ار نباشند در دسترس **دو زن با یکی مرد هستند بس**
ز هرکس رضایند هر دو طرف **بگیرند شاهد برای هدف**

خداوند به صراحت در آیاتی از شرایط منصب پیامبری را مرد بودن دانسته لذا هیچ پیامبری از جنس زنان نیست، زیرا این مسئولیتی بزرگ است که زن نمی تواند از عهده آن برآید. از نقش های خاص مردان می توان به نقش پیامبری که بیان شد و مردان در قیامت که برای شفاعت در اعراف می ایستند و این مردان بلند مرتبه هستند که منجی برخی از مردم و بردن ایشان به بهشت می شوند (اعراف ۴۶)

وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَ هُمْ يَظْمَعُونَ

در اعراف هستند مردان پاک که سیمای آنهاست بس تابناک

برآرند بر اهل جنت ندا که بادا سلامی به روی شما

پس آن اهل اعراف یک همچو روز نگشتند داخل به جنت هنوز

ولی در دل خویش این انتظار کشند و ز شوقند بس بی قرار

حق طلاق: وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ بقره ۲۳۰

هرآنکه که گشتید از زن جدا ببايست تا مدت عدّه را

به منزل بدارید او را نگاه به خوبی و نیکی به دور از گناه

و یا اینکه سازید او را رها به اخلاق خوب و به وجهی سزا

نباید اذیت کنید و ستم بر آنها مرانید آزار هم

هرآن کس نماید از این دست ظلم همانا که بر خویش کردست ظلم

و حق مدیریت و سرپرستی زنان در خانه (نساء ۴۳) اشاره کرد. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ...

به فرمان و دستور آن ذوالجلال زنانند در تحت امر رجال

که بر عده ای داده رب، برتری که سازند بر عده ای سروری

زنان در قبال مردان حقوقی دارند که بر گردن مردهاست چون سرپرستی را به عهده

دارند مسئولیت تام در پرداخت این حقوق دارند بنابراین لازم است تا ثروت بیشتری در اختیار داشته باشند، در حالی که زنان از آنچه ارث میبرند تنها برای خودشان است و هیچ مسئولیتی در برابر خانه و خانواده از نظر تامین هزینه ها و مخارج ندارند. همچنین غلبه احساسات در زنان ایشان را به طلاق می کشاند و با کوچک ترین دلخوری از مردی خواهان طلاق میشوند این درحالی است که مردان این گونه نیستند مسئولیت های زن در جامعه را بیشتر متوجه تعلیم و تربیت فرزند و کار در خانه دانسته و انجام کارهای سخت و دور از شأن برحذر داشته و از سوی دیگر با اعطای امتیازات مختلف مانند مکلف نمودن مرد به تامین کلیه مخارج زن به عنوان یک وظیفه و همچنین پرداخت مهریه، پرداخت شیربها و پرداخت نفقه، معیشت و آینده اقتصادی او را نیز تضمین نموده است.

و زن بعنوان مکمل وجود مرد، مسئولیت تامین نیازهای روحی، روانی و تربیتی را بر دوش می کشد، ضمن اینکه با دور اندیشی و دقت فراوان، معیشت و نیاز اقتصادی او را به شکلی دیگر تامین نموده و وی را از هرگونه فعالیت و تلاش برای کسب درآمد بی نیاز ساخته است. عمل به تاکید و توصیه های اسلام برای تقبل وظایف متناسب با شرایط و شئونات، توسط هریک از دو جنس زن و مرد، خود به خود تفاوت هایی را آشکار خواهد نمود که این تفاوت ها، تنها بیانگر اراده خلقت در آفرینش این دو موجود می باشد.

نادیده گرفتن تفاوت ها، عامل ناهنجاری ها

پذیرش تساوی در اصل ماهیت به معنای انکار تفاوت ها نخواهد بود زیرا انکار تفاوت ها به معنای تداخل در نقش ها و مسئولیت ها و از میان رفتن بنیاد خانواده و انسانیت و جامعه سالم است. اینکه در برخی از کشورها تفاوت ها نادیده گرفته می شود و مرد و زن اختیار طلاق را دارند و یا هر دو مسئولیت تامین مخارج زندگی را به عهده می گیرند، موجب شده است تا خانواده ها از هم فرو پاشد و جامعه از حالت اعتدال و

تعادل خارج شود و با بحران های گوناگون اجتماعی مواجه شود. در وصایای حضرت علی به امام حسن (علیهما السلام) آمده **زن را در کاری که با مقام وی سازگار نیست دست مده که زن گل خوشبو است نه قهرمان**

معیارهای رعایت عدالت بین زن و مرد کدامند ؟

همیشه عدالت به معنای تساوی نیست نباید انتظار داشته باشیم که چون می خواهیم مانع از تضییع حقوق زنان شویم و عدالت را رعایت کنیم پس باید صرف نظر از ضرورت و نیازهای واقعی مادی و معنوی زن یا مرد، مساوات را به طور کامل و بدون توجه به ویژگیهای هر کدام بین آنها رعایت کنیم. زیرا نیاز هریک از آنها تابع شرایط مختلف جسمی، روحی، محیطی و سایر مولفه های خاص خود می باشد و درست به همین دلیل است که انتظارات جامعه از هریک از این دو نیز، متناسب با شرایط آنان متفاوت است.

در اسلام مسئولیت خطیر و سنگین تربیت و نگهداری فرزند بیشتر متوجه زنان است و از این طریق بخش قابل توجهی از وظایف اداره و هدایت جامعه بعنوان یکی از تأثیر گذارترین عوامل، به طور غیر مستقیم به آنان سپرده شده. در آیه ۳۸ همان سوره نیز می فرماید: و آنچه که خداوند با آن شما را بر یکدیگر برتری داده، تمنا نکنید، برای مردان بهره ای است از آنچه کسب کرده اند و برای زنان نیز بهره ای است از آنچه به دست آورده اند، از خدا بخواهید که از فضل خود به شما عنایت کند که خداوند به همه چیز دانا است.

به عنوان نمونه: استقامت، تحمل، بردباری، مهر و محبت، عاطفه، استعداد تعلیم و تربیت و بسیاری از دیگر ویژگیها در زن، و متقابلاً شجاعت، سخاوت و سیاست و قدرت بدنی را در مرد برتری داده است و همین خصوصیات سبب گردیده تا مرد حضور پررنگ تری در اجتماع داشته و سهم بیشتری را در مقابله با خطرات و تهدیدات اجتماعی پذیرا باشد و این نیز نشانه دیگری از عنایت اسلام به زن است.

نقش جنسی زن و مرد ؛ اشتغال

امام علی (علیه السلام) : لا تَمْلِكُ الْمَرْأهَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَأَنَّ الْمَرْأهَ رِيحَانَهُ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَه كَارِي كَه بَرْتَرِ از توانایی زن است به او وا مگذار، که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش. (نهج البلاغه نامه ۱۳)

تعبیر قرآنی معاشرت به معروف و عاشر و هُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء ۱۹)

نماید رفتار با عدل و داد	به خلق خوشی کان پسندیده باد
چو مقبول طبع شما نیستند	چو در پیش و نزد شما زیستند
(مبادا کراهت کنید آشکار	بگیرید خود حالت انزجار)
چه بسیار چیزی شمارید بد	ولی حق، در آن خیرها می نهد

این آیه یکی از بهترین تعابیر است رعایت تناسب و سازگاری را بیان می کند (المیزان ج ۴ ص ۵۵۲) .

دختران پس از پایان یافتن تحصیلات و به پیروی از بقیه، در بیرون از منزل مشغول به کار می شوند. گروهی نیز، به تقلید از کشورهای غربی و تحت تأثیر اندیشه های فمینیستی (تفاوتی از جهت جسمی و توان برای زن قایل نیستند) و در راستای برقراری این تساوی، به رقابت با مردان در صحنه های گوناگون زندگی از جمله رقابت در بازار کسب و کار برخاسته اند. متأسفانه عده ای کار و فعالیت در خانه را نشانه ی ناتوانی یا حقارت زن می دانند. این افراد با نگاه به زندگی های ناموفق پیرامون خود و فشارها و تلخی هایی که زنان در این خانواده ها متحمل می شوند، بدون توجه به ریشه های واقعی این ناکامی ها، خانه داری زنان را عامل بدبختی، و اشتغال را تنها راه رهایی از این مشکلات می دانند.

بخش ۶ : زن و سیاست، دخالت زن در سیاست

۱. بیعت زنان با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در اسلام مداخله زن در سیاست به طور کلی مانعی ندارد، چرا؟ برای این که ما می بینیم قرآن همان طور که از بیعت مردان یاد کرده از بیعت زنان هم یاد کرده است **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا** (ممتحنه ۱۰)

الا ای پیامبر چو جمعی زنان
تو در آن زمان ای نبی رسول
به بیعت بیایند از مؤمنان
بدان شرط ایمانشان کن قبول

۲. **بیعت با علی (علیه السلام)** تاریخ، بیعت بر خود خلافت را نشان می دهد در مسئله خلافت که می آمدند بیعت می کردند آن رسماً به منزله رأی دادن به خلافت بود و در آنجا زنها هم شرکت می کردند مخصوصاً درباره بیعت با حضرت امیر در نهج البلاغه جمله ای هست که نشان می دهد زنان هم با حضرت امیر بیعت کردند. دست نهادن در تشت آب و

۳- **داستان ملکه سبا** یکی از قصه هایی که قرآن نقل کرده است داستان ملکه سباست. بدون این که انتقادی هم کرده باشد که چرا اینها زنی را پادشاه خودشان قرار داده بودند. این خودش می رساند که قرآن با این موضوع مخالف نیست .

سوء جابه جایی زن و مرد برای نقش آفرینی در جامعه :

۱- بدیهی است با شکسته شدن قبح روابط منطقی و متعادل بین زن و مرد که همواره مورد تاکید اسلام قرار داشته، به تدریج مرزهای حجب و حیاء، بین آنان نیز از بین رفته و به این شکل معضلات اخلاقی بیش از پیش ترویج خواهد یافت .

۲- اولویت یافتن حضور زنان بر مردان در بسیاری از موارد حتی در مواردی مانند؛ تحصیل که حق مسلم هر زن و مرد است اگر متعادل و منطقی نباشد می تواند، در دراز مدت آثار زیانباری به دنبال داشته باشد که در این مورد مهمترین اثر آن حذف یا کاهش فرصت های شغلی برای کسانی است (مرد) که از نگاه اسلامی مسئولیت تأمین

معاش خانواده را برعهده دارند.

۳- طبیعی است چنانچه قرار باشد زن بی هیچ دلیلی وظیفه اصلی خود را رها یا به جای ایفای نقش مربوطه، به دنبال کسب درآمد و استقلال مالی باشد، دامنه توقعات در هر دو طرف افزایش یافته و بروز اختلافات احتمالی تشدید خواهد شد. این موضوع علاوه بر آثار مخرب روانی در خانواده و جامعه، میزان رجوع زنان بمرکز حقوقی و انتظامی را تشدید می نماید که خود می تواند پیامدهای جانبی دیگری مانند؛ فروپاشی، افزایش میزان طلاق و از هم پاشیدگی کانون خانواده را در پی داشته باشد.

۴- با ایجاد فاصله بین اعضای خانواده، کانون گرم خانواده نیز متزلزل و بتدریج مشکلاتی مانند: انزوا طلبی و یا دوست پذیری افراطی فرزندان و افت تحصیلی آنان رخ می نمایند و بر میزان سایر جرائم اجتماعی مانند: بزهکاری و فرار جوانان از خانه نیز افزوده خواهد شد.

۵- با اشتغال زن در محیط خارج از خانه و واگذاری تربیت فرزندان به مهد کودک ها و کودکانستان ها و محروم کردن آنان از عشق و محبت مادری که بخش عمده آن در دوران طفولیت و تنها در آغوش پر مهر مادر کسب می شود، نه تنها فرزندان، بلکه در دراز مدت تمام اعضای خانواده و حتی جامعه از عواقب ناهنجار آن، متأثر میکنند.

۶- نتیجه دیگر پرداختن زن به فعالیت های غیر ضروری در خارج از خانه، ایجاد آشفتگی و بی نظمی در محیط داخلی خانه که زن مدیریت آن را برعهده داشته و همچنین بروز سوء تغذیه و بعضاً بیماری های ناشی از تغذیه نادرست در اعضای خانواده است، زیرا به تدریج غذاهای آماده و نامرغوب موجود در بازار، جایگزین غذاهای کیفی و سالم خانگی خواهد شد.

۷- اگر چه در ظاهر با اشتغال زن در خارج از خانه، منبع درآمد جدیدی به درآمدهای

قبلی خانواده افزوده می شود،

چند روایت درباره اهمیت حجاب در نظر فاطمه زهرا علیهاسلام "حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام : نقل فرمود که، روزی شخص نابینایی اجازه ورود خواست. فاطمه علیهاسلام برخاست و چادر به سر کرد. رسول خدا فرمود: چرا از او رو می‌گیری، او که تو را نمی‌بیند؟ فاطمه عرض کرد: او مرا نمی‌بیند، اما من که او را می‌بینم. و او اگر چه مرا نمی‌بیند ولی بوی مرا که حس می‌کند. رسول خدا فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی.

روزی رسول خدا از اصحاب خود پرسید: نزدیکترین حالات زن به پروردگارش کدام است؟ اصحاب نتوانستند جواب بدهند. این سؤال به گوش فاطمه علیهاسلام رسید. فاطمه فرمود: نزدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمات قرار ندهد. وقتی رسول خدا این سخن را شنید، فرمود: فاطمه پاره تن من است

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: روزی رسول خدا از ما پرسید: بهترین کار برای زنان چیست؟ فاطمه علیهاسلام پاسخ داد: بهترین کار برای زنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند. رسول خدا فرمود: فاطمه پاره تن من است

رسول خدا بعد از ازدواج فاطمه علیهاسلام کارها را بین او و علی علیه السلام تقسیم کرد و فرمود کارهای منزل با فاطمه و کارهای خارج از منزل با علی .

فاطمه علیهاسلام می‌فرماید: هیچ کس نمی‌داند من چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از ظاهر شدن در پیش چشم مردان معاف کرد .

روزی فاطمه زهرا سلام الله علیها به اسماء فرمود: چه بد است این تخته‌هایی که بدن مرده را برای تشییع جنازه روی آن می‌گذارند! زیرا وقتی زنی را روی آن قرار می‌دهند و پارچه‌ای بر بدنش می‌کشند، حجم بدن او معلوم است سپس اسماء با چوب خرما تابوتی لبه‌دار درست کرد و به فاطمه علیهاسلام نشان داد.

حضرت فاطمه بسیار خوشحال شد و فاطمه فرمود: **سَتَرْتَنِي سِتْرَكَ اللهُ**، مرا پوشانده ای، خداوند تو را بپوشاند (تابوت محمل گونه، از آن زمان پدید آمد)

منابع: بحارالانوار، ج ۴۳، صفحات ۹۱ و ۹۳ و ۵۴ و ۸۱ و ۱۸۹

سیره حضرت فاطمه زهرا (علیها سلام) در رعایت حجاب اسلامی و عفاف

حضرت زهرا ی اطهر (علیها سلام) بانوی بزرگواری که مظهر کمالات الهی و برترین اسوه انسان ها به ویژه زنان می باشند، از نظر عفاف و حجاب الگوی بی نظیری هستند که با دقت نظر در سیره و زندگی آن حضرت به اوج عظمت ایشان در همه عرصه ها، به ویژه حیا و عفت و حجاب، می توان پی برد. ایشان همان کسی است که زن نیکو و شایسته را زنی می داند که مردی را نبیند و مردی او را نبیند. و شرم و حیا و عفت آن حضرت به قدری بوده که حتی در حضور مرد نابینا خود را محفوظ داشت.

آن تجسم حیا و عفت، تا ضرورتی نبود، به میان جامعه نمی آمدند، اما در مواقع حساس و ضروری، در اجتماع حضور می یافتند و در مسایل سیاسی و اجتماعی شرکت می کردند؛ به ویژه در مسئله **ولایت امیرالمؤمنین** و به یغما رفتن فدک، در مجامع عمومی به مناظره می نشستند و از حق خویش دفاع می کردند و در عین حال هرگز از پرده عفاف و حجاب بیرون نمی رفتند.

آن حضرت زمانی که برای خواندن **خطبه فاطمیه** عازم مسجد می شوند بر روی روسری اش چادر سر می کند، برخلاف تصور برخی که می گویند: چادر را ایرانی ها باب کرده اند، بلکه ابن ابی الحدید مفسر نهج البلاغه صدها سال پیش نقل کرده و در تاریخ نیز مضبوط است

در این رابطه نقل می کنند هنگامی که برای حضرت ثابت شد فدک غصب گردیده در حالی که لباس های بلندی که تمام بدن ایشان را پوشانده بود، سپس آرام آرام راه می رفت که مبادا چادر عقب نرود. وارد مسجد شدند و در جایگاهی قرار گرفته که پرده

ای بین زنان و مردان حایل بوده و مردان، حضرت را نمی دیدند. این نشان می دهد حضرت حتی در میدان مبارزه نیز به عفاف و حجاب اسلامی بسیار مقید بوده اند. چنین بانوی با عظمت و بی نظیری را به حق می توان با شخصیت ترین، اجتماعی ترین و در عین حال عفیف ترین انسان ها دانست که باید ایشان را سرمشق خویش در تمام راه و رسم زندگی قرار داد .

حضرت زهرا(سلام الله علیها) الگوی انسان کامل است

خداوند پیامبران را تنها در همان زمینه و روش موفق آمیزشان مورد تجلیل و الگوبرداری معرفی می کند و از الگوبرداری در سایر موضوعات و مسایل باز می دارد. حضرت فاطمه(سلام الله علیها) از جمله الگوهای معرفی شده از این خاندان است که در آیات سوره انسان به عنوان برترین الگوی کامل در میان زنان مطرح می شود و از مؤمنان از زن و مرد خواسته شده تا از ایشان پیروی کنند و او را الگوی کامل خود در ایمان و رفتار قرار دهند

نگاهی گذرا به گزارش قرآن از بینش و نگرش فاطمه(سلام الله علیها) نشان می دهد که وی زنی کامل در همه حوزه هاست و به سادگی قابلیت پیروی از ایشان وجود دارد. وی دارای عفت و حیا بود که ملکه ای نفسانی است و شرم و حیای وی به گونه ای است که با نامحرمان، هم کلام نمی شود ولی این حیا موجب نمی شود تا از مسئولیت اجتماعی خود باز ایستد و برای مبارزه به میدان نرود و حقوق خود و شوهرش را استیفا نکند

آن حضرت در عمل اجتماعی وارد می شود و با آن که به خودسازی از راه روزه ادامه می دهد، به دیگرسازی نیز توجه دارد و درد افراد جامعه را درد خویش می شمارد و در مقام ایثار، غذاهای خود را به کافر حربی می دهد که اسیر شده و یا غذای خویش را به فقیران و مستمندان جامعه می بخشد. چنین رفتاری قابل پیروی همگانی است. حضرت فاطمه(سلام الله علیها) ارزش زن را در دست یابی به کرامت و شرافت انسانی می داند

و عرضه تن و بدن را نه تنها آزادی نمی‌داند، بلکه عاملی برای تعرض به ساحت امنیت روحی و اجتماعی خود برمی‌شمارد. به این معنا که برخی از آزادی‌ها را عین اسارت زن می‌داند؛

زیرا اگر زیبایی‌های جنسی و جنسیتی زن آشکار و شناخته شود، احتمال تعرض از سوی بیماردلان اجتماعی وجود دارد و ضریب امنیتی وی کاهش می‌یابد. از این رو خود را به حجاب تن، افزون بر حیا و عفت روح می‌آراید تا این‌گونه کرامت و شرافت خویش را حفظ کند، بی آن‌که کوچک‌ترین تعرضی به حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وی شده باشد. حجاب، راهکار امنیتی بیشتر زنانی که از سوی بیمار دلان مورد تعرض قرار می‌گیرند، کسانی هستند که زیبایی‌های زنانگی خویش را آشکار ساخته‌اند.

بنابراین **حجاب در حقیقت یک راهکار امنیتی** است که زنان با به کارگیری آن، هم از آزادی‌های واقعی در جامعه سود می‌برند و هم از تعرض بیمار دلان در امان می‌مانند. از این رو قرآن در تعلیل لزوم حجاب از سوی زنان، به عدم شناخته شدن و عدم اذیت اشاره می‌کند.

احزاب ۵۹ رفتار خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نشان می‌دهد که ایشان با رهایی از بند بردگی علایق دنیوی، هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، به مرتبه آزادی واقعی رسیده‌اند و در همه صحنه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حضوری واقعی و جدی دارند.

این‌گونه است که حضرت فاطمه (علیها سلام) و هم‌چنین دختران گرامی اش (علیها سلام) در همه صحنه‌های حساس تاریخ ساز عصر نخست اسلامی حضور دارند و مسئولیت‌های اجتماعی، آنان را از مسئولیت خانوادگی و تربیت فرزند و شوهرداری باز نمی‌دارد.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در میدان‌های جنگی در کنار امیرمؤمنان و پدرش (علیهم السلام) حضور می‌یابد و هنوز مسجد فاطمه (علیها سلام) در کنار شهر مدینه در جنگ احزاب و

خندق وجود دارد که بیانگر این حضور حتی در عرصه نظامی و پشتیبانی از نیروهای رزمنده است. همکاری در کارهای خانه و مدیریت آن و رایزنی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) در امور خانه و خانواده، بخشی از گزارش هایی است که در روایات بسیار آمده است. بنابراین شناسایی این رفتارها و تحلیل آن می تواند زمینه ای برای الگوسازی درست از شخصیت زن کاملی چون حضرت فاطمه (علیها سلام) برای نسل های امروز و فردای جامعه باشد که این مهم باید از سوی عالمان دینی با مراجعه به روایات معتبر و آیات قرآنی صورت گیرد

دامنه عفاف حضرت به میزانی است که حتی از فردی کور و نابینا حجاب می کند. حضرت فاطمه از جهت عفاف در کمال اوج است و زن مسلمان اگر بانویی چون حضرت فاطمه دارد باید از او تبعیت کند نه از دیگران. آری، اینکه حدی کمتر از آن را مراجع تقلید و فقها اجازه دادند، بدان خاطر است که عسر و حرجی در میان نباشد و کسی به خاطر احساس در بند بودن، خویشتن را گرفتار نبیند و گرنه برای آن کس که خواستار حفظ عفت است و می خواهد همگام حضرت فاطمه باشد چاره ندارد جز آنکه این چنین بیندیشد و عمل کند.

زینتهای آن حضرت

توصیه و دستور اسلامی این است که زن، خود را زینت کند ولی برای شوهر. متجمل باشد ولی در خانواده و برای همسر. اسلام آن را یک وظیفه برای زن می داند و لذات پدید آمده از آن را لذاتی مشروع و حلال. در آنچه که مربوط به بیرون است اسلام اصرار دارد که زن متجمل نباشد، خود را به بویی خوش نیاراید، لباس شهرت نپوشد، در وسط خیابان راه نرود، از کفش و پای او صدایی برنخیزد

و... حضرت فاطمه (سلام الله علیها) این چنین بود و در تمام مدت عمر چنان عمل می کرد. روایات ما سخن از این دارند که حضرت فاطمه خود را برای همسر خویش آراست و حتی در یکی از جنگهای صدر اسلام که علی به سلامت از جنگ بازمی گشت حضرت

خود را آرایش کرد و به استقبال علی رفت و این لذت حلالی است که اسلام بر آن صحه گذارده و بانوی اسلام بدان عامل است

در عین حال این سخن پیامبر: **یا فاطمه ما من امرأة تزینت حسنه ای فاطمه زنی نیست که خود را بیاراید، و خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِاحْسَنِ مَلْبُوسٍ** از خانه خود با زیباترین پوشش خارج شود، **حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهَا النَّاسُ** و در پی آن در دید و منظر مردم قرار گیرد، **إِلَّا لَعْنَهَا مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ** جز آنکه فرشتگان آسمان هفت گانه و زمینها بر او لعنت فرستند، **و كَانَتْ فِي غَضَبِ اللَّهِ حَتَّى تَمُوتَ**، او همچنان در خشم و غضب خداست تا بمیرد، **و يَمُورُ بِهَا إِلَى النَّارِ** و فرمان می دهد او را در دوزخ اندازند.

نقش و نحوه حضور حضرت فاطمه (علیها سلام) در مسائل اجتماعی

از نگاه دخت گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، والاترین و برترین افتخار زن عصمت، عفت، طهارت و تقوا و تربیت فرزندان متعهد و مومن است، همان گونه که دامان پاک او مهد پرورش فرزندانی است که تداوم حیات اسلام مدیون ایثار و فداکاری آنان است و این موضوع تا آنجا در وجود مبارکش عمق یافته و ریشه دوانده که خود در پاسخ به سوال رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) که خطاب به یاران خود می پرسند، زن در کجا به خدای خود نزدیک تر است؟ و آنها در جواب باز می مانند، می فرماید زن آنگاه به خدایش نزدیک تر است که در خانه خویش باشد

بانوی بزرگ اسلام در حالی که بر اولویت ایفای نقش زن در خانه تاکید داشتند و با تقسیم کار خانه با حضرت علی (علیه السلام) مسئولین انجام بخش عمده کارهای خانه را بر عهده گرفته بودند، در عین حال در خانه و در نزد پدر گرامیش همت فراوانی را برای کسب علم و دانش به کار می بردند و هر کجا که ضرورتی ایجاب می کرد نیز، فعالانه در مسائل اجتماعی و حتی دفاع از اسلام مشارکت می نمودند. هم او که حاضر نمی شد که مرد نا محرمی صدای او را بشنود و یا بدون حجاب حتی در مقابل یک مرد نابینا حاضر شود،

یک روز در کنار پدر بزرگوار و همسر گرامیش در جنگ احد مرهم بر زخم مجروحین می گذارد و پس از آن با پرستاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زخم های او در این جنگ التیام می بخشید، روزی دیگر و در جایی دیگر به مزار پدرش می شتابد و مردم را بدانجا می کشاند و با استفاده از این فرصت حرف دل خود را که حاکی از ظلم ظالمان بر او و همسرش بود، را بر آنان باز می گوید و آنگاه که برای جلوگیری از تداوم مبارزه حق طلبانه اش با محروم ساختن او از خمس غنائم و یا غصب ناروای فدک، مانع از بهره برداری وی از این موقعیت می شوند، بسیار مجدانه احقاق حق خود را دنبال می کند و در موردی از موقعیت اولین شعارگوی اسلام یعنی بلال و بزرگ ترین شعار اسلامی یعنی اذان برای بیان حق بهره می برد و در تداوم این حرکت هوشمندانه و حتی در بستر مرگ نیز در جمع زنانی که به ملاقات جسم بیمارش آمده اند،

در خطابه ای آتشین نا جوانمردی و ظلم همسران آنها را افشاء و روح خفته آنان را منقلب و به دنبال آن وجدان غفلت زده جامعه را بیدار می نماید و متعاقب آن به هنگام ملاقات با کسانی که سراسیمه از این بیداری عمومی، مجدداً به ملاقاتش آمده اند، جفای ظالمان را یادآور و آنان را به شدت مورد نکوهش قرار می دهد .

ظلم ظالمان و مبارزه او در راه حق، کار را تا به آنجا می کشاند که او در مسجد خطبه ای غراء سر می دهد و با افشای ظالمان، حق خود و ولایت را مطالبه می نماید و آنگاه که تداوم این وضعیت ناگوار او را مجبور می سازد تا در کنار دروازه شهر در مقابل مردم بنشیند و آنان را با پلیدیها و شقاوتهای حاکمان وقت آشنا سازد، شجاعانه اینگونه عمل می کند و حتی آنگاه که ظالمان برای جلوگیری از این افشاگریها، درختی را که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در خارج از مدینه در پناه سایه اش می نشست و بر ظلمی که بر او و خانواده اش روا شد بود، می گریست را قطع کردند،

از این حرکت روشنگرانه باز نایستاد و ناچار علی (علیه السلام) سایبانی را برای او برپا می سازد، سایبانی که **بیت الاحزان** نامیدند و آثار آن همچنان برجاست

علی رغم تمام این مشکلات، او که با کمترین امکانات، زندگیش را آغاز کرده است، همواره با ساده زیستی و قناعت فراوان در زندگی، تمام همتش را برای تربیت فرزندانش بکار می گیرد، زیرا که نیک می داند، بزرگ ترین و موثرترین سهم و نقش او در جامعه، تربیت فرزندان صالحی است که سربلندی و اقتدار جامعه اسلامی را تضمین خواهند نمود و اینگونه بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باره او فرمود: دخترم فاطمه سیده و بزرگ زن برتر، از زنان دنیا و آخرت است (کتاب بانوی اول ص ۷۲)

زنان زهرایی

زن در خانواده و جامعه، واجد شخصیت محوری است. گزاره های تکوینی و قوانین تشریحی نیز مؤید آن است که زن، جلوه جمال خداوندی است و بر جلوه های جلال حق، مسبوق است. وقتی سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در احترام به حضرت زهرا (سلام الله علیها) را می بینیم که چگونه در مقابل **دختر بزرگوار خویش** می ایستد، به استقبالش می شتابد، او را به جای خود می نشاند، دستش را می بوسد و **فداها آبوها** می گوید، به عظمت مقام زن در نزد خدا و رسول او پی می بریم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مقامی نیست که فقط از باب بروز عواطف انسانی به این تکریم ها اقدام نماید؛ **وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.**

نگفتست هرگز سخن بر هوا

کلامی که او می نماید بیان فقط هست وحی خدای جهان

هر کلمه و هر حرکت رفتاری پیامبر، مأخوذ از وحی الهی است. جوهره وحی نیز ابلاغ «پیام» است. پس پیام این عبارات و رفتارهای اکرام آمیز نسبت به حبیبه حق و شفیعہ حشر، حضرت انسیه مرضیه سلام الله علیها چیست؟ یکی والایی مقام و منزلت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در نزد خداوند متعال است و دیگری عظمت شخصیت زن در نزد خدا، قرآن و عترت (علیهم السلام). حتی بسیاری از بزرگان از لقب معروفی که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به دخترشان عطا فرموده بودند؛ **أُمُّ آبِيهَا** در شگفتند.

همان گونه که در هجوم سختی ها و اتهامات و آزارها از سوی مردم، فاطمه (سلام الله) پناه پدرش بود، مادرگونه، غبار اندوه از سیمای آسمانی رسول خدا می زدود.

با عطف به این مقامات و ارزشی که دین اسلام برای زن قائل است، بانوان گرامی میهن مان مادرانه و مهربانانه پذیرای پدیده الهی انقلاب اسلامی شدند و آن گونه اندیشیدند و عمل کردند که ما دیدیم و دنیا دید؛ به طوری که **امام خمینی** فرمودند اگر زنان در این نهضت همکاری نمی کردند، انقلاب پیروز نمی شد.

در اینجا نیز زنان، نقش مضاعفی نسبت به مردان داشتند، هم خودشان پیشتاز مبارزات بودند و هم به واسطه وجود آنان بود که مردان، گام در عرصه ایثار می گذاشتند و اگر روحیه مقاومت و شجاعت در میان زنان ما نبود بطوری که حتی یک یا چند فرزند خود را تقدیم انقلاب می کردند و خم به ابرو نمی آوردند.

یقیناً خانواده آنان نیز رغبتی به قیام و مبارزه نمی یافتند و این گونه در راه فتح و پیروزی انقلاب اسلامی، استوار نمی بودند؛ و این همه منبعث از آن بود که بانوان عزیز به عمق والایی مقام زن در مکتب اسلام وقوف یافته و عجز مکاتب غیر اسلامی در استیفای حقوق زنان را به عینه مشاهده کرده بودند.

و از این رو خالصانه و بی دریغ در راه حاکمیت دین و محو موانع این حاکمیت مقدس، تلاش می کردند و خون دل ها می خوردند و یقیناً این بزرگواران در این راه روشن، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را الگوی خویش قرار داده و خواهند داد؛

و آیت الله خامنه ای، در وصف منزلتش فرمود؛ حضرت زهرا فرشته نجات انسان ها در طول تاریخ است.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جهان بینی و اندیشه ای ماندگار

جایگاه ویژه زنان و تأثیرگذاری آنها در امور مختلف بر هیچ کس پوشیده نیست، پشت سر همه این تحولات و دگرگونی ها نقش و شخصیت زن نهفته است که در اغلب موارد به صورت پنهانی ایفای نقش می کند و لذا با توجه به این موضوع می توان اذعان داشت که زن از عناصر مهم و اولیه تاریخ بشر بوده و هست .

بر این اساس می توان گفت شخصیت بی نظیر و ممتاز فاطمه زهرا سلام الله علیها در قالب یک شخص تعریف نمی شود، بلکه حضرت به اعتبار ویژگی های منحصر به فرد خود یک جهان بینی، فرهنگ و اندیشه ماندگار و تأثیرگذار است که ابعاد مختلف بشر و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهد. یکی از نیازهای مهم بشر از لحاظ اجتماعی و تربیتی، الگوسازی و الگوپذیری می باشد، با توجه به اینکه نسل ها ارتباط خود را با الگوها به صورت مستقیم از دست داده اند، بنابراین ارتباط نسل های آینده با الگوهای گذشته کار ساده ای نیست و این مسئله نیازمند یک شناخت عمیق و شناسایی ویژگی های رفتاری از الگو می باشد.

توصیف فاطمه (علیها سلام) در بیان فرزندش امام خمینی (ره) تمام حقیقت زن

تجلی گاه کمال در اندیشه امام، فاطمه زهرا سلام الله علیها بانویی است که تمامی ابعاد انسانی در او جلوه کرده و همه حقیقت زن، در او تجلی نموده است؛ فرشته ای است به صورت انسانی که همه کمالات در او جمع آمده است: تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا سلام الله علیها جلوه کرده و بوده است ... یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان با تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان ... تمام هویت های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد، تمام در این زن است. امام معتقد است که انسان، موجودی متحرک است که می تواند از نازلترین مرتبه انسانیت که همین صورت طبیعی و مادی او است، حرکت کمالی خویش را آغاز کند

و تا مرتبه غیب و فنا در الوهیت، سیر معنوی خود را ادامه دهد. برای صدیقه طاهره سلام الله علیها این مسائل، این معانی حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است، حرکت معنوی، با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله صلی الله علیه و آله مراحل را طی کرده است تا رسیده است به مرتبه ای که دست همه از او کوتاه است... از آنجا که این بانوی بزرگوار، الگوی هدایت و کمال برای همگان است، بایسته است با تاسی به سیره نورانی آن فرشته بهشتی، قدم در راه کمال بگذاریم و فضایل انسانی پوشیده خویش را آشکار کنیم و چشم تعلق از طبیعت و مادیات برگیریم و سرحلقه دل را به آستان «خلیفه الهی» بیاویزیم و به منزلت واقعی خویش دست یابیم. فاطمه سلام الله علیها آمد تا راه کمال و جمال انسانی را فراسوی ما بگسترده و زندگی سرشار از اخلاق و معنویت، و بصیرت و طهارت را برای بشریت به ارمغان آورد.

افتخار بشریت آنچه در خصوص دخت مکرم نبی اعظم، مایه مباهات برای مسلمانان و باعث افتخار برای بشریت است،

این است که این بانوی معظم در کمال سادگی و قناعت زیست؛ اما والاترین فرزندان و پاک ترین سلاله ها را به عالم انسانی عرضه داشت. فاطمه سلام الله علیها نه تنها به زنان، بلکه به همه مردان عالم آموخت که دل به دنیا نبندند و در جستجوی طهارت و بصیرت باشند تا کمال انسانی شان و حقیقت الهی شان آشکار شود

بانوی دو عالم، در حجره ای کوچک و خانه ای محقر، انسان هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلا می درخشد. صلوات و سلام خداوند تعالی بر این حجره محقری که جلوه گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زیدگان اولاد آدم است...

این کوخ نشینان در کوخ محقر در ناحیه معنویات آنقدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتی ها هم به آن نمی رسد.

یکی از موضوعات مهمی که در قرآن از آنها سخن به میان آمده، زنانی هستند که در خلال رویدادهای تاریخی و قصص قرآنی معرفی شده‌اند. گروهی از این زنان چهره‌ای خوب و برخی نیز چهره‌ای بد داشته‌اند و به نوعی هر کدام نقش‌های حساس مدیریتی نیز عهده‌دار بوده‌اند.

قرآن کریم با بیان نقش این زنان در دو قطب مثبت و منفی و ارائه سرگذشت آنها می‌خواهد که این زنان هم مایه سرمشق باشند و هم مایه عبرت، سرمشق از زنان پارسای نام آوری که منشا دگرگونی‌های مثبت بوده‌اند و عبرت از زنان بی‌ایمان که موجب انحطاط فضیلت انسانی و بدنامی خود و گرفتاری دیگران گردیده‌اند.

با این حال باید اذعان کرد که زن مسلمان ایرانی امروز سنگربان ارزش‌های والای اسلامی در برابر وضعیت جاهلی و بی‌بندوباری دنیای غرب است و باید با تقویت روحیه اسلامی و پیشتاز شدن در میدان علم، فرهنگ، سیاست و تمامی مسائل اجتماعی از حصار مستحکم فرهنگ ناب اسلامی و ایرانی محافظت کنند.

در داستان‌های تاریخ قرآن، زنان برگزیده و شایسته، کسانی هستند که در فراست و هوش سرشار و در توانایی بر درک حقایق بسیار دشوار و حل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی به منزلت بالایی رسیده بودند. یکی از شاخص‌های الگوسازی مدیریتی زنان از دیدگاه قرآن، قصص قرآن و رویدادهای تاریخی قرآن است.

قرآن در خلال این وقایع مهم به معرفی زنانی پرداخته است که در حرکت تبلیغی و ارشادی انبیا (صلوات الله علیهم) نقش آفرینی کرده‌اند. یکی از الگوهای حکومت و زمامداری زنان در عرصه سیاسی که در قرآن مطرح شده **بلقیس ملکه سبا** می‌باشد.

بلقیس زنی خردمند و مال‌اندیش بود که فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و کشورداری از تجربیات بالایی برخوردار بود و این موجب سلامت رای و روشن بینی او شده بود.

او دعوت یکتا پرستی را پذیرفت و با تمام قدرت و شوکت تسلیم حق شد. عکس العمل ملکه سبا در برابر نامه حضرت سلیمان است؛ بانویی که اداره امور مملکت را بر عهده دارد، بالاترین مقام سیاسی یک کشور و دارای عظمت و حشمت و جاه و جلال است، با این نامه چگونه برخورد خواهد کرد و چگونه تدبیر و تصمیم گیری می کند؟

سلیمان به بلقیس فرمود: آیا تخت تو اینچنین بود و خواست تا سؤال را کاملاً ناشناخته کند. ملکه سبا در جواب گفت: گویا همان است و بدین وسیله خواست تا از سبک مغزی و تصدیق بدون تحقیق اجتناب کند. در ابتدا امر نامه را برای بزرگان مملکت خود می خواند. سپس با درباریانش به مشورت می پردازد و به آنها می گوید:

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ نمل ۳۲

مرا رهنمائی کنید ای رجال

ز درباریان کرد آنکه سؤال

نپیموده ام تا کنون هیچ راه

که بی مشورت با شما هیچگاه

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسِي شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ نمل ۳۳

که با او بجنگیم در کارزار

بگفتند ما را بود اقتدار

ره صلح پوییم یا راه جنگ

کنون راه تصمیم می ساز تنگ

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۳۴

همه کشور و ملک از هم درند

بگفتا چو شاهان هجوم آورند

بگیرند و سازند او را ذلیل

کسی کاو عزیزست و باشد جلیل

بدین شیوه پویند راهی چنین

چو در جنگ دشمن فتد سرزمین

از ظاهر کلام درباریان بر می آید که آنان میل داشتند جنگ کنند و چون ملکه هم همین را فهمیده بود، نخست به مذمت جنگ پرداخت و در پایان رای خود را ارائه داد. اول گفت: جنگ عاقبتی جز غلبه یکی از دو طرف و شکست طرف دیگر و فساد قریه ها و شهرها و ذلت عزیزان آن ندارد. به همین دلیل نباید بدون تحقیق اقدام به جنگ کرد. باید نیروی خود را با نیروی دشمن بسنجیم، اگر تاب نیروی او را

نداشتیم، تا آنجا که راهی به صلح داریم، اقدام به جنگ نکنیم، مگر اینکه راه منحصر به جنگ باشد و نظر من این است که هدیه‌ای برای او بفرستیم، ببینیم فرستادگان ما چه خبری می‌آورند، آنگاه تصمیم به جنگ یا صلح می‌گیریم. در آیات فوق استدلال‌ها، دور اندیشی‌ها، متانت رای و سیاستی محکم و منطقی که دو بازوی سیاست خارجی و داخلی را در خود دارد به چشم می‌خورد. در بعد داخلی در عین جریحه‌دار کردن اذهان اطرافیان، مشورت را پایه کار قرار می‌دهد اما بر استدلالی دقیق تکیه می‌زند و در نهایت با اینکه مشاوران گرایش به جنگ دارند حوادث را به وجه مثبت با درایتی خاص، راهبری می‌کند، استدلال خود را نیز، در لطافت شور، ممزوج می‌کند و معتقد است که باید يك بار دیگر، آزمونی را رقم زند و بدین خاطر می‌گوید: **وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ۳۵**

کنون هدیه ای می فرستم نکو **ببینم چه پاسخ بیارند از او**

آسیه همسر فرعون الگوی مبارزه و شهادت طلبی در عرصه اعتقادی می باشد. آسیه با اینکه همسری داشت که بر یک سرزمین وسیع حکمرانی می کرد و تمامی امکانات و ثروت و قدرت را در اختیار همسر خود گذاشته بود ولی با هوشیاری و اعتقاد بالایی که داشت تمام قدرت و ثروت را فدای اعتقاد و دیدگاه خود نمود و با ایمان آوردن به خدای یگانه به شهادت رسید.

یک بار در جریان گرفتن موسی (علیه السلام) از آب که با میانجیگری مانع از کشتن طفل گردید و باعث شد که فرعون طفل را به وی ببخشد و با زیرکی مادر موسی را به عنوان دایه برای طفل برگزید **وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۹**

به فرعون تازاند اسب سخن **بفرمود آسیه آن نیک زن**
مریزید خونس مگیرید خشم **که او بر من و توست چون نور چشم**
بود تا شود مایه خیر و سود **به فرزندی او را بگیریم زود**

که بودند از عاقبت بی خبر که این بذر را چیست آخر ثمر

و در جای دیگر که فرعون از ایمان آسیه آگاه شد و دستور شکنجه وی را صادر نمود. آسیه در حین شکنجه از خداوند، قصری در بهشت در جوار رحمتش درخواست کرد و رهایی از فرعون و اطرافیانش را از خداوند طلب نمود وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ تحریم ۱۱

کنون آسیه را خدای جلال	زند بهر افراد مؤمن مثال
به یزدان چنین گفت آن نیک پی	گذشتم ز فرعون و از کاخ وی
برایم یکی خانه اندر بهشت	بساز و بکن دورم از کار زشت
رها ساز من را ز فرعون پست	کز اعمال زشتش دلم را بخت
نجاتم ببخشا از این قوم و کیش	که راه تعدی گرفتند پیش

همسران لوط و نوح (علیهما السلام) در قرآن به عنوان الگوهای خیانت و رذالت در عرصه فرهنگی و خانوادگی معرفی شده اند. آنها با اینکه همسر و شریک زندگی پیامبر بودند ولی درستی و حقیقت را زیر پا گذاشته و به پیامبران الهی و دعوت آنها خیانت کردند. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ تحریم ۱۰

برای کسانی که کافر شدند	که در زمرة کفرگویان بُدند
دو تن را مثال آورد کبریا	زن نوح را و زن لوط را
که دست دو تن بودشان اختیار	دو تن بنده نیک پروردگار
خیانت نمودند لیکن زنان	نگشتند از زمرة مؤمنان
توانی بُد آن دو پاکیزه را	رهانند زنها ز قهر خدا
ندا آمد آید اندر سقر	به همراه آن کافران دگر

زن در طول تاریخ هم در ادوار گذشته و عصر جاهلیت و هم در زمان معاصر و عصر جاهلیت مدرن، مورد بی‌اعتنایی و بی‌ارزشی قرار گرفته است. گاه زنان را به هنگام رسیدن به سن بلوغ به عنوان کالا در معرض فروش قرار می‌دادند و یا به هنگام فوت شوهر، برای رهایی روح او از تنهایی، زنش را با جسد شوهر می‌سوزاندند و یا او را زنده زنده در گور با او دفن می‌کردند

در یک کلام زن را انسان نمی‌شمردند و به او ظلم می‌کردند. در عصر جاهلیت مدرن نیز از زن به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف غیر انسانی و غیر اخلاقی بهره می‌برند و آنان را از جایگاه حقیقی خود خارج کرده‌اند

اسلام به عنوان نجاتگر انسان‌ها بزرگ‌ترین خدمت را به زنان دنیا ارائه کرده است و با وضع قوانین و احکام عادلانه مظلومیت و محرومیت زنان را پایان داده است و برای آنها حقوقی شایسته شخصیت حقیقیشان قرار داده و وجود زن را لازمه تکامل جوامع بشری معرفی کرده و از زنان تکالیفی متناسب با وضع روحی و جسمی آنها طلب نموده و احکام و قوانین خاصی را برای آنها وضع کرده است، امری که در هیچ یک از مکاتب و اندیشه‌های غیر اسلامی وجود نداشته است.

با دقت در احکام و اصول دین اسلام این نتیجه حاصل می‌شود که فرق زیادی بین حقوق زن در اسلام و دیگر مکاتب غربی وجود دارد. جنبش‌ها و نظریه‌های غربی همواره سعی نموده‌اند تا با طرح شعارهای دروغین، از وجود و حقوق زن به نفع استعمار جهانی و بهره‌برداری سرمایه‌داری استفاده کنند، اما در احکام و آموزه‌های اسلام، چه در آیات قرآن و چه قوانین دینی و روایات ائمه، هدف ارتقا و احقاق حقوق زنان در جهان بوده است. این قوانین متناسب با فطرت و سرشت زن و بر محور حقوق انسانی تکیه دارد. اسلام با قرار دادن عطوفت و مهربانی بین زن و مرد، نهادی مقدس به نام خانواده را بنیان می‌نهد.

و باعث تحکیم خانواده در اجتماع و رشد ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌گردد. زنی که قبل از اسلام ننگ خانواده محسوب می‌شد و چون دختری به دنیا می‌آمد، طایفه‌ای شرمنده می‌شد و او را زنده به گور می‌کردند، اکنون در جوامع اسلامی به عنصری مهم در رشد و تکامل اجتماع تبدیل شده است.

اسلام با بسیاری از سنت‌ها و آداب غلط مبارزه نمود. تکویر آیه ۸ و ۹: در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند.

وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ . بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟

پرسند ز آن دختران در حضور از آنها که گشتند زنده به گور

که آن بی‌گناه دختران بی‌پناه بکشتیدشان بر کدامین گناه

البته در دنیای به اصطلاح متمدن امروز، این مسئله به شکل دیگری خود را نشان می‌دهد. اسلام نه تنها به حقوق برابر زن با مرد اعتقاد دارد، بلکه در بسیاری موارد زن را برتر و بالاتر شمرده است و برایش حقوقی خاص قائل شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید که زنان را زینت و پوشش مردان قرار داده است و مردان را پوشش زنان. یعنی بین مرد و زن هیچ فرقی وجود ندارد و آنها با هم برابرند. لازمه تکامل شخصیت آنها به هم وابسته است. ترقی و تکامل مرد و زن به وجود و لطف خداوند پیوسته و وابسته است و در این میدان هر کس که بیشتر رعایت تقوای الهی را بنماید، پیش خدا با ارزش‌تر است. تنها تفاوت بین زن و مرد در میزان ایمان، تقوا و پرهیزکاری آنها است. **إِنْ كَرَّمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ**

اسلام و حقوق زنان

اسلام به عنوان مهم‌ترین و بزرگترین مدافع و احیاکننده حقوق جامعه زنان، در اولین گام (و پس از ظهور خود در جامعه جاهلی شبه جزیره عربستان) عملاً بر موضوع زنده به گور کردن دختران، خط بطلان کشیده و در برابر آن ایستادگی کرد و زن را به حقوق و تکالیفش آشنا نموده و در واقع ارزشمندترین حق که همان حق حیات باشد

را به زنان بازگرداند. برخلاف آنچه برخی از معاندان و کینه توزان به اسلام (که همواره در تلاش بر وارونه جلوه دادن آموزه های آن بوده مبنی بر این که اسلام به جنس زن بی توجه بوده و او را انسانی درجه دو محسوب می دارد)

ادعا می کنند نمونه های بسیاری در متن دین و نیز رفتار و به تعبیری سیره عملی معصومین (علیهم السلام) در ارج گذاری به مقام و جایگاه زنان وجود دارد که گویای این حقیقت است که زنان تنها در سایه دین خواهند توانست به حقوق و تکالیف خود به درستی دست یافته و از آنان برخوردار شوند. بعنوان مثال احترام فوق العاده ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به همسرش خدیجه و دخترش فاطمه می گذارد

به گونه ای که دست دخترش را می بوسید و می فرمود: پدرش به فدایش (بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۰) یا این که حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) در داخل خانه مرتباً به همسرش در امور منزل کمک می رساند یا سفارش حضرت به فرزندشان امام حسن (علیه السلام) که: **لاتملک المرأه من الأمر ما یجاوز نفسها فان ذلک أنعم لحالها و أرخی لبالها و أدوم لجمالها فان المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه** (اصول کافی ج ۵ ص ۱۵۰) (فرزندم) چیزی که از توان زن فزون است را (از او) مخواه چرا که این به حالش مناسب تر، برای فکرش راحت تر و برای زیبایی اش بادوام تر است تحقیقا زن گل است نه (یک) قهرمان

این مثال ها و دیگر موارد، همگی نمونه هایی هستند که در راستای تکریم حقیقی جنس زن می باشد که نظیر آن را در هیچ کجای دنیا از قدیم تا به امروز (که ادعای دفاع از حقوق جامعه زنان گوش جهانیان را کر کرده ولی عملاً از آن هیچ خبری نیست) نمی توان یافت.

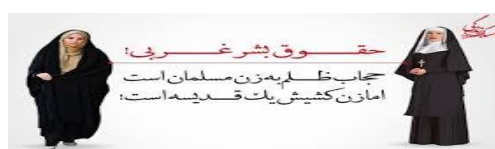
شخصیت زن از دیدگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به زن احترام خاصی قایل بود و مرتباً درباره محبت و مهربانی و مدارای با آنها سفارش می‌کرد، به زنان سلام می‌کرد و مکرر می‌فرمود: من از دنیای شما سه چیز را دوست می‌دارم و آن سه چیز عبارت‌اند از: عطر، زن و نماز که روشنی چشم من است **حب الی من دنیاکم ثلاث: النساء و الطیب و جعلت قره عینی فی الصلاه** ناگفته پیدا است که این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر شهوت و غریزه جنسی نبود، بلکه آن حضرت با ایراد چنین سخنانی می‌خواست زنان را که در نظر اعراب، موجودی بی‌ارزش و در حد یک حیوان بودند، بزرگ جلوه دهد. بدین جهت، زن را در ردیف نماز که امری عبادی و مقدس است، قرار داد و با این تعبیر، زن را به بالاترین مقام ترقی داد.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: بهترین مردان امت من کسی است که نسبت به همسر خود بهترین رفتار را داشته باشد و بهترین زنان امت من کسی است که نسبت به همسر خویش بهترین کردار را داشته باشد. هر زنی که آبستن می‌شود، هر شب و روزی که بر وی می‌گذرد، برابر با هزار شهید، اجر و پاداش دارد.

بهترین زنان امت من زنی است که در آنچه معصیت نباشد، رضای شوهر را به دست آورد و بهترین مردان امت من، مردی است که با خانواده‌اش به لطف و مدارا زندگی کند. چنین مردی هر روزی که بر او بگذرد، اجر صد شهید دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله معیار جوانمردی و فرومایگی انسان را چنین بیان می‌فرماید: جوانمردان، کسانی هستند که زنان را گرامی می‌دارند و فرومایگان نسبت به آنان اهانت می‌نمایند. **ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لئیم.** و در حدیث دیگر می‌فرماید: بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش رفتار نیک داشته باشد. من نیز با خانواده‌ام چنین‌ام **خیرکم خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی**



بخش ۹ : تاریخچه بی‌حجابی و اسرار حجاب

از نظر تاریخی، شکل نوین بی‌حجابی از قرن نوزدهم آغاز شد. پس از رنسانس و انقلاب علمی صنعتی، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، به تدریج زمینه لازم در اروپا فراهم گردید و با وقوع نهضت باصطلاح آزادی زنان! کنار گذاشتن حجاب مورد تشویق و تکریم قرار گرفت؛ به گفته ویل دورانت، فیلسوف تمدن نگار غرب، کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان و حضور آنان در محیط کار، تبلیغات وسیعی را آغاز کردند و زنان نیز که از حقیقت امر ناآگاه بودند، برای دست یافتن به حقوق از دست رفته خویش تلاش فراوان کرده، موجی جدید به وجود آوردند که نهضت زنان برای آزادی نامیده شد و دربارها ضرورت آن تبلیغات وسیعی در مطبوعات انجام گرفت. دامنه این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را نیز فرا گرفت. نخستین کشور اسلامی که به صورت رسمی به کشف حجاب بانوان روی آورد، افغانستان بود. دومین کشور ترکیه بود که پس از سقوط دولت عثمانی، در سال ۱۳۱۳ منع حجاب در آن رسمیت یافت. در ایران نیز رضاخان، در هفدهم دی ماه ۱۳۱۴، به صورت رسمی کشف حجاب را اجرا کرد.

فرهنگ برهنگی، تیزترین سلاح استعمار

تاریخ ۲۰۰، ۳۰۰ ساله استعمار نشان می‌دهد که در هر جا کشورهای غربی موفق شده‌اند سریع‌تر فرهنگ پوشش آن سرزمین را تغییر دهند و به نگاه خود نزدیک سازند، اشغال سرزمینی و منابع آن کشورها بسیار سریع‌تر اتفاق افتاده است. اولین اقدام تغییر فرهنگ الجزایر توسط استعمار فرانسه بی‌حجاب کردن زنان مسلمان بود و هر چه بدن زن الجزایری بیشتر عریان می‌شد، چنگال استعمارگر بیشتر به حلقوم الجزایر فرو می‌رفت. با وجود سرکوب موج اسلام‌گرایی در سطح دنیا، همچنان شاهد گسترش اسلام‌گرایی بویژه در جهان غرب هستیم.

شعار جدید فعالیت‌های بین‌المللی غرب، نفوذ به کشورها از طریق مرزهای فرهنگی است که با استفاده از ابزار فرهنگی، برای شکستن مرزهای جغرافیایی و استثمار کشورها تلاش می‌کنند. تحریف تاریخ توسط شبکه‌های فارسی زبان در همین راستا می‌باشد.

هراس غرب از معنویت حجاب

دشمنان اسلام همواره این موضوع را مطرح می‌کنند که معارف دینی بخصوص حجاب برای زنان مسلمان دست و پا گیر و محدودیت آور است. پیروزی انقلاب اسلامی و حضور زنان محجبه در صحنه‌های مختلف اجتماعی خط بطلانی بر این تفکرات غرب بود ثابت کرد که حجاب مصونیت ست نه محدودیت.

امروزه اگر فردی بخواهد به شبهات ایجاد شده توسط غرب در زمینه حجاب و عفاف پاسخ دهد باید به زنان مسلمان ایرانی نگاه کند.

فعالیت اجتماعی زنان ایرانی ثابت کرد که آموزه‌های دینی و رعایت حجاب مغایرتی با پیشرفت زنان ندارد بلکه می‌تواند با حفظ مصونیت زن به پیشرفت و حضور بیشتر او در عرصه اجتماع بیانجامد.

زنان تمدن مادی غرب برپایه مادیت و دنیاگرایی بنا شده و چون سران و حاکمان آن دیار شیفته قدرت و ثروت و لذت هستند برای رسیدن به این هدف خود نیاز به مردمی مادی و جدای از معنویت دارند .

ریشه‌یابی بدحجابی یا بی‌حجابی در غرب و شرق (تهاجم فرهنگی)

منشای بی‌حجابی و بدحجابی در جوامع گوناگون، متفاوت بوده. بی‌حجابی در غرب که ارمغان صنعتی شدن کشورهای اروپایی است و در واقع با یک نوع صلاح‌دید اقتصادی صورت گرفت. به این معنا که جامعه غرب برای استفاده از کار ارزان و کارآیی بیشتر تصمیم گرفت از زنان که تا آن روز تنها خانواده را اداره می‌کردند و تدابیر عاطفی و

تربیتی داشتند، استفاده کند و آنها را به صحنه اقتصاد راه دهد. چنین زنانی برای استفاده از ماشین‌های صنعتی و کار در کارخانه‌ها و کارگاهها نیاز به آزادی جسمی داشتند و اعضا و جوارح آنها باید آزادانه در خدمت صنعت قرار می‌گرفت. از این رو حجاب را که مانعی بر سر راه فعالیت‌های بدنی خویش می‌دیدند، کنار گذاشتند و تمامی آرمان‌های اعتقادی خود را به پای صنعت ذبح کردند.

مقابله با حجاب در غرب توسعه حجاب با توجه به موج اسلام‌گرایی در کشورهای غربی و شرقی نماد یک انتخاب آگاهانه است. یعنی زنی که در غرب روسری می‌پوشد این پوشش او نشان از یک انتخاب آگاهانه دارد و از طرف دیگر یک نماد مخالفت با رویه حاکم در کشورش بوده. همچنین سیستم‌های امپریالیستی را که تمام ظرفیت‌ها را برای تکثیر افکارشان به کار گرفته‌اند زیر سؤال می‌برد. علت این همه ترس از حجاب یک دختر در کلاس درس این است که حجاب و روسری به یک نماد مبارزاتی برای زنان مسلمان بویژه در جهان غرب تبدیل شده است.

اسلام حجاب را برای آن قرار داد که التذاذهای جنسی فقط به داخل محیط خانوادگی اختصاص یابد و محیط کار فقط مخصوص کارکردن باشد. تنها در این حالت است که زن خیلی ساده و آرام به محیط کار می‌رود، بدون اینکه کسی را تحریک کند و جلب توجه کند.

هجمه دشمنان فرهنگی با محوریت زن صورت می‌گیرد:

تأثیرگذاری زنان در جامعه ایرانی- اسلامی بر هیچ کس پوشیده نیست و هجمه علیه فرهنگ و تمدن ایرانی با محوریت زن صورت می‌گیرد و تلاش دشمنان بر این است که فرهنگ زن مسلمان ایرانی را به دلیل تأثیرگذاری و نقش آن در جامعه تخریب کنند. بعد از انقلاب اسلامی، زنان نقش ویژه‌ای در عرصه‌های مختلف سیاسی، علمی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کردند و لذا این حضور ارزشی زن در عرصه‌های تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، مدیریت کلان در خانه و تربیت نسل جوان باعث نگرانی دشمنان شده

است. دشمنان تلاش می کنند از طریق جنگ نرم و هجمه فرهنگی علیه ایران اسلامی به فرهنگ و تفکر زنان خدشه وارد نمایند الان آنها سعی می کنند از طریق فضای مجازی ماهواره و اینترنت، نماد و الگویی از زن غربی را در جامعه معرفی کنند تا بتوانند توطئه های شکست خورده خود در غرب را بین زنان ما پیاده کنند. تفاوتی که میان اسلام و سیستم های غربی وجود دارد این است اسلام یکنواختی و تساوی حقوق زن و مرد را در نظر گرفته و متناسب با نوع خلقت و آفرینش فطری آنها حقوق متناسبی را بیان کرده است تا به اهداف معنوی، دنیوی و اجتماعی خویش دست یابند .

اما غرب می کوشد تا قوانین و وظایف مشابهی بین زن و مرد به وجود آورد. در حالی که با تنظیم این قوانین به ظاهر مساوی، باعث تضییع حقوق تمامی انسان ها و بر هم خوردن نظم اجتماع می شود. چرا که اختلافات طبیعی این دو را نادیده گرفته است و آگاهی کاملی از خلقت و شخصیت انسان ندارد .

هویت واقعی زن با شعارهای فریبنده ای چون آزادی و دیدگاه های جنسیت گرا مورد تخریب و تخطئه قرار می گیرد. نهایت آنکه زن به عنوان موجودی طفیلی و ابزارگونه معرفی و مطرح می گردد. اسلام در همه موارد حقوق و وظیفه متناسب و هماهنگی بین زن و مرد قائل شده. هدف اسلام ایجاد جامعه ای آرمانی و معنوی است که در آن تمامی انسان ها در حیاتی سعادت مندانه، زمینه های رشد و تعالی اخلاقیات خود و جامعه و دیگر انسان ها را فراهم سازند . لذا تدوین و تنظیم حقوق و قوانینی خاص، برای چنین اجتماعی، آگاهی از تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی بشر و داشتن شناختی کامل از نظام آفرینش و دستگاه هستی است و این مسئله محقق نخواهد شد جز در سایه احکام الهی و دینی ماورائی. در واقع تمام قوانین مربوط به زن در اسلام بر محور رعایت حقوق انسانی او و متناسب با نوع فطرت و خلقت او بوده است . آنچه با نام برابری حقوق در مکاتب غربی مطرح می شود، نمایانگر زیر پا گذاشتن حقوق تمامی انسان هاست عدم شناخت دقیق از انسان و نداشتن جهان

بینی کامل نسبت به جامعه انسانی و جهان هستی باعث گردیده که تمام نظریات و رویکرد هایی که مکاتبی غیر از اسلام مطرح ساخته‌اند به شکست منجر گردد.

اسلام با نگرش مقدس مآبانه و شریفانه به جایگاه و منزلت زن، سعی نموده که نهاد مقدس خانواده و اجتماع بشریت را تحکیم و تقویت نماید. زن نیز همچون مرد در اسلام آزاد است و در انجام یک سلسله وظایف دینی یار و یاور مرد است، زن نیز می‌تواند با رعایت حجاب در اجتماع حضور داشته باشد و با افزایش علم و دانسته های خود بتواند بنیان خانواده را تحکیم بخشیده و در تربیت فرزندان خود و آموزش معارف و احکام دینی به آنان نقش وافر و ارجمندی در تقویت و پیشرفت اجتماع داشته باشد.

اسلام با قرار دادن عطوفت و مهربانی بین زن و مرد، نهاد و پناهگاهی مأمّن و آرام بخش برای فرزندان ایجاد می‌کند. و باعث تحکیم بنیان خانواده در اجتماع و روابط همسران با یکدیگر و با کودکان خود می‌شود. الگوهای چون حضرت زهرا سلام الله علیها در همه زمانها، بهترین الگو برای ما هستند و اگر آن حضرت در زمان ما زندگی می‌کرد بدون شک از امکانات امروز استفاده می‌کردند، درحالیکه همان شخصیت معنوی و اخلاقی ۱۴۰۰ سال قبل را داشتند.

تفاوت پیشرفت و تمدن با بی بند و باری


برخی تصور می‌کنند با تغییر زمان و سبک زندگی، ارزشهای اخلاقی و معنوی نیز تغییر می‌کنند و جای فضایل با رذایل عوض می‌شود؛ در حالیکه آنچه تغییر و تحول پیدا می‌کند، عنصر زمان و مکان و ابزارهایی است که مفاهیم اخلاقی در آن ظهور و بروز پیدا می‌کند. مفاهیمی مانند حق، تقوا، احسان، راستگویی، صبر، حیا، عفت و پاکدامنی همیشه پسندیده و قابل ستایش بوده و باطل، ظلم، دروغگویی، بی‌عفتی و امثال آن در همه زمانها ناپسند است و با فطرت انسان ناسازگار می‌باشد و لذا فضای زندگی، قالبها، امکانات، رنگها، ظواهر مادی، تکنولوژی، زندگی در آسمان خراشها

موجب نمی شود جای عفت را با بی عفتی عوض کنیم، دروغ را زیبا و راستگویی را زشت بدانیم. زندگی اجتماعی زن در چارچوب حجاب و حفظ شخصیت انسانی، رعایت مسائل شرعی و دستورات اسلام، نه تنها موجب محدودیت زن و مانع پیشرفت او نمی شود، بلکه سعادت انسان در دنیا و آخرت را به همراه دارد، پیشرفت با بی بند و باری متفاوت است و حجاب ضمن اینکه زینت زن است، برای او احترام، عزت و امنیت را هم به ارمغان می آورد.

در جامعه ای بی حجاب، استعدادها و ارزش های واقعی زنان، تحت الشعاع ظواهر جسمانی قرار می گیرد و ظواهر جسمانی، ملاک و معیار ارزش و شخصیت آنها می گردد. ظلم بزرگی که دنیای امروز به زنان روا داشته، همین است که به جای توجه به ارزش های واقعی، توجه به ظواهر جسمی او کرده و از این رهگذر او را مورد استفاده های نادرست و ناروا قرار داده است. به این ترتیب زنان بی حجاب، هم در سنگر خانواده و هم در سنگر اجتماع گسست خورده اند و زن بی حجاب در مبارزه اش در راه کسب حقوق اجتماعی خود نیز چیزی به دست نیاورده است.

در جوامعی که حجاب و حفظ گوهر پاک و عفت بانوان یک ارزش محسوب نمی شود زنان در شغل های پست و بی ارزشی مانند هنر پیشگی، خدمتگزاری هتل ها و رستوران ها و سایر اماکن پست کار می کنند و هرگز در مشاغل حساس و مهم جامعه نقشی ندارند و این مشاغل مهم در دست مردان و رجال جامعه قرار می گیرد. در حالی که ارزش زن ایرانی در دانش و علم و دینداری اوست که با حفظ حجاب خود توانسته شغل های مهم و حساس اجتماعی همانند وزارت، وکالت، استادی دانشگاه، نویسندگی و... را به دست بیاورد. آنچه یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می کند، داشتن مردم با اعتقاد و دیندار و پایبند به ارزش های دینی از یک طرف و قشر تحصیلکرده، دانشمند و عالم از طرف دیگر است و شایسته است که به خاطر داشتن چنین انسان هایی در جامعه خود در عرصه جهانی به خود ببالد.

۶ توصیه رهبر انقلاب به بانوان مسلمان اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش کنید که هویت اسلامی را به زن مسلمان برگردانید، نقش زن را از دیدگاه اسلام برجسته و روشن کنید. تربیت انسانی زن بزرگترین خدمت به جوامع انسانی و اسلامی است؛ اگر زنها در صفوف مقدم **حضور خودشان را تقویت** کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد در این هیچ تردیدی نیست.

متوجه **توطئه آمریکا و صهیونیسم** باشید. حضور همراه با ایمان و انگیزه خود را حفظ کنید. به چند روز گفتگو اکتفا نکنید به نشستن دور یکدیگر و این دیدار را مقدمه‌ی یک حرکت بزرگ و ماندگار قرار بدهید. این حرکت بانوان مسلمان، این آشنائی با یکدیگر از سرتاسر دنیای اسلام را مغتنم بشمرید و این را یک پایه‌ای قرار بدهید برای یک حرکت عظیم در میان امت اسلامی. 

حقوق زنان از عدالت تا خیانت تحقیقا دو مفهوم **عدالت و مساوات**، به طور بنیادی از یکدیگر متفاوت و متمایزند چرا که اولی به تعبیر امیرالمومنین (علیه السلام) به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود بوده (نهج البلاغه حکمت ۴۳۷) ولی دومی الزاما این چنین نخواهد بود بلکه در بسیاری از موارد سر از ظلم و بی عدالتی بر می آورد که طبعا مطلوب نمی نماید.

طبق آمارهایی که مراکز پژوهشی غرب اعلام می‌کنند زنان در کشورهای اروپایی همچون فرانسه و آلمان امنیت اجتماعی کافی ندارند به گونه‌ای که در محیط‌های کاری و اجتماعی هر دو دقیقه یک زن مورد بی احترامی و تعرض قرار می‌گیرد ظهور بسیاری از جنبش‌ها و مطالبات مردمی در کشورهای غربی به دلیل ناامنی موجود در این کشورهاست. در کشور ما ممکن است مواردی از بی حرمتی به زنان مشاهده شود اما این موضوع یک رویه نیست در حالی که در کشورهای غربی بی حرمتی و عدم امنیت زنان به یک رویه تبدیل شده است. خشونت در خانه، آزار و تجاوز جنسی در محیط کار تهدیدی برای امنیت زنان در غرب است.

آمار خشونت و تعرض نسبت به زنان و کودکان غربی گواهی بر وضعیت نامناسب امنیت و بالابودن خشونت در این کشورهاست. به طور مثال طبق آمار ۲۵ تا ۳۰ درصد زنان آمریکایی مورد آزار جسمی شوهران خود قرار می‌گیرند.

عده‌ای از افراد در غرب شخصیت و هویت زن را به رذالت کشانده‌اند و از سوی دیگر برخی از مکاتب مانند فمینیسم به اسم دفاع از حقوق زنان قد علم کرده‌اند اما آنها نیز موجب نابودی نهاد خانواده و نقش همسری و مادری شده‌اند. بسیاری از نظریات و رویکردهای سنتی غرب، نگاهی پست و اهریمنی به زن داشته‌اند و نظریات تحقیرآمیز و بدبینی به زن داشته‌اند و این برچسب‌های ناروا و پست به جایگاه زن در اندیشه غرب، تا حدود زیادی ارمغان شوم کلیسا بوده است.

اگر برای زن **مسئولیت‌های مادری و همسری** تعیین شده است این به دلیل **ساختار خلقتی** اوست اما غرب نگاه‌های متفاوت را به زن و مرد لحاظ نمی‌کند در حالی که اسلام زن و مرد را مکمل یکدیگر دانسته و در این صورت است که زنان می‌توانند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حضوری فعال داشته باشند

نخستین وظیفه زن از نظر اسلام کسب آگاهی لازم در جهت رشد ارتقاء خود و خانواده است ایفای نقش همسری و رسیدگی شایسته به همسر و **فرزندان** وظیفه مهم دیگر زن از دیدگاه اسلام بوده به گونه‌ای که در قرآن زن شایسته به عنوان کارگزار خداوند مطرح شده است.

بدحجابی نتیجه فقر است! فقر فرهنگی و فقر ایمان به مبدأ و معاد، منشأ این مفسد است. می‌گویند اینکه زن چه لباسی بپوشد و اینکه حجاب داشته باشد یا نداشته باشد، هیچ اهمیتی ندارد، بلکه مهم آن است که دلش پاک باشد!

اینکه دل باید پاک باشد بهانه‌ای برای گریز جاهلانه از همین مصونیت است و آویختن به شاخه لاقیدی وگرنه از دل پاک هم نباید جز نگاه و رفتار پاک برخیزد.

ظاهر، آینه باطن است و از کوزه همان برون تراود که در اوست. زن، به خاطر ارزش و کرامتی که دارد، باید محفوظ بماند و خود را حراج نکند؛ در بازار سوداگران شهوت، خود را به بهای چند نامه و نگاه و لبخند نفروشد.

زن به خاطر لطافتی که دارد، نباید در دست های خشن کامجویان دیوسیرت که نقاب مهربانی و عشق به چهره دارند، پژمرده شود و پس از آنکه گل عصمتش را چیدند،

نشانه های دل‌های پاک و ناپاک عارفی را به مجلس میهمانی دعوت کردند. عارف وارد منزل شد. دختر صاحبخانه وارد اتاق پذیرایی شد و چای آورده و سلام و تعارف کرد. عارف مشاهده کرد که دختر، حجاب مناسبی ندارد. نگاهی به پدر و مادر دختر که در مجلس حاضر بودند کرد و خطاب به دختر گفت: فرزند عزیزم! شما که ماشاءالله هزار ماشاءالله جوان فهمیده و مؤدبی هستید حجابتان را هم می توانید بهتر کنید! دختر در کنار مادرش نشست و گفت: حاج آقا! دل پاک باشد! پدر و مادر دختر نگاه نافذی به او کردند. عارف افزود: دخترم! نظرت را گفتم و این خیلی خوب است که انسان صادقانه نظراتش را مطرح سازد. اما.. اما دختر گلم از تو می پرسم که از کجا می شود فهمید دلی پاک است یا ناپاک؟ دختر اندکی فکر کرد و گفت: نمی دانم! عارف افزود: پاکی یا ناپاکی دل افراد، از گفتارشان و خصوصاً از رفتارشان معلوم می شود. این ضرب المثل را شنیده ای که گفته اند: از کوزه همان برون تراود که در اوست؟ دختر گفت: بله عارف اظهار داشت.

بنابراین وقتی شما گفتار پسندیده و رفتار شایسته از کسی دیدید، می توانید به پاکی دل و نفس او پی ببرید. اما اگر کسی گفتار ناشایست و رفتار نامناسب داشته باشد، آیا شما او را پاکدل و سلیم النفس می خوانید؟ دختر گفت: نه، زیرا اگر پاکدل بود این پاکی باید در گفتار و رفتارش نمود پیدا می کرد. هر ادعایی باید توسط عمل ثابت شود. عارف گفت: احسنت! چه خوب مسائل را درک می کنی! بنابراین کسانی که ادعا می کنند دل‌های پاک دارند و خدا را دوست دارند اما به فرمانهای او بی اعتنایی می کنند هم

چنین شرایطی دارند. دختر گفت: منظورتان این است که آنها هم باید در گفتار و رفتارشان دوستی و علاقه به خدا را بروز بدهند؟

عارف گفت: همینطور است! خودتان گفتید: ادعا وقتی قابل قبول است که با عمل ثابت شود! دختر اظهار داشت: بله، همینطور است. خداوند در آیه ۳۱ سوره آل عمران فرموده اند: **قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ**

بگو ای پیمبر اگر هم شما	به دل دوست دارید یکتا خدا
اطاعت نمایید از دین من	نیوشید پیوسته از من سخن
مگر دوست گیرد شما را خدا	بخشاید آن کارهای خطا
که بس مهربانست پروردگار	غفورست بر بندگان کردگار

پس از تلاوت آیه نگاه عارف به دختر افتاد که حجاب خود را کاملاً حفظ کرده بود و پدر و مادرش نیز با نگاهی رضایت بخش به او می نگریستند.

جامعه شناختی و بهداشت روانی حجاب

حجاب فضای روانی مناسبی را برای مقاومت در برابر تاثیر شرایطی که از خارج به انحراف دعوت می کند فراهم می سازد و در برابر این فضا به مرد و زن مصونیت درونی می دهد. حجاب به زن می فهماند که باید خود را به عنوان یک انسان معرفی کند و جاذبه های زنانگی خود را از دیده ها پنهان سازد و در برابر به مرد می فهماند که باید زن را به دید یک انسان بنگرد و بدن او را از نظر دور نگه دارد.

اسلام، هم به حجاب معنوی و هم به حجاب ظاهری نظر دارد. زیرا زن را از اشتباه و انحراف اخلاقی و عملی باز می دارد زیرا این حجاب و طبیعت آن توانایی پدید آوردن ایمنی روانی را در برابر همه چیزهایی که زن را به انحراف یا سقوط اخلاقی و غیر اخلاقی تهدید می کند، دارد. البته کنار نهادن حجاب مادی، حجاب معنوی را هم تهدید می کند. باز مشاهده می کنیم که برخی از افراد جاهل این گونه می اندیشند که اگر برهنگی

رواج پیدا کند و عادی شود کم کم مردم به آن عادت می کنند و نسبت به آن بی توجه می شوند. در حالی که این گونه نیست و ما می بینیم برهنگی در جوامع اروپا بیشتر باعث تجاوز به زن ها شده و این مسئله همیشه انسان را به یاد مسائل جنسی می اندازد و تعرض به زنان در این جوامع بیشتر است.

پس چیزی را که خداوند برای انسان قرار داده است هیچ فردی نمی تواند آن را تغییر دهد زیرا خداوند حکیم براساس غرایز افراد آنها را خطاب قرار می دهد. و به این خاطر زنان نباید از دید خود حجاب را نگاه کنند، باید به فطرت و روحیه مردان توجه داشته باشند و روان شناسی آنان را بدانند، برای همین خداوند حکیم این گونه قرار داده است که زن برای آنکه ارزش وجودی اش حفظ شود خودش را مستور کند، تا بدین گونه محافظت شود. بر خلاف نظر برخی از کج اندیشان، هیچ گاه حجاب به معنای سلب آزادی از زن نیست. زیرا اسلام، آزادی را به معنای داشتن اختیار خود و داشتن فعالیت در جامعه می داند که باید این اختیار در چهارچوب دین باشد. ما مشاهده می کنیم که زنان با حجاب در جامعه اسلامی مشغول به کارهای مختلف هستند بدون آنکه آزادی آنان سلب شود. در واقع احکام اسلام جنبه واکنس دارند که در آن کل جامعه در نظر گرفته می شوند.

در زمینه روابط زن و مرد، میزان اثر پذیری مرد از زن بیشتر است و توان اثر گذاری زن از مرد، بیشتر. در جامعه اسلامی به واسطه حجاب، نه تنها زنان، بلکه مردان نیز حفظ می شوند و حجاب مانند حلقه واسطه، هر دو جنس را در جامعه حفظ می کند. در حقیقت حفظ زنان تضمین کننده تقوای جامعه است. شما قضاوت کنید؛ اگر زن و مرد در محیط آموزشی و کاری جداگانه باشند بهتر می توانند کار کنند یا با هم؟ اگر یک مرد در محیط کار خالی از هرگونه محرک باشد بهتر می تواند کار کند یا در محیطی که هر روز با قیافه های مهیج و تحریک کننده روبه رو می شود؟ هر زنی که بیشتر حجابش را رعایت می کرد متوجه می شدند که از خاندان متشخص تری است.

حجاب، اولین نشانه و اولین مظهر بندگی خداست. البته مظهر همه جهات بندگی نیست. اولین گامی که زن در آن نشان می دهد که در حریم بندگی خداست حفظ حجاب است. اصل، بندگی خداست گرچه فقط این زن نیست که مسئول است خودش را بپوشاند بلکه مردان نیز باید چشم های خود را از نگاه کردن به حرام بپوشانند. اسلام به استواری بنیان خانواده توجه عمیقی دارد و با قرار دادن دستوراتی، همواره سعی بر این داشته که بر این استحکام بیفزاید. در جوامع اسلامی طبق ضوابطی که اسلام در زمینه نگاه کردن و معاشرت قرار داده است هر مردی به تنها کسی که می تواند نگاه کند و یا توجه نماید، همسر شرعی اوست. زیرا اگر او یک فرد ساخته شده در مکتبش باشد، مقایسه زن دیگری با همسر خودش را حرام می داند. خلاف فردی که به ضوابط اسلامی مقید نیست .

مسلم هر روز کسی پیدا می شود که از همسر خودش صدایش بهتر، لباسش قشنگ تر، هیكلش متناسب تر، خنده اش وسوسه انگیزتر باشد و این مطلب خود بیانگر لزوم رعایت حجاب برای حفظ استحکام بنیان خانواده ها است. جدای از تمامی این مسائل، اصل حجاب به خاطر ارزش وجودی خود زن می باشد،

امام خمینی (ع): زن مظهر تحقق آمال بشر است، زن پرورش ده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن، مرد به معراج می رود. در نظام اسلامی زن به عنوان یک انسان می تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء که خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند.

آنها که زن را می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جدال های فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زن ها نباید گول بخورند. زن ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود یا سریاز و لخت. این مقام زن نیست، این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد، زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند.

درسی که مرحوم کافی به یک بی‌حجاب داد

آقای کافی نقل می‌کردند: داشتیم می‌رفتم قم، ماشین نبود، ماشین‌های شیراز رو سوار شدیم. یه خانمی هم جلوی ما نشسته بود، (اون موقع هم که روسری سرشون نمی‌کردن!) هی دقیقه‌ای یک‌بار موهاشو تکون می‌داد و سرشو تکون می‌داد و موهاش می‌خورد تو صورت من. هی بلند می‌شد می‌شست، هی سر و صدا می‌کرد.

می‌خواست یه جوری جلب توجه عمومی کنه. برگشت، یه مرتبه نگاه کرد به من و خانمم که کنار دست من نشسته (خب چادر سرش بود و پوشیه هم زده بود به صورتش) گفت: آقا اون بقچه چیه گذاشتی کنارت؟ بردار یکی بشینه. نگاه کردم دیدم به خانم ما می‌گه بقچه! گفتم: این خانم ماست.

گفت: پس چرا این طوری پیچیدیش؟ همه خندیدند. گفتم: خدایا کمکمون کن نذار مضحکه اینا بشیم. یهو یه چیزی به ذهنم رسید. بلند گفتم: آقای راننده! زد رو ترمز. گفتم: این چیه بغل ماشینت؟

گفت: آقاجون، ماشینه! ماشین هم ندیدی تو، آخوند؟! گفتم: چرا؟! دیدم. ولی این چیه روش کشیدن؟ گفت: چادره روش کشیدن دیگه! گفتم: خب، چرا چادر روش کشیده؟ گفت: من باید تا شیراز گاز و ترمز کنم، چه می‌دونم! چادر کشیدن کسی سیخونکش نکنن، انگولکش نکنن، خط نندازن روشو...

گفتم: خب، چرا شما نمی‌کشی رو ماشینت؟ گفت: حاجی جون بشین تو رو قرآن. این ماشین عمومیه! کسی چادر روش نمی‌کشه! اون خصوصیه روش چادر کشیدن! منم زدم رو شونه شوهر این زنه گفتم: این خصوصیه، ما روش چادر کشیدیم.

خانواده به عنوان اصلی‌ترین پایگاه‌های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، اساسی‌ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری بر عهده دارد، بخش قابل توجهی از شکل‌گیری شخصیت، تبلور رفتارهای اجتماعی، تعاملات بین فردی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها حاصل چگونگی بازخوردها، بینش‌ها و تجارب آنان در زندگی خانوادگی است.

خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در تاریخ بشر بوده. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی‌اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دورشدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. نهادهای اجتماعی زیادی در اطراف ما وجود دارد مثل اداره، مدرسه و ... ولی کوچکترین نهاد اجتماعی خانواده است

این کوچکترین نهاد، محبوب‌ترین نهاد در نزد خداست. امام صادق (علیه السلام) از پیامبر نقل می‌کند: در اسلام هیچ چیزی محبوب‌تر از خانه‌ای که با ازدواج آباد می‌شود نیست و هیچ چیز بیشتر خشم خدا را در نمی‌آورد از خانه‌ای که به وسیله‌ی طلاق خراب بشود. اسلام، اهل بیت پیامبر را به عنوان نمونه‌ای کامل از خانواده برتر معرفی و صلاحیت‌الگویی آن را برای جهانیان امضا کرده است. خداوند سبحان این خانواده را از هرگونه رجس و پلیدی مبرا دانسته. آیه **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (احزاب ۲۳)، خطاب به همین خانواده است.

بخواهد کند دور رجس و گناه

که از اهل بیت نبوت، اله

کند پاک و تطهیر از هر بدی

شما را ز هر عیب سازد بری

آیه مباحله (آل عمران ۶۱) در باره اعضای این خانواده وارد شده و عظمت مقامات معنوی و عرفانی آنان را به نمایش گذاشته **فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ.**

بگو پس بیایید تا این زمان همه گرد آئیم در یک مکان

به همراه انفس و اطفال و زن تباهل نمایم ای انجمن

زندگی امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) سراسر الگوست. همسر داری علی (علیه السلام)، مدیریت او در خانه و خانواده، شوهرداری فاطمه (سلام الله علیها)، خانه داری و تربیت فرزند او در عالم نظیر ندارد و تا قیامت برای جهانیان اسوه خواهد بود.

مهمترین **محورهای خانواده از منظر اسلام** عبارتند از:

اصالت خانوادگی: اولین ویژگی خانواده برتر در اسلام، اصالت خانوادگی و اصل و نسب پاکیزه است. اصلاّب ارزشمند پدران و دامنهای مطهر و پاک مادران که به هیچ گونه پلیدی آلوده نشده اند، چنان که در زیارتنامه امام حسین علیه السلام می خوانیم: **أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ** شهادت می دهم که تو از گوهرهای پاک و از ارحام مطهری. جاهلیت به ناپاکیهای شما را آلوده ساخت و لباسهای ناپاک خود را براندام شما نپوشاند. این ویژگی آنچنان مهم است که امام حسین علیه السلام در جریان نهضت کربلا و دست بیعت ندادن با یزید به آن استفاده می کند و من با یزید بیعت کنم، بلکه دامنهای پاک و منزهی که من در آن پرورش یافته ام به من چنین اجازه ای نمی دهند.

دین و ایمان: خانواده ای برتر است که هر کدام از ارکان آن از ویژگی دین و ایمان و اعتقادات ناب برخوردار باشد. در آموزه های اسلامی برای گزینش همسر شایسته بر ویژگی دین و ایمان بسیار تاکید شده. در اسلام، بعد از ایمان به در خانواده برتر، زن و شوهر هر دو از عقیده و ایمانی خالص برخوردارند.

چنانکه در مورد حضرت علی و فاطمه علیهما السلام این گونه است. اگر ایمان جن و انس را روی هم بگذارند به اندازه ایمان علی علیه السلام نمی رسد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ایمان دخترش فرمود: همانا خداوند تمام وجود دخترم فاطمه را از ایمان و یقین لبریز کرده است.

تقوا: قرآن کریم، تقوا را معیار برتری معرفی کرده و کسانی را که از خدا پروای بیشتری دارند گرامی تر می‌شمارد. **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ** (حجرات ۱۳). بر همین اساس هر خانواده ای که در رعایت تقوای الهی پیشتازتر باشد از لحاظ الگویی، برتر شمرده می شود. در خانواده برتر زن و شوهر متقی و خداترس هستند. حد و مرزهای الهی را مراعات می کنند. اسلام در تشکیل خانواده بر این ویژگی تاکید کرده است و مردی را شایسته همسری می داند که پارسا باشد و از گناهانی مانند زنا، شرابخواری و گناهان علنی دوری کند.

شخصی درباره ازدواج دخترش با امام حسن علیه السلام: دخترت را به ازدواج مردی باتقوا درآور؛ چرا که او اگر دخترت را دوست بدارد، احترامش می گذارد و اگر به او علاقه نداشته باشد به او ستم می کند.

صبر و شکر: در خانواده برتر هیچ کدام از زن و شوهر در برابر سختیهای زندگی جزع و بی تابی نمی کنند. آنها ناملايمات زندگی را هدیه های خدا بر خویش می شمارند، در وقت دارایی خدا را سپاس می گویند و هنگام نداری و فقر صبوری می کنند.

تربیت افرادی صالح: فرزندان خانواده برتر نمونه کاملی از تربیت شدگان مکتبی اند. بهترین شیوه تربیتی را در خانواده برتر می توان سراغ گرفت. فرزندان در چنین خانواده ای از اوان کودکی تربیت دینی و اخلاقی می شوند. راه و رسم خوب زیستن را می آموزند. با شخصیت و عزتمند بار می آیند و انسانی صالح می شوند و قدم به عرصه اجتماع می گذارند و منشا آثار و برکات فراوان می شوند.

با توجه به اینکه اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از نظر اسلام برترین خانواده شمرده می شوند از تمام ویژگیهای ارزشی و استناداردهای مکتبی به صورتی کامل برخوردارند، باید این خانواده برای همگان الگو قرار گیرند و ویژگیهای آن به عنوان نوک قله و اوج ارزشهای اسلامی مورد توجه باشد

ریشه های تربیت دینی در خانواده بررسی اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نشان می دهد که مهمترین نیازهای هر جامعه الهی، تربیت افراد متدینی است که با اتکا به نیروی ایمان، اراده، تعقل و منطقی بیندیشند و به جای وابستگی استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران خود مولد دانش و فناوری برای زندگی مستقل در عصر ایمان باشند.

مفهوم «تربیت دینی» در ارتباط با سه محور شناخت، ایمان و عمل قابل تحقق است. این سه عنصر در تربیت دینی هر کس، نقش اساسی دارد و مربی بر همین اساس باید عمل تربیت دینی را اجرا کند.

«تربیت دینی» فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می گیرد. تربیت دارای دو نقش مهم آموزش و پرورش است که در یکی اهتمام به آموزش فنون، مهارت ها و توانایی های لازم برای رفع نیازهای جامعه است و در دیگری پرورش حسّ دینی و مذهبی کودک که به صورت فطری در نهاد او به ودیعت گزارده شده، مورد توجه است. بررسی همه ابعاد تربیت به لحاظ نقش اساسی آنها در زندگی انسان لازم است.

بر اساس آیات و روایات اسلامی، سرپرست خانواده، اعم از پدر و مادر و یا افراد دیگر، نسبت به تربیت دینی فرزندان و دیگر زیر دستان خود، مسئولیت سنگینی دارد. به همین دلیل، خدای متعال در این زمینه، خطاب به مؤمنان از پیامدهای اخروی آن

خبر داده، به آنان هشدار می دهد: ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، نگه دارید. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (تحریم ۶)**

الا مؤمنان به یکتا خدا **چه خود را و چه اهل بیت و سرا**

بدارید از آتش داغ دور **مبادا بیابید آنجا حضور**

نگهداری خویشتن از طریق ترک معاصی و تسلیم نشدن در برابر شهوات سرکش میسور است، نگهداری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و عملی حاصل می شود.

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در پاسخ به سئوالی در این زمینه، که چگونه انسان می تواند اهل و فرزندان را از آتش (اعم از آتش دنیا و آخرت) نجات دهد؛ فرمودند: آنها را به آنچه خدا دستور داده امر و از آنچه نهی کرده باز دارید. اگر پذیرفتند آنان را از آتش جهنم حفظ کرده اید و اگر قبول نکردند به وظیفه خود عمل نموده اید.

خدمت به خانواده و همسر در آموزه های دینی

بر طبق آموزه های قرآنی ملاک در بهترین ها، داشتن **تقوا** است که در شکل اخلاق نیک و خوش، خودنمایی می کند، کسی که بتواند در خانه، اهل تقوا باشد و خوشخویی را به نمایش بگذارد، بهترین مردمان است.

خانواده، آشیانه عشق و محبت در آیات قرآنی همانطور که از واژه های چون **بیت، دار، حجره، ذات العماد و اکنان** برای بیان خانه استفاده شده، واژه **مساکن** نیز به کار رفته است، چرا که هدف از خانه و خانواده، رسیدن به همان چیزی است که از آن به خوشبختی یاد می شود. خداوند پس از آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) و همسرش، به آنان فرمان می دهد تا در بهشت نخستین، سکونت یابند اعراف ۱۹

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا بقره ۳۵

به آدم بگفتیم «ای خوش سرشت» تو با جفت خود باش اندر بهشت

ز هر نعمتی چون بخواهید خواست در آنجا مهیاست بی کم و کاست

پس انسان در خانه و در میان خانواده به سکونت و آرامش می‌رسد و مودت و دوستی و محبت، این آرامش را میان زن و شوهر پدید می‌آورد و سکونت واقعی را تحقق می‌بخشد. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم ۲۱)

وز آیات دیگر که بایست گفت یکی اینکه خلقت نمودست جفت

که با هم بگیرید انس و کنار شود بینتان دوستی برقرار

کسانی که هستند اهل خرد بر این گفته نهند انگشت رد

در آیات قرآنی بارها واژه سکن و مشتقات آن برای سکونت انسانها در زمین و دستیابی به آرامش بیان شده رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم (ابراهیم ۳۷) و (اعراف ۱۶۱ اسراء ۱۰۴ مومنون ۱۸ طلاق ۶)

خدایا چو از اهل بیتم چنین نهادم تنی چند در این زمین

زمینی که خشک است و بی آب و کشت چنین گشته این خانه را سرنوشت

پس خانه، محل آرامش از جانب خداوند است و بندگان باید بر این نعمت، خداوند را شکر و سپاس گویند وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ خدایا برای شما خانه‌هایتان را مایه آرامش قرار داد (نحل ۸۰ و ۸۱)

بسی خانه‌ها داد یکتا خدا که مأوا گزینید در آن سرا

جایگاه مذهب در استحکام خانواده

بسیاری از علما و فلاسفه اعتقاد دارند که تنها چیزی که می‌تواند مانع خواهش‌های نفسانی گردد قدرت و نیروی ایمان و اعتقادات مذهبی است. افراد متدین در مقابل مشکلات و حوادث نمی‌هراسند و با اراده‌ای قوی و شجاعت زیاد صبر و شکیبایی و تحمل را پیشه نموده، با علم و ایمان به حل مشکل می‌پردازند. قرآن کریم: هرکس از توجه و یاد من روی برگرداند زندگی تنگ و پر از فشار خواهد داشت وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه ۱۲۴)

هرآن کس ز یادم کند احتراز
نگردد به رویش در رزق باز
چو محشور گردد به پیش خدا
بود دیده اش کور، روز جزا

نتیجه آنکه در فرایند رشد و تربیت انسان عواملی نظیر: وراثت، خانواده، محیط و اختیار و اراده انسان مؤثر هستند، بدون شک خانواده و محیط نقش بسزایی در تربیت دینی و استحکام یا تزلزل اعتقادی دارند.

راه حل های تقویت استحکام خانواده

هرقدر ارکان تشکیل دهنده خانواده با آن استانداردها منطبق باشند به همان مقدار از شایستگی، برتری و استحکام برخوردار خواهند بود. مناسبات و روابطی منطبق با آموزه های دینی بر آنها حاکم باشد، خروجی آن انسانهایی شایسته و موثر در ساخته شدن جامعه ایده آل اسلامی باشد و اما ملاک برتری، از نظر اسلام، مال و ثروت و مانند آن نیست که کسی به آنها ببالد. برتری خانواده به انطباق آن با استانداردهای اسلامی و برخورداری از ویژگیهای ارزشی و فضیلت هاست. پاره ای از این فضیلت ها که موجب سلامت و استحکام خانواده می شود. عوامل درشت و ریز در خانواده هستند که می‌توانند در استحکام آن اثر بگذارند.

رعایت و پایبندی به موازین شرعی: زندگی ایده‌آل در عبودیت و بندگی خداوند است و عبودیت اطاعت کامل از امر و نهی و دستورات الهی و عمل کردن به آنها است که موفقیت در کسب زندگی ایده‌آل را در پی خواهد داشت.

انجام واجبات و ترک محرّمات، رعایت حلال و حرام و پیروی از الگوهای دینی و همچنین توکل به خدای بزرگ و توسل به انبیاء و اولیای الهی سبب تحکیم بنیاد خانواده می‌شود.

قناعت: یکی از خصایص بارزی که می‌تواند احساس رضایتمندی را در کانون خانواده حاکم کند، قناعت است. قناعت در زندگی انسان را نسبت به مسائلی که در زندگی از آنها بهره‌مند نیست، آرام می‌کند و حس رضایتمندی در انسان تقویت می‌شود که این امر ابتدای موفقیت است.

ساده زیستی: ساده زیستی و زهد یکی از فضایل اخلاقی است که مورد تشویق و ترغیب آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است. چنانچه در معنای زهد و ساده زیستی گفته اند ضد محبت دنیا و مال را زهد گویند و آن عبارت است از دل برداشتن از دنیا و آستین فشاندن بر آن و اکتفاء کردن به قدر ضرورت از برای حفظ بدن که تجلی عملی آن در زندگی ساده زیستی و قناعت خواهد بود.

عفو و گذشت: هر زن و شوهری طبعاً در زندگی خود دچار خطاها و لغزش‌هایی می‌شوند چرا که انسان جایز الخطا است و به غیر از چهارده معصوم (علیهم السلام) کسی را نمی‌توان مصون از اشتباه و لغزش دانست. به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید **وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ**

که با مردمان صلح پیشه کنند

ببخشد شما را سرانجام کار

نکویان بمانند همت بلند

نخواهید آیا که پروردگار

یکی از علل مهم اختلافات خانوادگی عدم تحمل و کم صبری زن و شوهر نسبت به یکدیگر است

نادیده گرفتن مسائل کوچک: مسائل کوچک می توانند در نهایت به اختلافاتی چاره ناپذیر تبدیل شوند. همیشه دو نفر با تمام نیرو برای غلبه بر مشکلات اصلی تلاش می کنند، ولی سرانجام مشکلات کوچک آنان را مغلوب می سازد؛ چیزهای بی اهمیتی که فرصت وخیم تر شدن یافته است.

اظهار علاقه و ابراز محبت: زوج جوانی که با هم پیمان زناشویی می بندند، معمولاً بر مبنای علاقه درونی و عشق پاکی است که به یکدیگر دارند. اما آنچه که در اسلام تاکید شده، بنیان خانواده را تقویت می کند و محبت و الفت را میان زوج جوان افزایش می دهد، اظهار و ابراز آن است. امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه شخصی را دوست داشتی، دوستی خود را به او اعلام کن، زیرا این عمل انس و الفت را بین شما پایدارتر می کند.

خانواده در اندیشه مقام معظم رهبری

جامعه اسلامی و خانواده: در محیط اسلامی، زن و شوهر با هم هستند، متعلق به هم هستند، در مقابل هم مسئول هستند، در مقابل فرزندان مسئول هستند و در برابر محیط خانواده مسئولند. در محیط های اسلامی، کانون خانواده چنان مستحکم و پابرجاست که گاهی پس از دو نسل نیز هنوز پدر بزرگ و پدر و نوه در یک خانه با هم زندگی می کنند. در جوامع اسلامی، یعنی جوامع دیندار و خداپسند که دو نفر آدم برای مدت طولانی با هم زندگی می کنند و هیچ گاه از هم سیر نمی شوند، بلکه دلبستگی شان و انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می شود؛ این، همان خاصیت دینداری و مذهبی بودن و خواسته های خدایی را رعایت کردن است.

نهاد خانواده محبوب ترین بناها در پیشگاه خداوند به شمار می آید. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل میدهد. این دین الهی به عنوان برترین دین برای سعادت و سلامت دنیوی و اخروی انسانها، برنامه‌هایی را قرار داده که تشکیل خانواده از مهمترین آنهاست و در این برنامه‌ها، نیازهای طبیعی انسان و شرایط اجتماعی او در همه ابعاد در نظر گرفته شده بطوری که افراد تشکیل دهنده خانواده نسبت به هم مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند.

از دید اسلام اساس زندگی خانوادگی بر **محبت و عشق** بنا شده است، از نظر تعالیم اسلام، نکاح عقدی است که براساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در اثر آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند و مکتب انسان ساز اسلام از قدیم درباره اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده سخن گفته است

ازدواج اولین گامی است که انسان از خودپرستی و خود دوستی به سوی دیگر دوستی بر می دارد و اگر تا پیش از ازدواج تنها یک **من** وجود داشت و همه چیز برای **من** بود با انعقاد عقد نکاح این **ما** می شود.

در اکثر جوامع بشری ملاک انتخاب مرد برای ازدواج، معمولاً در درجه اول قدرت اقتصادی و در درجات بعدی صورت ظاهری اوست و در انتخاب زن، زیبایی و گاهی وضعیت اجتماعی یا اقتصادی مد نظر قرار می گیرد اما اسلام با این ملاک ها مخالف است، زیرا این ملاک‌ها صرفاً مادی و بی دوام و کوتاه مدت بوده و ارزش حقیقی محسوب نمیشوند. از نظر اسلام مهمترین وظیفه مرد در قبال خانواده، تهیه وسایل معیشت برای اعضای خانواده است. زن نیز موظف به اداره کانون خانواده و ایجاد گرمی، آرامش و تربیت فرزندان است.

ازدواج از دیدگاه قرآن

قرآن، کتاب هدایت و سعادت بشری و منبع شایسته‌ای برای درک مفاهیم و مسایل ازدواج است. بر خلاف دیگر کتاب‌های مقدس که رهبانیت و مجرد را مقدس می‌شمارند یا آزادی و بی‌بند و باری در اخلاق جنسی را پیشنهاد می‌کنند، قرآن راه میانه را برگزیده است. هرگاه در جامعه‌ای، انسانیتی برای زن فرض نشود و تنها مانند کالای قابل خرید و فروش بدان بنگرند، می‌توان حدس زد که جایگاه ازدواج در آن جامعه چگونه خواهد بود.

ایمان، شرط اساسی همسر وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعَجَبْتُكُمْ؛ [بقره، ۲۲۱]

مگیرید از مشرکان هیچ زن
همانا کنیزی که مؤمن شود
مگر آنکه گردند مؤمن به من
از آن به، که آزاد و مشرک بود

این آیه، یکی از شرایط ازدواج، یعنی همتای دینی همسر را بیان می‌کند. زن مشرک همتای مرد مسلمان نیست. بنابراین، شایستگی ازدواج با یک مؤمن را ندارد و بر عکس، این آیه نشان می‌دهد که **ایمان** از معیارهای بسیار مهم در همسرگزینی است.

خوش رفتاری با همسر عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا در زندگی با زنان خود، با انصاف و خوش رفتار باشید و چنانکه زن دلپسند شما نباشد، چه بسا بسیار چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن، خیر بسیار برای شما مقدر فرموده [نساء، ۱۹] این آیه یک اصل آسمانی قرآن برای زندگی اجتماعی زن می‌باشد [المیزان ج ۸، ص ۷۵] در برخی اقوام و ملت‌ها، مردان حق داشتند زنان خود را به راحتی بکشند و با او مانند حیوان رفتار می‌کردند. در این جا می‌بینیم که **قرآن با منطق بسیار زیبا، زن را لازمه مرد و مکمل**

او معرفی می‌کند

از این رو، به او دستور می‌دهد که با همسر خود با انصاف و کرداری خوش، رفتار کند و از ستمکاری در حق او بپرهیزد. حتی گوشزد می‌کند که اگر خوشتان نیامد، او را مانند کالایی به بیرون پرتاب نکنید، بلکه تا آنجا که ممکن است اندیشه جدایی و طلاق را به خود راه ندهید. این بدان دلیل است که انسان همواره دچار حب و بغض‌هایی می‌شود. شاید اگر بردبار باشید و بر اساس رفتار اسلامی با او رفتار کنید، حقایق آشکار شود و به اشتباه خود پی ببرید. دیدگاه قرآن درباره ازدواج و گزینش همسر، دیدگاهی مهربانانه و همراه با رحمت و محبت است و ازدواج را تنها خرید یک کالا نمی‌داند که هرگاه شوهر نخواست، بتواند آن را پس بدهد.

ازدواج، سنت الهی ازدواج پیوندی مقدس و از سنت‌های الهی و اسلامی است. اسلام ازدواج را زینده‌ترین و دوست داشتنی‌ترین بنیادی می‌داند که در جهان ساخته می‌شود؛ چرا که زن و مرد یار و مددکار هم و دو بال پرواز در آسمان ملکوت و معنویت هستند که خود و جامعه را به سمت تعالی بالا می‌برند.

خانواده، سلول بنیادین جامعه و پایه سعادت بشریت است. از نظر آموزه‌های قرآنی و اسلامی، زوجیت در جهان از سنت‌ها و قوانین حاکم است، به گونه‌ای که تخطی از آن برای انسانی که دارای اراده و اختیار و آزادی است، می‌تواند مشکلات بزرگ روحی و جسمی ایجاد کند و فساد و تباهی را در زمین گسترش دهد.

خداوند هستی را بر زوجیت بنیاد نهاده تا یکتایی و یگانگی‌اش همواره در نظر آید. هیچ موجودی را در جهان نمی‌توان یافت که از قانون و سنت الهی جفت داشتن بیرون باشد. در آیه ۴۹ ذاریات درباره جفت داشتن همه موجودات هستی می‌فرماید: **و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون**؛ از هر چیزی جفتی آفریدیم تا متذکر شوید.

کلمه «زوجین» به معنای زن و شوهر. زمین و آسمان، شب و روز، خشکی و دریا، و انس و جن. بسیاری از مفسران، زوجین را در این آیه همانند آیات دیگر چون آیه

وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى (۴۵ نجم)

خدا آدمی را چو می آفرید نر و ماده ز آغاز کردی پدید

وَ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى (۳۹ قیامت) همان نر و ماده دانسته‌اند.

دو جنسش یگانه خدا آفرید یکی نریکی ماده آمد پدید

هر چند که بعضی نیز با توجه به این که برخی از موجودات نر و ماده ندارند، به معنای همان تقابل دانسته‌اند (نباء ۸) خداوند بیان می‌کند که برای آدم (علیه السلام) جفت و زوج آفرید و آن دو با هم در بهشت نخست سکونت یافتند وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا

فلسفه ازدواج خداوند با بیان آثار و فلسفه ازدواج بر آن است تا مردم را به تشکیل خانواده و زوجیت پایدار تشویق کند. از این رو در آیات قرآنی به بیان آثار و برکات ازدواج پرداخته و فلسفه و اهداف آن را ذکر می‌کند. از جمله فلسفه و آثار ازدواج را می‌توان به اهدافی چون رسیدن به الفت، محبت، مودت، آرامش و سکونت روحی و عاطفی وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً (روم ۲۱)، بقا و تکثیر نسل بشر فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ (شوری ۱۱)،

خدا خالق ارض و هفت آسمان از اویست پست و بلند جهان

برای شما داده پروردگار هم از جنس خود جفتهائی قرار

همه چارپایان چو کردی پدید ز حکمت همین گونه جفت آفرید

که با این چنین حکمتی کردگار شما خلقها را کند بی شمار

برطرف کردن نیازهای یکدیگر و پوشاندن معایب و پیش‌گیری از گناه وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور ۳۲)

ندارند زوجی و درمانده اند	کسانی که تنها و تک مانده اند
که دارند از کار ناراست باك	غلامان صالح کنیزان پاك
که این کار باشد شما را صلاح	ببندید در بین ایشان نکاح
ز فضلش کند بی نیاز آن دو یار	نترسند از فقر چون کردگار
بود آگه از بندگانش خدا	که لطف خدا هست بی انتها

و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند و برجسته کردن فضایل و نیز رسیدن به آسایش و رفاه مالی از طریق توسعه در رزق و فضل الهی (نور ۳۲) و مانند آن (نساء ۲۵) اشاره کرد.

تشکیل خانواده در سایه آموزه های قرآنی

انتخاب همسر در قرآن کریم بر حول دو محور مهم و اساسی استوار است، یکی **آگاهانه بودن** امر همسرگزینی و دیگری داشتن **عشق، محبت و مودت بین دو طرف** است. در اسلام با زیبایی فرد طرف مقابل ازدواج مخالفت نشده است، اما از ملاک های اصلی همسرگزینی به حساب نیامده و بیشتر به مهربانی و اخلاق سالم تأکید شده است.

مهم ترین مولفه برای انتخاب همسر از نگاه قرآن، انتخاب فردی **صالح و مومن** است و رعایت حق و حقوق زوجین و همکاری میان زن و مرد نیز از دیگر مواردی است که افراد در انتخاب همسر باید به آن توجه داشته باشند. از نظر قرآن کریم مرد و زن در کنار هم به سعادت و کمال واقعی می رسند و لازمه خوشبختی و سعادت مردان و زنان ازدواج، تعامل و همکاری میانشان است، که در این زمینه سفارش زیادی به جوانان برای ازدواج و انتخاب همسر مناسب شده . دختران و پسران جوان باید همسری را انتخاب کنند که در اکثر موارد توافق و تفاهم داشته باشد و این مقوله از تأکیدات دین و مذهب ماست .

کسانی که در امر همسرگزینی از دستورات قرآن کریم، پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) پیروی کنند، زندگی‌های موفق‌تری را شروع خواهند کرد. اگر دین را در عرصه جامعه مورد توجه قرار دهیم خواهیم دید که افراد در مناسبت‌های مذهبی کمتر به هنجار شکنی روی می‌آورند و اگر جوانان نیز در انتخاب همسر با رویکردی دینی و با توجه به آموزه‌های قرآنی اقدام کنند در این راه با شکست مواجه نمی‌شوند.

در مجموع دین بویژه دین اسلام نقش بازدارنده در آسیب‌های اجتماعی دارد و یکی از آسیب‌های اجتماعی که بیشتر جوامع با آن دست به گریبان هستند، عدم صحیح‌گزینش همسر و مشکلات پس از آن است که اگر این عمل همراه با معنویت و اعتقادی مذهبی انجام شود، بسیاری از معضلات جامعه برطرف خواهد شد.

در دنیای امروز ذهنیت مادی بر جوامع حاکم و معنویت کم رنگ شده و فخرفروشی، اسراف و تبذیر در جوامع بشری گسترش پیدا کرده و جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و این مسئله باعث شده جوانان در امر همسرگزینی ملاک‌های مادی را در اولویت قرار دهند و به معنویت کمتر توجه کنند. این مسئله باعث شده ازدواج و همسرگزینی در جامعه ما بسیار سخت شود و جوانان نتوانند به راحتی ازدواج کنند و همین امر نیز باعث بالا رفتن سن ازدواج شده است.

قرآن کریم، در آیه‌های مختلفی مهم‌ترین مسئله در انتخاب همسر، ایمان، اعتقاد و باورهای دینی بوده و داشتن تفاهم، همفکری و همدلی نیز در مرحله بعدی قرار دارد، همچنین همتراز بودن در زمینه‌های مالی نیز از دیگر معیارهایی است که مردان و زنان در انتخاب همسر باید ملاک قرار دهند البته زیبایی، جمال و خصوصیات اخلاقی از دیگر مولفه‌هایی است که در مراحل بعدی باید مورد توجه قرار گیرد. اگر ما طبق دستورات قرآن کریم و بزرگان دین اسلام زندگی کنیم، خواهیم دید که زندگی ما بسیار به روز، متکامل و پیشرفته خواهد بود و در مسیر رشد و شکوفایی قرار خواهد گرفت. بسیاری از مشکلات زندگی روزمره ما از نا آگاهی و عدم اطلاع از مبانی قرآنی است و

همین امر در همسرگزینی و تشکیل خانواده ما را از اصول اساسی اسلام دور کرده .
مهمترین غفلتی که در امر ازدواج در جامعه رواج پیدا کرده این است که ما وعده‌های
الهی را از یاد برده‌ایم و گشایش‌های مورد نظر خدا را فراموش کرده‌ایم و همین عامل
باعث عقب افتادن ازدواج جوانان شده است

اصل کفویت یک اصل اساسی در ازدواج مسأله «کفویت» یا همان «همتایی» و
برابری با یکدیگر است. چون اصلی ترین مسأله که در ازدواج موجب آرامش آدمی
می‌شود، اصل همتایی است و مهم ترین و اصلی ترین مسأله در کفویت، ایمان است
چون مؤمن کفو مؤمن است. به عبارت دیگر، کفویت همسنگی در ویژگی‌های فرهنگی
اجتماعی و اقتصادی است و رعایت اعتدال، رشد و تکامل معنوی و اخلاقی را در پی
دارد. اما چنانچه در زندگی روزمره شما مسائل مادی مؤثر است باید حتماً به کفویت
اقتصادی دو خانواده توجه کنید.

گاه خانواده‌های مؤمنی را می‌بینیم که در حد معمولی ایمان دارند و به معنای متعارف
مؤمنند و پس از ازدواج با مشکلاتی مواجه می‌شوند. تنها علت این عدم موفقیت،
اختلاف طبقاتی یا اختلاف اقتصادی یا اختلاف فرهنگی است. در ازدواج باید به دو
منظر توجه داشته باشیم یعنی یک چشم به آنچه هست داشته باشیم و یک چشم
به آنچه آرزوی آن را داریم. نهایت آنکه کفو شما کسی است که شما با او احساس
آرامش می‌کنید.

انتخاب همسر مناسب و هم شأن نخستین گام در ازدواج آن است که انسان
همسری مناسب و هم شأن با خود را برگزیند که بتواند مکمل او باشد و نواقص او را
برطرف کند و همانند لباسی باشد که هم عیوب و نواقص او را می‌پوشاند و هم با
کمالات خود، بر کمالات او می‌افزاید. خداوند در قرآن در بیان فواید لباس می‌فرماید
که لباس عیب پوش و زیبا آفرین است. **يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي
سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ**

یگانه خداوند ناهید و مهر	الا ای بنی آدم از لطف و مهر
پوشید تا عورت خویشان	لباسی فرستاد بر جان و تن
لباسی که نیکوترین جامه هاست	شما را ز تقوی لباسی سزاست
همه ز آیه های یگانه خداست	پس این نیک گفتار بی کم و کاست
ره شکر او را به پایان برید	که شاید خدا را به یاد آورید

(اعراف ۲۶ و ۲۷) بنابراین کسی که بی همسر است یا همسری مناسب ندارد در حقیقت گرفتار برهنگی است که عیوب او آشکار و برکمال و زیبایی اش چیزی افزوده نمی شود؛ چرا که از نظر خداوند همسران مانند لباس یکدیگر هستند که می پوشانند و زیبایی و کمال می آفرینند هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ (بقره ۱۸۷).

زنان چون لباسند مر شوی را وز آن سوی مردان لباس نسا

نکته ای که باید توجه داشت اینکه اگر همسری مناسب برای خود یا فرزندان خود یافتید پیشنهاد بدهید و در این کار درنگ نکنید و این بهانه که دختر بزرگ تر هنوز ازدواج نکرده، مانع از رسیدن به همسر مناسب نباشد. قَالَ إِيَّيْ أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي (قصص ۲۷ و ۲۸)

به موسی بگفتا شعیب آنکه عزم	مرا هست در این عمل نیک جزم
به عقد تو آم یکی دختری	که او را بگیری تو بر همسری

قاعده طلایی ازدواج آسان یکی از مهم ترین مشکلات جوانان این است که از سرمایه کافی برای ازدواج بهره مند نیستند. مردم بر این باورند که اول وضع مالی خوب و مناسبی باید داشته باشند تا بعد ازدواج کنند، این در حالی است که خداوند دقیقاً خلاف این باور مردمی فرمان می دهد. براساس قاعده طلایی که قرآن بیان می کند: اگر می خواهی از نظر اقتصادی وضعیت مناسب و خوبی داشته باشی اول ازدواج کن تا بی نیاز شوی. نه اینکه صاحب ثروت شوی بعد ازدواج کنی. بی همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر ندار و تنگدست باشند خداوند آنان

را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر دانا است. بهترین راه ازدواج آسان این است که شما به فضل الهی تکیه کنید و کارهای خود را در همه چیز از جمله ازدواج به خداوند واگذار کنید .

این نگرش در میان عامه مردم معروف است و تجربیات فراوان نیز مؤید آن است که اصولاً هزینه ازدواج را خداوند فراهم می کند، از این رو اگر کسی با اندکی آورده مالی، شروع به ازدواج کند و تلاش هم بورزد خداوند **و يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** ، از جایی که به ذهنش هم نمی رسد، هزینه او را تأمین می کند. این حقیقت با حساب های دودوتا چهارتای مادی ما سازگار نیست و محاسباتی غیر از محاسبات محدود ما در عالم در کار است

خداوند در آیه سوره نور کلید طلایی ازدواج آسان را تبیین کرده و به افراد نیازمند ازدواج تأکید کرده که با تقوا و توکل و اعتماد به خداوند و با حداقل امکانات و کم توقعی و ساده گیری و قناعت، به راحتی می توانند ازدواج کنند و خداوند هم هوای آنان را خواهد داشت. باشد که با ایمان واقعی و نه زبانی به این وعده های آسمانی، زنجیرهای خودساخته پیرامون ازدواج را به دست خود باز کنیم و با آسان گیری، زمینه ازدواج خیل عظیم جوانان مجرد آماده ازدواج را فراهم کنیم تا درهای رحمت و فضل خداوند به رویمان گشوده شود.

ازدواج، مایه برکت و موجب خیر از جمله تعابیر رسا و نغز اسلام در بیان اهمیت ازدواج، همانا بیان ثمرات و فواید مادی و معنوی مترتب بر آن است. با این روش، هم جایگاه ازدواج را نزد خداوند بیان می کند و هم انسان ها را به انجام آن ترغیب می نماید. بر همین اساس، در مکتب اسلام، ازدواج مایه فزونی رزق و روزی و سبب زیادی ثروت معرفی شده و موجب به تاخیر افتادن مرگ و بلندی عمر، دانسته شده است. به هنگام ازدواج ابواب آسمان گشوده و رحمت الهی به زمین فرو می ریزد.

توصیه های اسلام برای تحکیم خانواده

- ۱- حفظ خانواده، جهاد در راه خدا
- ۲- عفو و گذشت، عامل صفا و صمیمیت
- ۳- زندگی بر اساس عُرف اهل ایمان
- ۴- مرد، حق حکومت دارد، نه تحکم
- ۵- تقسیم کارهای خانه میان زن و مرد
- ۶- پوشاندن عیوب یکدیگر، نه اظهار و افشای آن‌ها
- ۷- تربیت فرزند، با شیوه اهل بیت (علیهم‌السلام)

راهکارهایی برای تحکیم نهاد خانواده قال النبی: فامن بیت فیہ شیئی من الحکمه الا

کان خرابا. خانه ای که در اداره امور آن پرتوی از حکمت نباشد سرنوشتی جز ویرانی ندارد.

۱. خانواده کوچک ترین واحد اجتماعی است که نخست به وسیله پیوند زناشویی بین زن و مرد در زیر یک سقف تشکیل میشود و با وجود فرزندان گسترش و تقویت می یابد.

۲. آیین اسلام، خانه و خانواده را همانند کشوری می داند که اعضای آن، اعضای کشور و پدر و مادر، مسئول اداره این کشور هستند و هر آنچه که برای اداره کشوری بزرگ لازم باشد مانند امنیت، فرهنگ، اقتصاد، قانون و... برای اداره امور خانواده نیز در مقیاسی کوچک تر لازم و ضروری است.

۳. خانواده را باید با «حکمت» اداره کرد. حکمت، از به هم پیوستگی علم و عقل به دست می آید، هر گاه دو مقوله دانش و خرد، با یکدیگر تلاقی پیدا کنند، حاصل جمع این دو، نورانیتی ایجاد می کند که آن را حکمت می گویند چنان که راغب اصفهانی در کتاب ارزشمند مفردات گفته است. **الحکمه اصابه الحق بالعلم و العقل.**

۴. حضرت مسیح علیه السلام در تفسیر واژه حکمت می فرماید: نور هر دلی حکمت است «ان الحکمه نور کل قلب» و علی علیه السلام نیز فرمود: ثمر درخت حکمت، رستگاری است ثمره الحکمه الفوز

اسلام، عامل اصلی تشکیل خانواده را «قانون زوجیت» می داند، قانونی که در نظام خلقت بر مجموعه آفرینش حاکم است، این قانون همه موجودات را از مسیر جذب و انجذاب هدایت می کند و هر جنسی را به طرف جنس دیگر می کشاند. خداوند می فرماید: و از هر موجودی جفت (نر و ماده) آفریدیم **وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجِينَ** قرآن کریم قانون زوجیت را از نشانه های قدرت خداوند حکیم می داند و می فرماید: از نشانه های قدرت خداوند این است که برای شما همسر و جفتی از جنس خودتان آفریده است **وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا**

۵. محیط خانواده، محل تلاقی عشق زن و مرد است. این تلاقی مبارک، کثرت را به وحدت و فصل را به وصل می رساند تا فرزندان که نتیجه ملاقات این دو عشق می باشند قدم به عرصه وجود بگذارند و تداوم زندگی انسانی را فراهم سازند. عشق، محیط خانه را صفا می بخشد، کلیدی برای حل بسیاری از مشکلات زندگی است، حرارت و شورزاید الوصفی به وجود می آورد، سختی ها را آسان و سکوت و سکون را به جنبش و جوشش مبدل می سازد.

۶. یکی از عوامل مهم، در انسجام خانواده، **سنخیت** است که به تعبیر فلاسفه، سنخیت علت انضمام و به هم پیوستن است «**السنخیه علیه الانضمام**» همین معنا را در قالب «کبوتر با کبوتر باز با باز» و یا «جان گرگان و سگان از هم جداست» بارها شنیده ایم و یا برای دیگران گفته ایم. در تعلیمات اسلامی، برای تحکیم و تداوم هر چه بهتر و شیرین تر زندگی، به موضوع مهم **کفویت** و مشابهت فکری و فرهنگی و همچنین سنخیت اخلاقی توجه ویژه شده است.

چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: به همشان خود زن بدهید و از همشان خود زن بگیرید **زوجوا الا کفاء و تزوجوا الا کفاء** یا در بیان دیگری فرمود: مرد مسلمان همشان زن مسلمان و مرد مومن همشان زن با ایمان است **المسلم کفو المسلمه و المومن کفو المومنه**

۷. خانواده بستر شکل گیری شخصیت افراد است و لذا این بستر اگر پاک و نورانی باشد کسانی که در این فضای نورانی رشد کنند طبعاً پاک و نورانی خواهند شد، در غیر این صورت نسبت به خروجی های خانواده، نباید امید پاکی و شایستگی داشت. قرآن کریم در یک بیان تمثیلی می فرماید: زمین پاک، گیاهش به فرمان پروردگارش پاک می روید، ولی زمین ناپاک و بد طینت، جز گیاه بی ارزش از آن نمی روید **وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا** اعراف ۵۸

زمینی که پاک است و نیکوش خاک	گیاهش به اذن خدا هست پاک
ولی ز آن زمینی که ناپاک هست	نروید گیاهی مگر خار و پست
بدین گونه این آیه های گران	بیان می نمایم بر شاگردان

۸. در اداره امور خانواده، چند عنصر، نقش اساسی دارند که اگر هر یک از آنها نباشند و یا نقش ضعیفی را ایفا نمایند مجموعه اعضاء خانواده، با مشکلات فراوانی روبرو خواهند شد. آن عناصر سازنده، که به نظام خانواده شکل منطقی و انسانی می بخشند عبارتند از **حکمت و تدبیر احساس و عاطفه اخلاق قانون**

۹. امروز در جهان غرب، ارکان خانواده، درهم شکسته و نهادی به عنوان خانواده تقریباً از بین رفته یا در حال اضمحلال است، زیرا ماهیت فرهنگ و تمدن مادی غرب، انسان غربی را به این نقطه وحشتناک رسانده. در محیط زندگی غربی ها، صفا، صمیمیت، ایثار، صله رحم، رعایت حقوق والدین و امثال این ارزش ها که نطفه اش در نهاد اجتماعی خانواده بسته می شود، و خانواده آسیب جدی دیده است.

۱۰. در جوامع اسلامی، به خاطر حضور پررنگ فرهنگ اسلام و قرآن، تا حدود زیادی نهاد خانواده، از آسیب‌ها و آفت‌ها در امان مانده است. اگر چه در این سال‌ها، تهاجم فرهنگی غرب، خانواده و معیارهای ارزشی آن را با چالش روبرو کرده است ولی ارکان خانواده و بسیاری از سنت‌ها و ارزش‌هایش، همچنان محکم و استوار باقیمانده‌اند.

۱۱. اسلام با الهام از فرهنگ انسان‌ساز، خانواده را واحد بنیادی جامعه معرفی می‌کند و از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

چهار اصل بنیادی در زندگی از نظر امام صادق علیه السلام انسان زندگی خویش را بر پایه دانش و علم و معرفت قرار دهد، و باید زندگی خود را بر ۳ اصل بنا کند

۱. دانستم روزی مرا دیگری نمیخورد، پس آرام شدم؛

۲. و دانستم که خدا مرا میبیند، پس حیا کردم؛

۳. و دانستم که کار مرا دیگری انجام نمیدهد، پس تلاش کردم؛

از احکام عقلانی و وحیانی از جمله مسئولیت‌ها و تکالیف بشر در برابر اعضا و جوارح خود، محافظت و مدیریت نگاه و نظر است چرا که عقل برای زندگی بشر هدف والا و برتری را شناسایی می‌کند که نمی‌تواند جز از طریق حرکت در مسیر معینی به دست آید. این هدف متعالی که از آن به خلافت، خوشبختی، زندگی ابدی و مانند آن تعبیر می‌شود، تنها در سایه حرکت در راه راست عقل و دین و اخلاق است.

لذا اجازه نمی‌دهد تا اعضا و جوارح بیرون از این هدف، عمل و رفتار کند. از نظر عقل و در میان فضایل اخلاقی، حیا و عفت در درجه اول اهمیت است؛ زیرا حیا به معنای پذیرش همه فضایل اخلاقی و بی‌حیایی و بی‌عفتی به معنای پذیرش همه رذایل اخلاقی است.

چشم، دریچه‌ای به سوی کمال یا سقوط در آیات و روایات بسیاری به مسئله چشم و کارکردهای متضاد و دوگانه آن توجه داده شده. از نظر قرآن همه اعضا و جوارح آدمی چیزهایی است که در نزد وی به امانت گذاشته شده و شخص به عنوان مسئول حفظ و نگهداری و بهره برداری درست آن است و لا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)

بدانچه نداری بر آن آگهی	مبادا که دل در پی آن نهی
(مبادا که بی غور بی جستجو	بگوئی که این يك بدست، آن نکور)
که مسئول هستند پیش خدا	همه چشم و گوش و قلوب شما

هریک از اعضا و جوارح آدمی امانتی در دست انسان است که در قیامت باید پاسخگوی رفتارها و تصرفات خود درباره آنها باشد. هرگونه رفتار و تصرفی که بیرون از دایره حق و چارچوب های الهی که برای نعمت و عضوی قرار داده شده باشد، به عنوان رفتاری خیانت آمیز تلقی میشود.

یکی از اعضاء و نعمت هایی که خداوند برای انسان قرار داده و به عنوان امانت در اختیار اوست، نعمت چشم که باید در چارچوب حق انجام گیرد وگرنه باید در قیامت به عنوان خیانت در امانت پاسخگو باشد.

مسئولیت چشم و تکالیف آن خداوند چشم را از ابزارهای شناختی معرفی کرده و

لَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند (اعراف ۱۷۹، ۱۹۵)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

چو خوانیدشان بر صراط نکو اعراف ۱۹۸ نخواهند بشنید آن گفتگو

ببینی که آنان ترا بنگرند ولی هیچ بهره ز تو نابرند

وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل ۷۸) و (مومنون ۷۸)

ببخشیدتان حق دو چشم و دو گوش عطا کرد قلب و بیاراست هوش

مگر شکر گوید بر کردگار بگردید شاکر به پروردگار

و آن را به عنوان نعمتی بزرگ دانسته **أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ** آیا دو چشمش نداده ایم

(بلد ۸) **مگر چشم بر او ندادست رب**

اگر چشم نبود ما بسیاری از حقایق هستی را درک نمی کردیم و از بسیاری از علوم محروم بودیم. دیگر مسئولیت های انسان در برابر چشم آن است که اجازه ندهد تا چشم خیانت ورزد و رفتاری نادرست را درپیش گیرد که برخلاف امانت و مسئولیتی است که برعهده آن گذاشته شده

از آیه ۱۹ غافر به دست می آید که چشمان آدمی به خود انسان نیز خیانت می کند **يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ** [خدا] نگاه های دزدانه و آنچه را که دلها نهان می دارند می داند

چو با چشم، مردم خیانت کنند و گر طرح پنهان به دل افکنند

از آنهاست آگاه رب جهان بدانند همه چیز فاش و نهان

از این رو خدا حتی به خیانت چشمان آدمی آگاهی دارد و از آن بازخواست می کند؛ چرا که حرکات خیانت آمیز چشمان انسانها، از خدا پنهان نیست و خداوند به حکم خالقیت و مالکیت، چشم و هر چیز دیگر مرتبط به آن را در قبضه قدرت خود دارد.

نگاه و چشم چرانی و حرکات خیانت بار چشم یکی از مسئولیت های انسان و چشم مسئولیت در برابر نگاه و حرکات از جمله حرکات خیانت بار است. از جمله این حرکات خیانت بار می توان به چشم چرانی اشاره کرد. بر انسان است که مواظب چشمان خویش باشد، چرا که نگاه یکی از دریاچه های هفتگانه آدمی به سوی گناه و دوزخ است **لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ** [دوزخی] که برای آن هفت در است و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می شوند] (حجر ۴۴)

برای جهنم بود هفت راه ز هر ره گروهی درآید تباه

چشم چرانی از جمله رفتارهای خیانت آمیز چشمان است. چشم چرانی یعنی خیره چشمی و هرزه نگاهی یا همان هیز بودن، نگاه از روی لذت به خوبرویان و نظر بازی است. (لغت نامه ج ۵ ص ۷۱۴۷) زیرا حرکات مخفی و دزدانه چشم برای بهره گیری و التذاذ موجب میشود تا انسان از مسیر امانت الهی دور شود و ابزارهای رشدی را در مسیر نادرست به کار گیرد. از آن جایی که خداوند مالک اعضا و جوارح است و این ابزارهای شناختی در اختیار بشر قرار گرفت تا خداشناسی و هستی شناسی داشته باشد و در مسیر رشدی قرار گیرد، ولی شخص با بهره گیری نادرست از این ابزارها در حقیقت در امانت خیانت کرده است.

از این رو چشم چرانی از مصادیق خیانت چشمان شمرده می شود. یکی دیگر از فرمان های الهی **غض بصر** به معنای چشم فرو هشتن است که خداوند درباره نگاه بیان کرده و از مومنان خواسته تا در برابر نامحرمان از مرد و زن چشم فرو گیرند و در دیگران به صورت خیره و تیز و مستقیم نگاه نکنند **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ** (نور ۳۰ و ۳۱) یکی از ماموریت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) این بود که به مومنان فرمان

دهد تا مراقب چشمان خویش باشند و از نگاه هرزه و هیز اجتناب کنند. نگاه خیانت بار و چشم چرانی حرام است و بر زنان و مردان است که از چشم چرانی پرهیز کنند. یعنی امر کن به اجتناب از چشم چرانی که اگر امر کردی آنان نیز اجتناب خواهند کرد. (المیزان ج ۱۵، ص ۱۱۰-۱۱۱)

خداوند مثلا از رو در رو شدن با زنان پرهیز میدهد، چرا که زمینه ساز پیدایش چشم چرانی در جامعه است **وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا** مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است (احزاب ۳۵)

آزاد کردن دل به فروهستن چشم نگاه، دریچه ای به سوی گناه و سقوط است؛ چرا که دل با دیدن، گرفتار می شود و در زنجیری از گناهان می افتد که او را به ورطه نابودی و سقوط از مقام انسانیت می کشاند. امام علی (علیه السلام) راحتی دل ها را در رهایی از نگاه های هیز و چشم چرانی و از طریق چشم فروهستن می داند **مَنْ غَضَّ ظَرْفَهُ، أَرَاخَ قَلْبَهُ؛** هرکس چشم خود را (از نامحرم) فرو بندد، قلبش راحت می شود. (غررالحکم، ح ۲۲۱۹)

راهکار رهایی از خیانت چشم از امیرمومنان علی (علیه السلام) نیز روایت شده که فرمود: **نَعَمْ صَارَفَ الشَّهَوَاتِ غَضَّ الْأَبْصَارِ** چشم پوشی از نگاه، بهترین عامل بازداری از شهوت است. برای کنترل نگاه حتی خوب است از نگاه به لباس زیر زنان پرهیز شود **فَانْ قَدْرَتِ أَنْ لَا تَنْظُرَ إِلَى ثَوْبِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ فَا فَعَلْ؛** اگر توان داری به جامه زنی که برای تو حلال نیست نگاه نکنی، نگاه نکن (منتخب میزان الحکمه ص ۲۳۰ ح ۲۷۴۹) اگر شخص خود را در محضر خدا بداند و بر این باور باشد که عالم محضر خداوند است و او حتی خفی و سر و اخفی را می داند: **يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛** و از نگاهی دزدکی آدمی نیز آگاهی دارد، در آن صورت رفتار خویش را تغییر می دهد و از

خدا شرم و حیا کرده و از گناه در برابر دیدگان حضرت حق پرهیز می کند. از بهترین راه های چشم بستن از حرام، حاضر و ناظر دانستن ناظر آگاهی است که بر همه اعمال آشکار و نهان ما احاطه دارد و از باطن ضمیر، مطلع است و هم اوست که فردای قیامت حسابرس و حاکم است. خداوند در قرآن می فرماید: **يَعْلَمُ خَائِنَةَ** **الْاَعْيُنِ** خدا از خیانت چشم ها آگاه است.

چرائی و ضرورت کنترل چشم و گوش اکنون پرسش این است: ما چشم و گوشمان را در چه راه هایی به کار می بریم؟ معمولاً چشم ما خیلی آزاد است و هر طرف که بخواهیم نگاه می کنیم. هر چه در خیابان جلوی چشممان آمد می بینیم. شیعیان کسانی هستند که به این دو کار همت دارند:

فرق دیدن و نگاه کردن دیدن، امری اختیاری است، ولی نظر و نگاه این طور نیست و در بسیاری از موارد بی اختیار اتفاق می افتد، زیرا گردش چشمان و نظر و نگاه کردن اختیاری چشم است همانند نفس کشیدن، ولی انسان باید توجه داشته باشد که این نگاه می تواند به دیدن تبدیل شود و از حالت غیرطبیعی به اختیاری تغییر ماهیت دهد. از این رو امام صادق (علیه السلام) نگاه دوم را خطر ساز و نگاه سوم را هلاکت بار می داند **أَوَّلُ النَّظَرِ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّلَاثَةُ فِيهَا الْهَلَاكُ** نگاه اول (ناخود آگاه به نامحرم) برای تو (جایز و حلال) است و نگاه دوم ممنوع است و حرام، و نگاه سوم، هلاکت بار است (من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۴۷ ح ۱۸۵۶۴)

از نگاه (ناپاک) پرهیزید که چنین نگاهی تخم شهوت را در دل می کارد و همین برای فتنه صاحب آن دل بس است. (تحف العقول ص ۵۰۳)

نگاه به محارم براساس احکام شرعی نگاه کردن به همسر مانعی ندارد اما نگاه کردن به غیر همسر شرعی ممکن است به دو صورت باشد: با قصد لذت. **و** بدون قصد لذت.

اگر با قصد لذت باشد حرام الهی است. اما اگر بدون قصد لذت باشد به جز عورتین مانعی ندارد. بنابراین آقایون مجاز نیستند حتی به محارم خود نیز با قصد لذت نگاه کنند چه برسد به غیر محارم و نامحرمان!

نگاه به نامحرمان در مورد نگاه به غیر محارم، اگر با قصد لذت باشد به طور کلی حرام است ولی اگر بدون قصد لذت باشد تنها به دست ها و صورت اشکالی ندارد و به غیر از دست ها و صورت نیز حرام است. براین اساس نگاه کردن آقایون حتی به دست ها و صورت نامحرمان اگر با قصد لذت باشد نیز حرام است.

اگر احکام الهی اسلام برای سعادت بشری آورده شده است، اگر رعایت احکام شرعی- فرجام نیک آدمی را تضمین می کند، پس دیگر تابستان و زمستان ندارد! همیشه و در همه حال این احکام و دستورات مفید و ضامن سعادت آدمی آند!

آثار نگاه حرام از آثاری که برای نگاه حرام برشمرده اند می توان غیر از آثار جسمی به آثار روانی نیز اشاره کرد. از جمله حسرت و افسوس می رود. علی علیه السلام نسبت به نگاه کردن هشدار می دهد **من اطلق طرفه کثر اسفه؛** هر کس چشم خویش را آزاد گذارد، همیشه اعصابش ناراحت بوده و به آه حسرت دائمی گرفتار میشود (میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۴۷ غرر الحکم ج ۲ ح ۴۰۳) این حسرت به دلایل مختلف ممکن است پدید آید که یکی از آنها عدم دسترسی به آنچه دیده. وقتی انسان در حقیقت انسانی که نگاهی شهوت انگیز دارد، عقل خویش را به تباهی می دهد و نگاه، زمینه ساز شهوت و شهوت موجب زوال عقل می شود

نگاه، مساله ای شرعی و اخلاقی در آموزه های دینی، شخص می بایست در نگاه کردن و نگریستن متوجه این معنا باشد که برخی از نگاهها حرام و برخی دیگر مکروه است. نگاه های خیانت آمیز و زیرچشمی، بر خلاف اصول اخلاقی است و خردمندان این گونه رفتارها را در ردیف رفتارهای ناهنجار قرار می دهند.

نگاه حرام، ورود به حریم حرمت زن است نگاه نامحرم به او بی حرمتی به اوست برای همین می بینیم که در مورد زنان کافر این احترام وجود ندارد و در صورت بی ریه بودن نگاه، معصیتی صورت نگرفته است.

نگاه به نامحرم و آسیب های آن

۱- به خطر افتادن امنیت اجتماعی و اخلاقی: موضوع ضرورت امنیت برای زنان، از اجزای تفکیک ناپذیر یک جامعه سالم است و بدون شک، پوشش و نگاه، حریم اطمینان بخشی برای تأمین این نیاز اساسی تلقی می شود، متأسفانه در دنیای کنونی که به این کمربند حفاظتی و امنیتی بهای لازم داده نمی شود، امنیت زنان، بیش از گذشته در معرض خطر قرار گرفته . به طور کلی می توان گفت که امنیت زنان به دو چیز بستگی دارد :

الف - پوشش: امام صادق علیه السلام: **لا ینبغی للمراه أن تجم ثوبها اذا خرجت من بیتها؛** برای زن هنگامی که از خانه اش خارج می شود، سزاوار نیست که لباسش را خوشبو کند. و مردان هوسران را تحریک کنند.

ب - نگاه: وقتی که در بین جامعه ای، نگاه حرام به صورت یک عادت غلط در می آید، همه گرفتار آن می شوند در چنین جامعه ای، دیگر از امنیت خبری نیست و دلیل آن این است که نگاه حرام اول راه است و بعد فساد و هتک حرمت به وجود می آید.

۲- توسعه فساد و فحشا: کسانی که چشم چرانی می کنند، انسان هایی هستند که به شهوترانی متمایل هستند و از اینکه فساد و فحشا در جامعه گسترش پیدا کند، خوشحال می شوند زیرا راه برای شهوترانی و هوسرانی آنها، در جامعه باز می شود. به همین علت، چشم چرانی رابطه مستقیم با فساد و فحشا دارد، یعنی در صورت افزایش یا کاهش نگاه آلوده در جامعه، فساد نیز کم، یا زیاد می شود.

۳- فرار از خانه : وقتی که دختران و پسران، با نگاه حرام به استقبال روابط نامشروع می‌روند، کم کم در ورطه گناه و فساد جنسی قرار می‌گیرند و به همین علت، بیرون از خانه را امن‌تر از خانه می‌دانند و در چنین شرایطی، تصمیم به فرار از خانه می‌گیرند.

لذا آنها کاملاً در معرض اشتباه هستند و فرار از خانه مشکلات آنها را دوچندان می‌کند.

۴- بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی: در پی رها شدن نگاه و به تبع آن قوه شهویه لجام گسیخته روابط خانوادگی به شدت تضعیف شده و در پی آن طلاق و خطرات بعد از آن شروع می‌شود.

۵- پیدایش بیماری‌های جنسی و روانی: یکی دیگر از اثرات مخرب نگاه حرام، ابتلا به بیماری‌های روانی است به گونه‌ای که نگاه کننده به این عمل شنیع معتاد می‌شود. در چنین شرایطی، حتماً نگاه کننده، اراده خدادادی خود را تضعیف می‌بیند و از اینکه نمی‌تواند بر چشم خویش مسلط شود، بیماری‌هایی مانند افسردگی و... به سراغ او می‌آید.

یکی از موارد نگاه حرام، نگاه به فیلم‌های مستهجن و غیر اخلاقی است، ولی برخی بدون توجه به حرمت شرعی، به آنها نگاه می‌کنند و در اثر نگاه به آن فیلمها، اعمالی به آنها تلقین می‌شود که روح آنان را مشوش می‌نماید و با وجود تأثیرگذاری این گونه فیلمها، انسان ترغیب به اعمال نامشروع و دور از اخلاق می‌شود.

۶- بی‌اهمیتی به جامعه و آینده خود و دیگران: کسی که به واسطه نگاه حرام، به ورطه شهوات می‌رود به جایی می‌رسد که هیچ چیز، جز شهوت برایش معنا و مفهومی ندارد؛ دیگر برایش مهم نیست که چه می‌شود، نه جامعه برایش مهم و نه خانواده‌اش؛ شهوات را می‌شناسد و آن چیزهایی را که او را به شهوت می‌رسانند.

عادت به گناه

عادت به گناه و آلودگی ها از دیگر علل و عواملی است که خداوند در آیات ۷۸ و ۷۹ سوره هود به عنوان علت تداوم و افزایش نابهنجاری یاد می کند. در حقیقت کسی که به گناهی عادت کند نمی تواند از آن رهایی یابد و این خود عاملی می شود تا بطور عادت که طبیعت ثانوی وی شده آن را تکرار کند و خود و جامعه را آلوده نماید.

دست دادن با زن یک مرد انگلیسی از عالمی پرسید: چرا در اسلام دست دادن زن با مرد نامحرم حرام است؟ عالم گفت: آیا تو میتوانی با ملکه الیزابیت دست بدهی؟ مرد انگلیسی گفت: البته که نه، فقط چند نفر محدوداند که میتوانند با ملکه دست دهند.

عالم گفت: زن های ما ملکه ها هستند و ملکه ها بامردان بیگانه دست نمیدهند. مرد انگلیسی سوال کرد: چرا زن های شما موها و بدن خود را میپوشانند، یا حجاب را رعایت میکنند؟ همان عالم تبسمی کرد و دو عدد شکلات را گرفت، یکی را باز کرد و دومی را همان طور بسته باقی گذاشت. بعدا هر دوی آنها به زمین خاک آلود انداخت و به مرد انگلیسی گفت: اگر من بگویم یکی از آنها را بردار کدام یک را انتخاب میکنی؟ مرد انگلیس گفت: همان شکلات را که پوشش دارد. عالم گفت: به این دلیل است که زن های ما حجاب را رعایت می کنند. تقدیم به محضر همان عالم باصفا و منطقی امام موسی صدر صلوات

دختران مومن سه ویژگی دارند: متکبر، بخیل و ترسو هستند!

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: زنان و دختران مومن باید این سه صفت را که برای مردان بد است، داشته باشند. اما اینکه **متکبر** باشند یعنی در مقابل نامحرم با قاطعیت و ترشروی صحبت کنند و از حرف زدن با عشوه و تبسم که دیگران را

تحریک میکند پرهیزند. منظور از ترس هم ترس از تنها بودن و تنها ماندن با شخصی است که عنوان نامحرم دارد. اما اینکه بخیل باشد یعنی در حفظ مال خود و شوهر، کمال دقت و وسواس را به خرج دهد و امانت دار اموال همسر خود باشد. نهج البلاغه فیض الاسلام-حکمت ۲۶۶، ص ۱۱۹۱

از دختر جوانی پرسیدند: از چه نوع آرایشی استفاده می کنی؟

گفت اینها رو به کار می برم:

برای لبانم.....راستگویی

برای صدایم.....ذکر الله

برای چشمانم.....چشم پوشی از حرامات

برای دستانم.....کمک و یاری به مستمندان

برای پاهایم.....ایستادن برای نماز

برای قامتم.....سجده بردن برای الله

برای قلبم.....حب الله

به فکر نمازت باش مثل شارژ موبایلت!

با صدای اذان بلند شو مثل صدای موبایلت!

از انگشتت واسه اذکار استفاده کن مثل صفحه کلید موبایلت!

قرآن رو همیشه بخون مثل پیامهای موبایلت!

خدایا من عاشق توام و به تو نیاز دارم. به قلب من بیا

منابع : قرآن منظوم امید مجد

استفاده از مجموعه سخنرانی ها و مقالات مرتبط با موضوع

کتاب حجاب علامه شهید مطهری

مقام زن و امام خمینی